



فصل اول

«القضاء و الشهادات»

تست‌های تألیفی فصل اول

کلمه مثال ۱: یکی از شرایط لازم برای قاضی، کمال او می‌باشد منظور از کمال کدام مورد است؟

- (۱) عقل و بلوغ (۲) بلوغ و طهارت مولد (۳) بلوغ و طهارت مولد و عقل (۴) عقل و رشد

پاسخ: گزینه «۳» هر چند منظور از کمال، عقل و بلوغ است ولی از آنجا که در قاضی حلال‌زادگی شرط است لذا طهارت مولد را داخل در شرط کمال نموده‌اند.

کلمه مثال ۲: چرا قاضی نمی‌تواند از طرفین دعوا برای قضاوت کردن چیزی بگیری؟

- (۱) این کار در حکم گرفتن رشوه است (۲) اصحاب دعوا حق ندارند برای او مزد تعیین کنند.
(۳) باعث تمایل او به یکی از طرفین است. (۴) اخذ اجرت از طرفین رشوه محسوب می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که قاضی از طرفین دعوا چیزی بگیرد این امر ممکن است باعث تمایل او به طرف یکی از آنها شود و به همین خاطر این کار در حکم گرفتن رشوه است.

کلمه مثال ۳: رعایت کدام مورد بر قاضی واجب نیست؟

- (۱) رعایت انصاف بین طرفین (۲) تساوی در جواب سلام دادن به طرفین
(۳) نداشتن تمایل قلبی نسبت به یکی از طرفین دعوا (۴) رعایت تساوی در سخن گفتن با طرفین

پاسخ: گزینه «۳» چرا که رعایت تساوی در این مورد بعضی اوقات غیرممکن می‌باشد، چون این امر غیر منضبط است و مربوط به امور قلبی است.

کلمه مثال ۴: اگر طرفین دعوا با هم شروع به سخن گفتن کنند قاضی.....

- (۱) به سخن هیچکدام گوش نمی‌دهد.
(۲) به سخن کسی که مدعی است گوش می‌کند.
(۳) با قرعه مشخص می‌کند که به سخن چه کسی گوش کند.
(۴) سخن کسی را گوش می‌کند که در طرف راست دیگری قرار گرفته است.

پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که طرفین دعوا به‌طور همزمان شروع به سخن گفتن کنند، قاضی سخن کسی را گوش می‌کند که در طرف راست دیگری قرار گرفته است.

مکره است قاضی نزد صاحب حق برای اسقاط حق، یا نزد مدعی برای باطل کردن دعوا وساطت کند؛ یا به هنگام دادرسی دربانان بگمارد، زیرا پیامبر اکرم (ص) از این کار نهی نموده‌اند، یا در حالی قضاوت نماید که به دلیل چرت زدن یا گرفتاری و ناراحتی یا خشم و گرسنگی یا سیری دارای مشغولیت قلبی می‌باشد، البته اگر با وجود یکی از این موارد قضاوت کند، حکم او نافذ است.

کلمه مثال ۵: انجام کدام یک از موارد زیر بر قاضی مستحب است؟

- (۱) یشفع فی إسقاط أو إبطال (۲) یتخذ حاجباً
(۳) ترغیبهما فی الصلح (۴) یقضی مع إشتغال القلب

پاسخ: گزینه «۳» قاضی ابتدا باید طرفین دعوا را به صلح و سازش دعوت کند. انجام این کار بر قاضی مستحب می‌باشد.

کلمه مثال ۶: این عبارت تعریف کدام شخص است: «هو الذی یتترک لو ترک»

- (۱) طلبکار (۲) مدعی (۳) مدعی علیه (۴) بدهکار

پاسخ: گزینه «۲» مدعی کسی است که اگر دست از ادعای خود بردارد، رسیدگی متوقف می‌شود.

کلمه مثال ۷: أما الإنکار فإن كان الحاكم عالماً قضی بعلمه و إلا طلب ...

- (۱) إحلافه (۲) الغریم (۳) البینه (۴) النکول

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که قاضی نسبت به موضوع علم نداشته باشد از مدعی مطالبه‌ای بینه می‌کند.

کلمه مثال ۸: در صورتی که مدعی علیه برای آوردن جارج بر شهود مدعی مهلت بخواهد قاضی چند روز به او مهلت می‌دهد؟

- (۱) ۳ روز (۲) ۵ روز (۳) ۷ روز (۴) ۴ روز

پاسخ: گزینه «۱» اگر مدعی علیه برای جرح شهود مدعی مهلت بخواهد قاضی سه روز به او مهلت خواهد داد.

کلمه مثال ۹: و يُكْرَهُ أَنْ يُعْنَتَ الشَّهُودَ إِذَا كَانُوا مِنْ أَهْلِ الْبَصِيرَةِ بِالتَّفْرِيقِ:

- (۱) جایز نیست اگر شهود بصیرت داشته باشند قاضی آنها را به مشقت بیندازد.
 (۲) مکروه است قاضی شهود اهل بصیرت را به مشقت بیندازد.
 (۳) مکروه است که اگر شهود از اهل بصیرت باشند قاضی با تفریق و جدا کردن آنها از یکدیگر موجب مشقت آنها بشود.
 (۴) مکروه است قاضی شهود اهل بصیرت را از یکدیگر جدا کند.

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به شأن و شخصیت شهود به مشقت انداختن آنها با جدا کردن آنها از همدیگر مکروه خواهد بود.

کلمه مثال ۱۰: قاضی در چه صورت می‌تواند مدعی علیه را از اقرار باز دارد؟

- (۱) در هیچ مورد (۲) در حق الناس (۳) در حق الناس و حق الله (۴) در حق الله

پاسخ: گزینه «۴» قاضی فقط در حق الله می‌تواند مدعی علیه را از اقرار باز دارد.

کلمه مثال ۱۱: و يَنْبَغِي التَّغْلِيظُ بِالْقَوْلِ وَالزَّمَانِ وَالْمَكَانِ فِي الْحَقُوقِ كُلِّهَا إِلَّا أَنْ

- (۱) ینقص المال عن نصاب الحد (۲) ینقص المال عن الدینار (۳) ینقص المال عن عشرة دراهم (۴) ینقص المال عن درهم

پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که مال مورد ادعا کمتر از حد نصاب قطع دست در حد سرقت باشد تغلیظ قسم مستحب نخواهد بود.

کلمه مثال ۱۲: غصب ثابت می‌شود با

- (۱) شهادت یک مرد (۲) شهادت یک مرد و دو زن
 (۳) شهادت یک مرد و قسم مدعی (۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۴» غصب و تمام دعوی مالی با شهادت یک مرد و دو زن و یا شهادت یک مرد به انضمام قسم مدعی ثابت می‌شوند.

کلمه مثال ۱۳: و لو رجع الشاهد الواحد غرم

- (۱) الجميع (۲) النصف (۳) الربع (۴) الثلث

پاسخ: گزینه «۲» در مواردی که دعوی مالی با شهادت یک شاهد و قسم مدعی ثابت شده باشد اگر بعد از صدور حکم، شاهد از شهادت خود رجوع کند باید نصف مالی را که مورد حکم قرار گرفته است را به مدعی علیه بازگرداند.

کلمه مثال ۱۴: و لو كانت فی يد ثالث و صدق أحدهما صار صاحب البید و للآخر إحلافهما:

- (۱) اگر مال در دست شخص ثالث باشد و یکی از آنها او را تصدیق کند، وی صاحب مال می‌شود و دیگری آنها را قسم می‌دهد.
 (۲) اگر مال در نزد شخص ثالثی باشد و یکی از آنها را تصدیق کند، مال برای دیگری خواهد بود و طرف مقابل می‌تواند آنها را قسم بدهد.
 (۳) اگر مال در تصرف شخص ثالثی باشد و او یکی از آنها را تصدیق کند، آن شخص ذوالید می‌شود و طرف دیگر می‌تواند هر دوی آنها را قسم بدهد.
 (۴) تمام گزینه‌ها غلط هستند.

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که مال در دست شخص ثالثی باشد و او یکی از طرفین مدعی را تصدیق کند این کار باعث می‌شود کسی که او را تصدیق کرده است ذوالید شمرده شود.

کلمه مثال ۱۵: تقسیم سهام در چه صورتی بیع محسوب می‌شود:

- (۱) در صورتی که در آن رد وجود داشته باشد. (۲) در هیچ موردی
 (۳) در تمام موارد (۴) در بعضی موارد

پاسخ: گزینه «۲» تقسیم سهام از نظر فقهای امامیه بیع محسوب نمی‌شود حتی اگر متضمن رد باشد.

سؤال ۱۶: مثال در صورتی که بعد از تقسیم مال مشترک معلوم شود که جزء مشاعی آن متعلق حق غیر است، این تقسیم چه حکمی دارد؟

(۱) باطل است.
 (۲) شرکا حق فسخ دارند.
 (۳) شخص ثالث می‌تواند شرکت را فسخ کند.
 (۴) تقسیم صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» از آنجا که تقسیم انجام شده با رضایت تمام شرکا صورت نگرفته است، لذا باطل است.

سؤال ۱۷: مثال از نظر فقهای امامیه یکی از شرایط شاهد داشتن ایمان است، منظور از ایمان چیست؟

(۱) ایمان به خدا
 (۲) اسلام
 (۳) شیعه دوازده امامی
 (۴) ایمان به پیامبر

پاسخ: گزینه «۳» از نظر فقهای امامیه مؤمن کسی است که مذهب وی شیعه دوازده امامی باشد.

سؤال ۱۸: مثال لا تُقبلُ شهادة المتبرع بإقامتها إلا أن يكون في

(۱) حق الناس
 (۲) حق الله
 (۳) القصاص
 (۴) الوقف الخاص

پاسخ: گزینه «۲» شهادت کسی که به صورت تبرعی شهادت بدهد پذیرفته نمی‌شود مگر در مورد حق الله.

سؤال ۱۹: مثال منظور از «وَتُسْفَرُ الْمَرْأَةُ عَنْ وَجْهَيْهَا» چیست؟

(۱) برای ادای شهادت زن، روبند خود را بردارد تا مشهود علیه او را بشناسد.
 (۲) برای شهادت دادن به نفع یا علیه زن، باید زن روبند خود را بگشاید.
 (۳) برای ادای شهادت، زن روبند خود را بردارد تا قاضی او را بشناسد.
 (۴) زن فقط در دادگاه روبند خود را بر می‌دارد.

پاسخ: گزینه «۲» زن می‌تواند روبند خود را در نزد قاضی بردارد تا قاضی و شاهد او را بشناسند.

سؤال ۲۰: مثال تحمل شهادت و ادای شهادت به ترتیب چه نوع واجبی هستند؟

(۱) عینی - کفایی
 (۲) کفایی - کفایی
 (۳) کفایی، عینی
 (۴) عینی، عینی

پاسخ: گزینه «۲» تحمل شهادت و ادای شهادت هر دو واجب کفایی هستند و تنها در صورتی ادای شهادت واجب عینی می‌گردد که جز آن شاهد، شاهد دیگری وجود نداشته باشد.

سؤال ۲۱: مثال شهادت زنان به تنهایی در چه مواردی پذیرفته می‌شود؟

(۱) ولادت و استهلال
 (۲) نسب و رویت هلال
 (۳) ولادت و وصیت به شخص
 (۴) وصیت به شخص و رویت هلال

پاسخ: گزینه «۱» شهادت زنان به تنهایی فقط در امور محدودی پذیرفته می‌شود مثل ولادت و استهلال.

سؤال ۲۲: مثال لا تُقبلُ الشهادة الثالثة فصاعداً:

(۱) شهادت سوم و بیش از آن بر شاهد فرع پذیرفته نمی‌شود.
 (۲) شهادت سه نفر به بالا پذیرفته نمی‌شود.
 (۳) شهادت سوم و بیش از آن قبول نیست.
 (۴) شهادت بر شهادت پذیرفته نیست.

پاسخ: گزینه «۱» در شهادت بر شهادت، فقط شهادت ابتدایی شاهد فرعی بر شاهد اصلی پذیرفته می‌شود و بیش از آن پذیرفته نیست.

سؤال ۲۳: مثال لو ثبت تزوير الشهود...

(۱) نقض الحکم و لکن لم يستعاد المال
 (۲) استعید المال ان كان باقياً و آلا لم يستعاد
 (۳) نقض الحکم و استعید المال إن كان باقياً
 (۴) لم ينقض الحکم

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که دروغ بودن شهادت شهود ثابت شود بعد از این که حکم صادر شد، حکم صادره نقض می‌گردد و مالی که مورد حکم قرار گرفته است مسترد می‌شود.

آزمون فصل اول

کله ۱- در دوران غیبت حکم چه کسی نافذ می‌شود؟

- (۱) حاکم (۲) فقیه (۳) قاضی جامع‌الشرايط (۴) فقیه جامع‌الشرايط

کله ۲- قضاوت کردن بین مردم برای کسی که اهلیت آن را ندارد، چه حکمی دارد؟

- (۱) به طور کلی حرام است. (۲) در مورد اموال باارزش حرام است.
(۳) به طور کلی اشکال ندارد. (۴) در مورد اموال بی‌ارزش جایز است.

کله ۳- در چه مواردی می‌توان حکم غیابی صادر کرد؟

- (۱) حدود (۲) تعزیرات (۳) حق الناس (۴) حق الله

کله ۴- تمییز احد النصیبین فصاعداً عن الآخر.

- (۱) الشفعه (۲) القسمة (۳) الشركة (۴) الصلح

کله ۵- از نظر فقه اسلامی بیع محسوب نمی‌شود.

- (۱) صلح (۲) شرکت (۳) قسمت (۴) اقاله

کله ۶- همراه با بینه بر علیه چه کسی قسم مدعی واجب است؟

- (۱) غایب (۲) مفقود (۳) محجور (۴) میت

کله ۷- شهادت کدام یک پذیرفته نمی‌شود؟

- (۱) طلبکاران به نفع مفلس (۲) وصی در مورد چیزی که متعلق وصیت نباشد.
(۳) مسلمان (۴) فرزند رشید

کله ۸- شهادت شخص متبرع
.....

- (۱) کلاً پذیرفته می‌شود. (۲) در حقوق الناس پذیرفته نمی‌شود.
(۳) در حقوق الله پذیرفته نمی‌شود. (۴) پذیرفته نمی‌شود.

کله ۹- بنا بر قول اصح شهادت کافر ذمی
.....

- (۱) کلاً پذیرفته می‌شود. (۲) در حقوق الناس پذیرفته می‌شود.
(۳) بر علیه مسلمانان پذیرفته نمی‌شود. (۴) بر علیه کافر ذمی پذیرفته نمی‌شود.

کله ۱۰- شهادت مجنون ادواری
.....

- (۱) پذیرفته نمی‌شود. (۲) در حالت اقاله پذیرفته می‌شود.
(۳) در حقوق الناس پذیرفته می‌شود. (۴) در حقوق الناس پذیرفته نمی‌شود.

فصل دوم

«وقف و عطایا»

تست‌های تألیفی فصل دوم

کله مثال ۱: لو كان الوقف على جهة عامة او قبيلة كالفقراء لم يشترط فيه القبول و ان امكن قبول الحاكم له

- (۱) هرگاه مالی به نفع عموم مردم یا گروه خاصی مانند فقرا وقف شود؛ قبول آن از سوی حاکم شرع هر چند ممکن باشد، لازم نیست.
 (۲) هرگاه مالی برای مصالح عامه گروهی خاص مانند مستمندان، وقف شود قبول ایشان، شرط نیست اما ممکن است قبول حاکم شرع لازم باشد.
 (۳) هرگاه مالی برای مصالح عامه یا به نفع گروهی مانند فقرا وقف شود و قبول ایشان، شرط نشده باشد، حاکم شرع می‌تواند در صورت امکان قبول آن را اعلام نماید.
 (۴) هرگاه مالی بر جهت عامه یا بر قبیله‌ای مانند فقرا وقف شود، قبول در آن، لازم نیست هر چند که اعلام آن، وسیله حاکم شرع امکان‌پذیر باشد.
- پاسخ: گزینه «۴» چون در وقف عام یا بر گروهی عام مثل فقرا قبول تعدّر دارد و عملاً امکان‌پذیر نیست پس قبول در چنین مواردی شرط نیست، اگر چه امکان قبول آن از سوی حاکم وجود دارد.

کله مثال ۲: و لا يلزم بدون القبض:

- (۱) وقف بدون قبض صحیح نمی‌باشد.
 (۲) وقف عقد لازم است.
 (۳) وقف بدون قبض لازم نمی‌شود.
 (۴) لازم نیست در وقف قبض صورت بگیرد.
- پاسخ: گزینه «۳» برای لازم شدن عقد وقف، قبض عین موقوفه توسط موقوف علیه شرط است.

کله مثال ۳: و يجوز أن يجعل النظر لنفسه فإن أطلق فالنظر في الوقف العام إلى...

- (۱) الحاكم (۲) الواقف (۳) الموقوف عليهم (۴) الحاكم و الواقف
- پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که واقف در وقف عام برای نظارت بر مال موقوفه ناظری قرار ندهد، حق نظارت با حاکم خواهد بود.

کله مثال ۴: الوقف على المساجد و القناتير...

- (۱) باطل لأنه وقف على المعدوم
 (۲) كوقف على الكنائس.
 (۳) في الحقيقة وقف على المسلمين
 (۴) معصية لانه كالوقف على البيع
- پاسخ: گزینه «۳» وقف کردن بر مساجد و پل‌ها در حقیقت وقف کردن به نفع مسلمانان است چرا که خرج مصالح عمومی آنها می‌شود.

کله مثال ۵: اگر نسل اول موقوف عليهم مال موقوفه را اجاره بدهند و سپس در اثنای مدت اجاره منقرض گردند...

- (۱) اجاره باطل است.
 (۲) اجاره صحیح است. زیرا عقد لازمی است.
 (۳) اجاره قابل فسخ است.
 (۴) اجاره نسبت به مدت باقی مانده باطل است.
- پاسخ: گزینه «۴» در این مورد اجاره به این علت نسبت به مدت باقی مانده باطل است که آن‌ها در حق دیگران تصرف کرده‌اند و بعد از این که منقرض شدند نسبت به مدت باقی مانده دیگر حقی نخواهند داشت.

کله مثال ۶: اذا أجز البطن الاول الوقف ثم انقرضوا تبين بطلان الاجارة في المدة الباقية

- (۱) هرگاه مستأجر طبقه اول را اجاره دهد و از بین برود کشف می‌گردد که در مدت باقیمانده اجاره باطل است.
 (۲) هرگاه موقوف عليهم در طبقه اول موقوفه را اجاره دهند آن‌گاه فوت کنند بطلان اجاره در مدت باقی مانده روشن می‌شود.
 (۳) اگر موقوف عليهم، موقوفه را اجاره دهند کشف می‌شود که در مدت باقیمانده وقف باطل است. هر چند منقرض نشده باشد.
 (۴) اگر موقوف عليهم که در طبقه اول قرار دارند همان طبقه را اجاره دهند این دلیل بطلان است.
- پاسخ: گزینه «۲» «بطن اول» یعنی «طبقه اول» از موقوف عليهم.

کله مثال ۷: اذا وقف مسجداً لم ينفك وقفه بخراب القرية

- (۱) اگر چیزی را برای مسجد وقف کند با خراب شدن قریه آن وقف از بین نمی‌رود.
- (۲) هرگاه مسجدی را وقف کند، به ویران شدن روستا وقف آن از بین نمی‌رود.
- (۳) هرگاه زمینی را به عنوان مسجد وقف کند با مردن او در آن روستا وقف باقی است.
- (۴) چنانچه برای مسجد وقف کند با خراب شدن روستا استفاده از آن برای دیگران باقی است.

پاسخ: گزینه «۲» با ویرانی شهر یا روستا، وقف مسجد از بین نمی‌رود.

کله مثال ۸: فأن أقتت بأمدٍ أو عُمُرٍ أحدهما لزمّت وإلا جاز له الرجوع فيهما:

- (۱) اگر سکنی برای مدت معینی یا عمر یکی از طرفین باشد لازم است و حق رجوع وجود ندارد.
- (۲) اگر سکنی برای مدت معینی یا عمر یکی از طرفین باشد در طول آن مدت لازم است و در غیر این صورت مالک حق رجوع دارد.
- (۳) اگر سکنی برای مدت معینی یا عمر یکی از طرفین باشد لازم است و در غیر این صورت مالک حق رجوع دارد.
- (۴) سکنی عقد لازم است و جز در موارد خاصی حق رجوع برای مالک وجود ندارد.

پاسخ: گزینه «۴» حق سکنی جزو عقود لازم است بنابراین جز در مورد خیارات و یا اقاله برهم نمی‌خورد.

کله مثال ۹: در کدام یک از موارد زیر قصد قربت لازم است؟

- | | | | |
|----------|---------|-----------|-----------|
| (۱) صدقه | (۲) هبه | (۳) ابراء | (۴) تحبیس |
|----------|---------|-----------|-----------|

پاسخ: گزینه «۱» صدقه غیر از ایجاب و قبول و قبض نیازمند قصد قربت است.

کله مثال ۱۰: لو حبس علی رجلٍ و لم يُعین وقتاً و مات الحابسُ کان ...

- | | | | |
|------------|------------|-------------|------------|
| (۱) باطلاً | (۲) جایزاً | (۳) میراثاً | (۴) صحیحاً |
|------------|------------|-------------|------------|

پاسخ: گزینه «۳» در این صورت بعد از فوت مالک، مال مورد حبس به عنوان ترکه به ورثه وی می‌رسد.

آزمون فصل دوم

کله ۱- اذاتم الوقف

(۱) یجوز الرجوع فیه (۲) جاز الرجوع (۳) لم یجز الرجوع فیه (۴) لم یجز الرجوع المالک

کله ۲- در عقد وقف کدام مورد باعث لزوم می‌شود؟

(۱) عقد به اذن واقف (۲) اذن واقف (۳) قبض بدون اذن واقف (۴) انعقاد عقد وقف

کله ۳- در صورتی که واقف قبل از اینکه موقوف علیه مال را قبض کند فوت کند

- (۱) عقد وقف صحیح و لازم خواهد بود.
 (۲) عقد وقف توسط ورثه واقف قابل تنفیذ خواهد بود.
 (۳) عقد وقف باطل خواهد بود و مال موقوفه به عنوان ماترک واقف به ورثه او می‌رسد.
 (۴) ورثه موقوف علیه مال را قبض خواهند کرد.

کله ۴- در عقد وقف مال موقوفه باید باشد؟

(۱) عین (۲) منفعت یا عین
 (۳) عین مملوک (۴) عین مملوک قابل بقا با استفاده

کله ۵- کدام مورد در رابطه با وقف صحیح نیست؟

- (۱) وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح است.
 (۲) وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح نیست.
 (۳) عقد وقف با قبض مال موقوف توسط موقوف علیه لازم می‌شود.
 (۴) وقف کردن مال مشاع مانند مال مفروز جایز است.

کله ۶- صدقه احتیاج به

(۱) ایجاب و قبول دارد. (۲) ایجاب و قبول و قبض دارد.
 (۳) ایجاب و قبول دارد ولی به قبض احتیاج ندارد. (۴) ایجاب و قبول ندارد.

کله ۷- نحل نام دیگر است.

(۱) مهر (۲) جعاله (۳) وقف (۴) هبه

کله ۸- در قصد قربت لازم است؟

(۱) هبه (۲) ابراء (۳) وقف (۴) صدقه

کله ۹- حق انتفاع برای مدت معین را گویند.

(۱) رقبی (۲) سکنی (۳) عمری (۴) تحبیس

کله ۱۰- احکام تحبیس مانند است.

(۱) هبه (۲) وقف (۳) صدقه (۴) سکنی



فصل سوم

«کتاب متاجر»

تست‌های تألیفی فصل سوم

کله مثال ۱: إِلَّا كَلْبَ الصَّيِّدِ وَالْمَاشِيَةَ وَالزَّرَاعَ وَالْحَائِطَ...

- (۱) مگر سگ گله و سگ شکاری و سگ نگهبان و سگ مزرعه که قابل خرید و فروش هستند.
- (۲) مگر سگ شکاری و سگ نگهبان و سگ مزرعه که قابل خرید و فروش هستند.
- (۳) مگر سگ مزرعه و سگ گله و سگ شکاری و سگ نگهبان که قابل خرید و فروش هستند.
- (۴) مگر سگ شکاری و سگ گله و سگ مزرعه و سگ نگهبان که قابل خرید و فروش هستند.

پاسخ: گزینه «۴» سگ جزو اعیان نجس می‌باشد و خرید و فروش آن حرام می‌باشد مگر در مورد سگ شکاری و سگ گله و سگ مزرعه و سگ نگهبان که خرید و فروش آنها مباح است. (باید توجه داشت که این سگ‌ها نیز نجس هستند ولی خرید و فروش آنها مباح است)

کله مثال ۲: معنی البُقیری چیست؟

- (۱) بازی با سنگ است که در قدیم انجام می‌شد.
- (۲) یک نوع بازی قمار
- (۳) یک نوع بازی که کودکان انجام می‌دهند.
- (۴) نرد

پاسخ: گزینه «۳» یک بازی کودکانه است که به وسیله آن قمار هم می‌کنند.

کله مثال ۳: نگهداری کتب ضاله چه حکمی دارد؟

- (۱) اگر به منظور رد کردن آنها و احتجاج نمودن علیه معتقدان به آنها یا از روی تقیه باشد اشکال ندارد.
- (۲) در هر حال حرام است.
- (۳) اگر برای رد کردن آنها باشد اشکالی ندارد.
- (۴) اگر برای احتجاج نمودن علیه معتقدان به آنها یا از روی تقیه باشد اشکالی ندارد.

پاسخ: گزینه «۱» نگهداری کتب ضاله حرام است مگر این که هدف از نگهداری آنها رد کردن این کتب یا احتجاج کردن در مقابل معتقدان به آنها باشد یا نگهداری آنها از روی تقیه باشد.

کله مثال ۴: کدام یک از کارهای زیر مکروه است؟

- (۱) بیع الأکفان
- (۲) الذباجة
- (۳) النساجة
- (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۴» کفن فروشی و ذبح حیوانات و نساجی کردن همگی جزو مشاغل مکروه هستند.

کله مثال ۵: اما المکروه فکالصرف و ضراب الفحل و کسب الصببان به چه معنی است؟

- (۱) اما تجارت مکروه مانند صرافی و آهنگری و معامله در وقت صبحگاهان.
- (۲) اما تجارت مکروه هم چون صرافی و آهنگری و معامله‌ی با کودکان.
- (۳) اما تجارت مکروه مانند صرف کردن وقت و کسب درآمد از طریق جهانندن حیوان نر بر حیوان ماده و کسب کودکان.
- (۴) اما تجارت مکروه مانند صرافی کردن، جهانندن حیوان نر بر ماده و کسب کودکان.

پاسخ: گزینه «۴» ضرب الفحل به معنی جهانندن حیوان نر بر ماده و کسب الصببان به معنی کاسبی کردن با پولی است که بچه بدست می‌آورد.

کله مثال ۶: با توجه به «یشترط فی اللزوم الملك أو إجازة المالك» برای لزوم عقد بیع ...

- (۱) مالکیت شرط است.
- (۲) مالکیت فروشنده یا اجازه مالک شرط است.
- (۳) اجازه مالک شرط است.
- (۴) اجازه مالک بعد از عقد تأثیری ندارد.

پاسخ: گزینه «۲» برای اینکه عقد بیع لازم شود فروشنده باید مالک مبیع باشد یا مالک اجازه فروش مال را بدهد

کله مثال ۷: قائم مقام‌های مالک در کدام گزینه به طور کامل آمده‌اند؟

- (۱) پدر، وصی، وکیل، حاکم
 (۲) پدر، وکیل، حاکم
 (۳) پدر، جدپدری، وصی، وکیل، حاکم، امین منصوب از طرف حاکم
 (۴) پدر، جد پدری، وصی، وکیل، حاکم
- پاسخ: گزینه «۳» قائم مقام‌های مالک ۶ نفر هستند که عبارتند از: ۱- پدر ۲- جد پدری ۳- وصی ۴- وکیل ۵- حاکم ۶- امین منصوب از طرف حاکم.

کله مثال ۸: با توجه به عبارت کدام گزینه صحیح است؟ «و بشرط کون المشتري مسلماً اذا ابتاع مصحفاً».

- (۱) در خرید و فروش قرآن مشتری باید مسلمان باشد مگر این که هبه بوده باشد.
 (۲) در خرید و فروش قرآن باید فروشنده مسلمان بوده باشد.
 (۳) در بیع مصحف لازم نیست فروشنده مسلمان باشد.
 (۴) در خرید و فروش قرآن شرط است که طرفین مسلمان بوده باشند.
- پاسخ: گزینه «۳» طبق آن چه که در سوال آمده وقتی مبیع «مصحف» یعنی «قرآن» باشد الزاماً باید خریدار یا همان مشتری، مسلمان باشد.

کله مثال ۹: فروختن شیر زن چه حکمی دارد؟

- (۱) حرام است.
 (۲) فروختن آن در صورت نیاز جایز است.
 (۳) جایز است.
 (۴) کلاً فروختن زواید بدن انسان حرام است.
- پاسخ: گزینه «۳» اصولاً فروش زواید بدن انسان صحیح نیست، اما این امر یک استثنا دارد و آن فروش شیر زن می‌باشد، که فروش آن جایز است.
 ۲- مبیع باید قابل تسلیم توسط بایع باشد، بنابراین اگر کسی کبوترهای در حال پرواز را بفروشد، این بیع صحیح نیست مگر این که این کبوترها عادتاً باز گردند.

کله مثال ۱۰: حکم بیع کبوتر در حال پرواز چیست؟

- (۱) اگر کسی کبوترها را بفروشد این بیع صحیح نیست مگر این که کبوترها برگردند.
 (۲) اگر کسی کبوترها را بفروشد چون در هوا هستند این بیع صحیح نیست.
 (۳) اگر کسی کبوترهایی را که در هوا در حال پرواز هستند بفروشد این بیع صحیح نیست مگر این که عادتاً باز گردند.
 (۴) اگر کسی کبوترها را بفروشد و آن‌ها پرواز کنند بیع صحیح نیست مگر این که عادتاً باز گردند.
- پاسخ: گزینه «۳» فروش کبوترهای در حال پرواز صحیح نیست مگر این که این کبوترها عادتاً باز گردند.

کله مثال ۱۱: يشترط في المبيع أن يكون طلقاً فلا يصح بيع الوقف

- (۱) مبیع باید ملک مطلق باشد بنابراین فروختن وقف که مشروط است صحیح نیست.
 (۲) مبیع باید ملک طلق و رها باشد لذا فروختن وقف صحیح نیست.
 (۳) صرفاً مالک شی می‌تواند آن را بفروشد و بیع او صحیح است.
 (۴) بیع به نحو معلق جایز نیست لذا بیع وقف صحیح نیست.
- پاسخ: گزینه «۲» البته باید توجه داشت که فروختن مالی که وقف عام است به هیچ وجه صحیح نیست مگر آن که به گونه‌ای مضمحل شود که به هیچ عنوان نتوان در جهات مقصود واقف از آن استفاده کرد.

کله مثال ۱۲: ولو باع المعدود وزناً

- (۱) بطل (۲) صح (۳) جاز (۴) أمکن الصحة

- پاسخ: گزینه «۲» اگر فروشنده مالی را که شمردنی است بر اساس وزن بفروشد عقد بیع صحیح خواهد بود.
 اگر بایع و مشتری در مورد این که مبیع تغییر کرده است یا نه، دچار اختلاف شوند، حرف مشتری همراه با قسمی که یاد می‌کند مقدم است. کالایی که مزه و یا بوی آن، مهم و مورد نظر است [مانند شیره و عطر] باید هنگام بیع مزه و یا بوی آن بررسی شود. و اگر مشتری آن را بنا بر اصل [که همان صحت است] بخرد، جایز است و در صورتی که معیوب از کار درآید، مشتری میان پس‌دادن آن و یا گرفتن ارش مخیر می‌باشد. و اگر در بیع تصرف کرده باشد [نمی‌تواند آن را پس دهد و] ارش مُتعیّن می‌شود، اگرچه مشتری نابینا باشد. این در صورتی است که بررسی و آزمایش بو و یا مزه مبیع، باعث فساد و تباهی آن

نمی‌شود] و اما اگر مبیع از اموری باشد که بررسی و آزمایش آن باعث فساد آن می‌شود مانند خربزه و گردو و تخم مرغ، جواز بیع آن روشن‌تر و سزاوارتر است و در صورتی که پس از خرید، فساد آن معلوم شود، مشتری ارش آن را از بایع اخذ می‌کند. و در صورتی که شکسته‌ی آن هیچ قیمتی نداشته باشد، مشتری همه‌ی بهایی را که پرداخته، از بایع پس می‌گیرد. او در فرض اخیراً در این‌که آیا عقد از اصل فسخ می‌شود یا آن‌که فسخ [هنگام شکستن و ظاهرشدن فساد] بر آن عارض و طاری می‌شود؟ نظر و تأمل است، و فایده‌ی این دو قول در مورد هزینه‌ی نقل و انتقال آن از محل [خرید به محل آزمایش و بررسی] روشن می‌شود.

فروختن مشک در پوست آن جایز است. اگرچه گشوده نشده باشد اما اگر گشوده شود، به این‌صورت که نخ‌ی را که با سوزن در آن داخل کنند و بیرون آوردند و [ببویند، احوط می‌باشد].

فروختن ماهی در نیزارها همراه با نی یا غیر آن جایز نیست. همچنین فروختن شیر در پستان با ضمیمه و نیز فروختن پوست‌ها و پشم‌ها و موها بر بدن چهارپا جایز نیست، مگر آن‌که زمان چیدن پشم آن فرا رسیده باشد یا آن‌که چیدن آن را شرط کرده باشند، که در این‌صورت نزدیک‌تر به صواب صحت آن است. فروختن کرم ابریشم و خود ابریشم جایز است اگرچه کرم در درون آن باشد، زیرا کرم داخل ابریشم مانند هسته‌ی داخل خرماست. اگر مبیع در درون ظرفی باشد، [و آن را همراه با ظرف وزن کنند] مقداری که متعارف است برای ظرف آن، کم می‌شود و اگر مبیع را همراه با ظرف آن بفروشد، اقرب صحت این مبیع است.

(ماده ۳۶۶ قانون مدنی: هرگاه کسی به بیع فاسد، مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود.)

(ماده ۳۴۲ قانون مدنی: مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده، تابع عرف بلد است.)

📖 مثال ۱۳: اگر بایع و مشتری در مورد تغییر مبیع اختلاف پیدا کنند...

- (۱) قول مشتری با قسم او مقدم است.
 (۲) قول بایع با قسم او مقدم است.
 (۳) قول مشتری مقدم است.
 (۴) قول بایع مقدم است.

✅ پاسخ: گزینه «۱» در مورد اختلاف بایع و مشتری در رابطه با تغییر مبیع قول مشتری با قسمی که یاد می‌کند مقدم خواهد بود، چرا که اصل بر عدم وصول می‌باشد و قول او با اصل موافق است پس عنوان منکر به او صدق می‌کند و طبق قاعده البینه علی المدعی و الیمین علی الأکر عمل خواهد شد.

📖 مثال ۱۴: لا يجوز بيع سمك الآجام مع ضمیمه القصب او غیره...

- (۱) فروختن ماهی در نیزارها همراه با نی یا غیر آن جایز نیست.
 (۲) فروختن ماهی در استخرها همراه با درخت‌های اطراف آن جایز نیست.
 (۳) فروختن ماهی در نیزارها همراه با اموال غصبی جایز نیست.
 (۴) فروختن ماهی در نیزار جایز نیست مگر با ضمیمه چیز دیگر

✅ پاسخ: گزینه «۱» یعنی فروختن ماهی در نیزارها همراه با نی یا غیر آن، جایز نیست.

📖 مثال ۱۵: منظور از «ترك الربح علی الموعد بالاحسان» چیست؟

- (۱) نگرفتن سود برای احسان کردن به دیگری.
 (۲) نگرفتن سود از کسی که به او وعده احسان کردن داده است.
 (۳) نگرفتن سود برای این‌که چنین کاری احسان به دیگری است.
 (۴) نگرفتن سود برای اینکه وعده احسان کردن است.

✅ پاسخ: گزینه «۲» فروشنده در صورتی که به شخصی وعده احسان کرده داده است نباید از او سود بگیرد تا به وعده خود در مورد احسان کردن به آن شخص عمل کند.

📖 مثال ۱۶: در آداب بیع کدام مورد نباید انجام شود؟

- (۱) اشتغال به تجارت در زمان طلوع آفتاب.
 (۲) اشتغال به تجارت بعد از طلوع آفتاب.
 (۳) اشتغال به تجارت در زمان طلوع فجر.
 (۴) اشتغال به تجارت بین زمان طلوع فجر تا طلوع آفتاب.

✅ پاسخ: گزینه «۴» اشتغال به خرید و فروش بین زمان طلوع فجر تا طلوع آفتاب که بهترین زمان برای عبادت کردن مکره است و تاجر باید این کار را ترک کند و آن را انجام ندهد.

کلمه مثال ۱۷: ترک نسبة الربح و الوضعية إلى رأس المال

- (۱) نسبت دادن سود و زیان به سرمایه
(۲) نسبت ندادن سود و زیان به سرمایه
(۳) نسبت ندادن سود به سرمایه
(۴) نسبت دادن زیان به سرمایه

پاسخ: گزینه «۲» تاجر نباید سود و یا زیانی را که نسبت به اصل سرمایه او وارد شده است در معامله بیان کند و مثلاً بگوید این مقدار سود کردم یا این مقدار ضرر کردم.

کلمه مثال ۱۸: فروش میوه در چه صورتی مکروه است؟

- (۱) بعد از ظاهر شدن میوه.
(۲) بعد از اینکه سلامت میوه معلوم شود.
(۳) بعد از ظاهر شدن میوه و قبل از این که سلامت آن معلوم شود.
(۴) بعد از ظاهر شدن میوه و معلوم شدن سلامت آن.

پاسخ: گزینه «۳» فروش میوه بعد از این که بر روی درخت ظاهر شد ولی قبل از این که سلامت آن مشخص شود مکروه است و این گزینه نسبت به گزینه اول کامل تر می باشد بنابراین جواب صحیح این گزینه است.

کلمه مثال ۱۹: در عبارت «و کذا یجوزُ بیع ما یُخرطُ کالحناء و التوت خرطة و خرطات» خرطة به چه معنی است؟

- (۱) دست کشیدن برای کندن برگ درخت
(۲) مقدار معینی از برگ درخت
(۳) یک شاخه از برگ درخت
(۴) برگ درخت

پاسخ: گزینه «۱» در مورد بعضی از درختان که از برگ آن‌ها استفاده می شود مثل درخت توت یا حنا با دست کشیدن برگ آن‌ها کنده می شود و هر بار دست کشیدن را «خرطة» می گویند.

کلمه مثال ۲۰: و لو کان وکیلاً فی الصرف فالمتعبر مُفارقة:

- (۱) اگر کسی وکیل در بیع صرف باشد، برای قبض کردن در مجلس عقد، جدا شدن او ملاک است.
(۲) اگر کسی وکیل در قبض باشد، برای قبض کردن در مجلس عقد، جدا شدن او ملاک است.
(۳) اگر کسی وکیل در قبض و بیع صرف باشد، برای قبض کردن در مجلس عقد، جدا شدن او ملاک است.
(۴) اگر کسی وکیل در بیع صرف باشد، برای قبض کردن در مجلس عقد، جدا شدن طرفین عقد ملاک است.

پاسخ: گزینه «۱» در بیع صرف قبض جزو شرایط صحت عقد است و در صورتی که کسی وکیل در عقد بیع صرف باشد برای قبض کردن در مجلس عقد جدا شدن او ملاک خواهد بود.

کلمه مثال ۲۱: در بیع صرف اگر ثمن و مبیع از یک جنس باشند در چه صورتی جایز است که یکی از آن‌ها بیش از دیگری باشد؟

- (۱) اگر یکی از آن‌ها شکسته باشد.
(۲) در هیچ صورتی.
(۳) اگر یکی از آن‌ها نامرغوب باشد.
(۴) اگر یکی از آن‌ها شکسته یا نامرغوب باشد.

پاسخ: گزینه «۲» در بیع صرف در هر حالتی ثمن و مبیع اگر از یک جنس باشند باید برابر و مساوی باشند حتی اگر یکی از آن‌ها شکسته یا نامرغوب باشد.

کلمه مثال ۲۲: شرط کردن این که مبیع از مرغوب ترین یا پست ترین جنس باشد در بیع سلف چه حکمی دارد؟

- (۱) جایز است. (۲) مکروه است. (۳) ممنوع است. (۴) در بعضی موارد جایز است.

پاسخ: گزینه «۳» در بیع سلف می توان شرط کرد که مبیع از جنس مرغوب یا پست باشد، اما شرط کردن اینکه مبیع از مرغوب ترین یا پست ترین جنس باشد ممتنع است.

در بیع سلف لازم است که قبل از متفرق شدن طرفین عقد، ثمن توسط بایع قبض شود یا این که از طلبی که مشتری بر ذمه بایع دارد محاسبه شود، البته در صورتی که این امر یعنی محاسبه ثمن از طلبی که مشتری بر ذمه بایع دارد در ضمن عقد بیع سلف شرط نشده باشد، و اگر چنین شرطی در ضمن عقد بیع سلف شده باشد، بیع باطل خواهد بود، چرا که در این صورت فروش دین به دین است.



کله مثال ۲۳: به چه علت شرط کردن محاسبه‌ی ثمن از دینی که مشتری بر ذمه‌ی بایع دارد در عقد بیع سلف موجب بطلان عقد می‌شود؟

- (۱) چنین شرطی مجهول است.
 (۲) باعث جهل به عوضین می‌شود.
 (۳) چنین شرطی جایز نیست.
 (۴) زیرا بیع دین به دین است.

پاسخ: گزینه «۴» در فقه امامیه بیع کالی به کالی یعنی فروش دین به دین باطل است.

کله مثال ۲۴: در بیع سلف اگر برای مقداری از ثمن مدتی تعیین کنند، معامله چه حکمی دارد؟

- (۱) به طور کلی باطل است.
 (۲) در آن مقدار باطل است.
 (۳) به طور کلی صحیح است.
 (۴) در آن مقدار صحیح است.
- پاسخ: گزینه «۱» تعیین مدت، برای پرداخت ثمن در عقد بیع سلف موجب بطلان عقد نسبت به تمام ثمن می‌شود.

کله مثال ۲۵: در بیع مواضعه ...

- (۱) احکام آن مثل بیع تولیه است.
 (۲) احکام آن مثل بیع مساومه است.
 (۳) احکام خاص خود را دارد.
 (۴) احکام آن مثل بیع مراهجه است.

پاسخ: گزینه «۴» احکام بیع مواضعه مانند احکام بیع مراهجه است.

کله مثال ۲۷: خیار المجلس و هو مختص بالبيع و لا يزول بالحائل و لا بمفارقة المجلس مصطحبين...

- (۱) در خیار مجلس، جلوس در محل عقد شرط نیست.
 (۲) میزان در خیار مجلس جلوس در محل عقد است.
 (۳) خیار مجلس به واسطه‌ی وجود حائل از میان می‌رود.
 (۴) خیار مجلس در عقود معاوضی هم غیر از بیع جریان دارد.
- پاسخ: گزینه «۱» زیرا تا زمانی که طرفین از هم جدا نشوند خیار باقی است، هر چند طرفین با هم مجلس عقد را ترک گویند (ملاک این است که طرفین از هم جدا نشوند)

کله مثال ۲۸: و لو فسخ احدهما و أجاز الآخر قدم الفاسخ و كذا ...

- (۱) فی خیار العیب (۲) فی خیار الحيوان (۳) فی کل خیار مشترک (۴) فی خیار الشرط

پاسخ: گزینه «۳» در تمام خیارهای مشترک بین طرفین عقد در صورتی که یکی از آنها عقد را فسخ کند او مقدم خواهد شد.

کله مثال ۲۹: و يجوز اشتراط المؤامرة ...

- (۱) جواز شرط مشاوره در عقد بیع.
 (۲) اختصاص خیار شرط به بیع.
 (۳) ساقط شدن خیار کسی که به بیع ملتزم شده باشد.
 (۴) عدم جواز اشتراط مشورت با شخص ثالث.

پاسخ: گزینه «۱» شرط مشاوره در عقد بیع جایز است.

کله مثال ۳۰: کدام خیار مختص مشتری است؟

- (۱) خیار مجلس (۲) خیار شرط (۳) خیار حیوان (۴) خیار تأخیر ثمن

پاسخ: گزینه «۳» خیار حیوان در بیع وجود دارد و اختصاص به مشتری حیوان زنده دارد.

کله مثال ۳۱: کدام خیار بعد از رسیدن شب ثابت می‌شود؟

- (۱) خیار حیوان (۲) خیار تأخیر ثمن (۳) خیار رویت (۴) خیار مایفسد لیومه

پاسخ: گزینه «۴» در مورد کالایی که در همان روز فاسد می‌شود با رسیدن شب این خیار ثابت می‌شود.



کله مثال ۳۲: خيار الروية و هو ثابت لمن لم ير اذا باع او اشترى بالوصف...

- (۱) خيار رویت مختص مشتری است.
 - (۲) خيار رویت برای کسی است که کالایی را فروخته ولی پول آن را نگرفته است.
 - (۳) خيار رویت برای کسی است که کالا را ندیده است.
 - (۴) خيار رویت برای کسی است که کالا را ندیده و قرار هم نبوده که دیده باشد.
- پاسخ: گزینه «۳» خيار رویت برای کسی است که کالا را با وصف، خریده و یا فروخته و آن را ندیده است.

کله مثال ۳۳: و لا يجوز تأجيل الحال بزيادة فيه...

- (۱) مدت دار کردن ثمن در بیع نقدی در برابر افزودن چیزی بر آن جایز نیست.
 - (۲) مدت‌دار کردن ثمن در بیع در برابر افزودن چیزی بر آن جایز نیست.
 - (۳) مدت‌دار کردن ثمن در بیع جایز نیست.
 - (۴) مدت‌دار کردن ثمن در بیع به جز در بیع نقدی در برابر افزودن چیزی بر آن جایز نیست.
- پاسخ: گزینه «۱» مدت‌دار کردن ثمن در مقابل افزودن چیزی بر آن جایز نیست، چرا که موجب جهل به ثمن می‌شود.

کله مثال ۳۴: قبض در مورد اموال غیرمنقول چگونه صورت می‌گیرد؟

- (۱) با انتقال آن‌ها
 - (۲) رفع موانع تصرف
 - (۳) با تخلیه آن‌ها و رفع موانع تصرف در آن‌ها.
 - (۴) تخلیه آن‌ها
- پاسخ: گزینه «۲» در مورد اموال غیرمنقول قبض به این صورت است که موانع تصرف در آن رفع شوند.

کله مثال ۳۵: لو ادعى المشتري نقصان المبيع خلف...

- (۱) إن يكن حضر الاعتبار
 - (۲) عملاً با لظاهر
 - (۳) إن لم يكن حضر الاعتبار
 - (۴) البایع
- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که مشتری مدعی نقصان مبیع شود و در هنگام اندازه‌گیری آن حضور نداشته برای اثبات ادعای خود قسم می‌خورد.

کله مثال ۳۶: لو اختلفا في تعيين المبيع...

- (۱) حلف البایع
 - (۲) يتحالفان
 - (۳) حلف المشتري
 - (۴) اقرع
- پاسخ: گزینه «۲» در صورت اختلاف متبایعین در مورد تعیین مبیع هر دوی آن‌ها قسم می‌خورند و از لحظه تحالف عقد باطل می‌شود.

کله مثال ۳۷: الإقالة لاتصح بزيادة في الثمن ولا بنقصته.

- (۱) در صورت زیاد شدن مبیع یا کم شدن آن اقاله عقد صحیح نیست.
 - (۲) اقاله با زیاد کردن ثمن یا کم کردن آن صحیح نیست.
 - (۳) در صورت زیاد شدن ثمن یا کم شدن آن اقاله عقد صحیح نیست.
 - (۴) اقاله‌ای که موجب زیاد شدن ثمن یا کم شدن آن شود صحیح نیست.
- پاسخ: گزینه «۲» اقاله عقد با زیاد کردن یا کم کردن ثمن صحیح نیست، یعنی نمی‌توان به هنگام اقاله کردن عقد چیزی بر ثمن ذکر شده در عقد افزود یا چیزی از آن کاست.



آزمون فصل سوم

کله ۱- چرا بيع مباحات قبل از حيازت کردن آن‌ها صحيح نيست؟

- (۱) هيچ چيزی قبل از اين که به مالکيت شخص در آيد قابل فروش نيست.
 (۲) مباحات قابل تملک نيستند.
 (۳) مباحات قابل حيازت نيستند.
 (۴) مباحات ملک طلق نيستند.

کله ۲- کدام گزينه تعريف اقاله است؟

- (۱) به هم خوردن عقد
 (۲) به هم زدن معامله
 (۳) به هم زدن معامله توسط يکی از طرفين
 (۴) به هم زدن معامله با تراضي طرفين

کله ۳- در عقد بيع صرف؟

- (۱) قبض به شرط صحت عقد است.
 (۲) تقابض در مجلس عقد شرط صحت عقد است.
 (۳) قبض در مجلس عقد شرط صحت عقد است.
 (۴) تقابض شرط صحت عقد نيست.

کله ۴- ينعقد بقوله اسلمت اليک او اسفلتک کذا في کذا إلی کذا فيقيل المخاطب.

- (۱) بيع (۲) بيع السلف (۳) الإجارة (۴) بيع الصرف

کله ۵- خيار رويت برای؟

- (۱) مشتری است.
 (۲) طرفين است.
 (۳) کسی است که کالا را ندیده است.
 (۴) کسی است که عوض را دریافت نکرده است.

کله ۶- من اشترى ثبت له الخيار الی ايام.

- (۱) شيئاً - ثلاثة (۲) مالاً - ثلاثة (۳) مبيعاً - اربعة (۴) حيواناً - ثلاثة

کله ۷- کدام گزينه صحيح است؟

- (۱) اقاله در شفعه جاری است.
 (۲) اقاله در شرکت جاری است.
 (۳) اقاله در شرکت جاری نيست.
 (۴) اقاله در هبه جاری است.

کله ۸- کدام مورد جزو احکام اقاله نيست؟

- (۱) ثابت نشدن حق شفعه در آن
 (۲) ساقط شدن اجرت دلال
 (۳) برگشتن هر کدام از عوضين به مالک قبلی خود
 (۴) صحيح نبودن آن با کم يا زياد کردن ثمن

کله ۹- علت بطلان بيع در صورتی که بايع برای بيع نقدی یک ثمن و برای بيع مدت‌دار ثمن ديگری قرار بدهد چيست؟

- (۱) موجب جهل به مدت می‌شود.
 (۲) ثمن مردد است و موجب ضرر می‌شود.
 (۳) بيع گزاف خواهد بود.
 (۴) بيع مجهول خواهد بود.

کله ۱۰- مطلق بودن عقد بيع اقتضای چه چيزی را دارد؟

- (۱) قبض عوضين (۲) سقوط کافه خيارات (۳) خيار متعاقدين (۴) بطلان عقد بيع

فصل چهارم

«دین، رهن و حجر»

تست‌های تألیفی فصل چهارم

کله مثال ۱: لا يجوز اشتراط النفع فلا يفيد الملك

(۱) شرط کردن نفع جایز نیست، چرا که موجب مالکیت نمی‌شود.

(۲) شرط کردن نفع موجب مالکیت نمی‌شود.

(۳) در عقد قرض مالکیت با شرط کردن نفع جایز نیست.

(۴) در صورت شرط کردن نفع در عقد قرض، چنین عقدی موجب مالکیت نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» عقد قرض از جمله عقود تملیکی است و به محض انعقاد عقد مالکیت مال مورد قرض منتقل می‌شود اما اگر در ضمن عقد قرض نفع شرط شود این عقد موجب مالکیت نمی‌شود.

کله مثال ۲: قرض گیرنده چه چیزی را باید به قرض دهنده پس بدهد؟

(۱) مثل مال قرض گرفته شده (۲) همان مال قرض گرفته شده (۳) هر مالی که بخواهد (۴) هر مالی که قرض دهنده بخواهد

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به اینکه عقد قرض جزء عقود تملیکی است به محض انعقاد عقد قرض گیرنده مالک مال مورد قرض می‌شود و باید مثل آن را به قرض دهنده برگرداند و لازم نیست عین آن را برگرداند.

کله مثال ۳: للمالك انتزاع السلعة في الفلس...

(۱) إذا لم تزد زيادة منفصلة

(۲) إذا لم تزد زيادة

(۳) إذا لم تزد زيادة متصلة

(۴) إذا زادت زيادة متصلة

پاسخ: گزینه «۳» مالک در صورتی می‌تواند مال خود را که قبل از ورشکستگی به ورشکسته داده است پس بگیرد که آن مال زیادت متصلی پیدا نکرده باشد.

کله مثال ۴: للمالك انتزاع السلعة في الفلس إذا لم تزد زيادة متصلة...

(۱) مالک می‌تواند در هنگام بی‌چیزیش، کالایی را که در دست دیگران است، مسترد دارد، هرگاه زیاده متصلی نداشته باشد.

(۲) هرگاه مدیون بی‌چیز شود، مالک می‌تواند عین کالا را از او بگیرد، مشروط بر این که مال، نماء متصلی نداشته باشد.

(۳) هرگاه حکم حجر مدیون به دلیل افلاس صادر شده باشد، مالک می‌تواند عین مال را از او بگیرد، هرگاه مال زیادتی متصلی نداشته باشد.

(۴) در فرض بی‌چیزی مدیون، هرگاه مالک بر مال چیزی اضافه نکرده باشد، می‌تواند اصل مال را مسترد دارد.

پاسخ: گزینه «۳» در صورت ورشکستگی مدیون، مالک حق دارد، کالای خود را تصاحب نماید به شرط آن که زیادتی متصل به وجود نیامده باشد.

کله مثال ۵: للمالك انتزاع السلعة التي نقلها الى المفلس قبل الحجر و لم يستوف عوضها مع وجودها:

(۱) مالک می‌تواند کالای خود را که مفلس قبل از حجر، انتقال داده و هنوز عوض آن را نگرفته است، در صورت بقا عوض آن را باز پس گیرد.

(۲) مالک می‌تواند کالای خود را که به مفلس، قبل از حجر انتقال داده و هنوز عوض آن را نگرفته است، در صورت بقا آن را استیفا کند.

(۳) مالک می‌تواند کالای خود را که به مفلس، قبل از حجر انتقال داده و هنوز عوض آن را نگرفته است، در صورت بقا باز پس گیرد.

(۴) مالک می‌تواند کالای خود را که به مفلس، قبل از حجر انتقال داده و هنوز عوض آن را نگرفته است، در صورت بقا کالا باز پس گیرد.

پاسخ: گزینه «۴» در صورت ورشکستگی مدیون، مالک حق دارد کالای خود را که پیش از حجر به ورشکسته داده و عوض آن را دریافت نکرده است و عین آن نیز باقی است، مقدم بر سایر طلبکاران، تصاحب نماید.



کله مثال ۶: و غرماء المیت سواء فی ترکته مع القصور و مع الوفاء لصاحب العین اخذها فی المشهور:

- (۱) طلبکاران میت در ترکه میت با هم برابرند چه بدهکار در ادای دین خود کوتاهی کرده و چه وفا کرده باشد و صاحب عین می‌تواند خود آن را بردارد مطابق قول مشهور.
- (۲) طلبکاران میت در صورتی که ترکه او کم آید به نسبت طلب خود با هم برابرند چه صاحب حق عینی و چه صاحب حق دینی و اگر ترکه وافی باشد، صاحب حق عینی، عین را می‌گیرد مطابق قول مشهور.
- (۳) غرمای میت در استیفای طلب خود از ترکه میت در صورتی که در وصول طلب قصوری شده باشد با هم برابرند و با فرض وفای به دین صاحب عین حق دارد آن را مطالبه کند مطابق قول مشهور.
- (۴) طلبکاران میت در ترکه میت با هم برابرند چه در وصول طلب خود کوتاهی کرده باشند یا به سررسید دین وفا کرده باشند و صاحب عین می‌تواند خود آن را بردارد مطابق قول مشهور.

پاسخ: گزینه «۲» طلبکاران میت در صورت عدم کفایت ترکه، نسبت به آن از رابطه مساوی برخوردارند، اما در صورت کفایت، بنابر مشهور، صاحب عین می‌تواند مال خود را از ترکه بردارد.

کله مثال ۷: اذا وجد غريم المفلس متاعه يتخير بين اخذه مقدماً على الغرماء بين الضرب بالثمن معهم:

- (۱) طلبکار از مفلس هرگاه کالای خود را موجود یابد مخیر است که مانند سایر غرما اقدام کند و یا ثمن کالای خود را دریافت نماید.
- (۲) طلبکار از مفلس هرگاه کالای خود را موجود یابد مخیر است که مقدم بر سایر طلبکاران کالای خود را بگیرد و یا به نسبت ثمن در شمار ایشان قرار گیرد.
- (۳) اگر بدهکار مفلس، کالای خود را موجود یابد مخیر است که مقدم بر غرما آن را بگیرد و یا در شمار سایر غرما ثمن کالا را مطالبه کند.
- (۴) بدهکار مفلس اگر کالایی موجود داشته باشد، مخیر است که آن را به غرما ارایه کند و یا ثمن آن را با ایشان محاسبه نماید.

پاسخ: گزینه «۳»

کله مثال ۸: لو ادعى الإعسار

- (۱) يحلف (۲) يُحبس (۳) لم يقبل (۴) يُحبس حتى يثبته

پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که شخص محکوم مدعی اعسار شود تا زمان اثبات ادعای خود حبس می‌شود.

کله مثال ۹: و لا يقبل الاقرار في حال التفليس بعين لتعلق حق الغرماء باعيان مال قبله فيكون اقراره في قوّة الاقرار بمال الغير:

- (۱) در حال تفلیس، اقرار مفلس، قابل قبول نیست، زیرا اموال او قبل از این اقرار، متعلق به غرماء بوده و این کار موجب ضرر به ایشان و در حکم اقرار علیه اموال دیگران است.
- (۲) اقرار مفلس در حال تفلیس نسبت به مالی که به اقرار قبلی او متعلق حق یکی از غرما شده پذیرفته نیست، زیرا این اقرار به منزله اقرار نسبت به مال غیر بوده و نمی‌تواند مؤثر باشد.
- (۳) اقرار مفلس در حال تفلیس نسبت به عین مالش پذیرفته نیست زیرا کلیه اعیان اموال او قبلاً متعلق حق غرماء گردیده و اقرار او به منزله اقرار نسبت به مال غیر خواهد بود.
- (۴) اقرار علیه مفلس در حال تفلیس، قابل قبول نیست، زیرا اموال مفلس قبلاً ملک غرماء و طلبکاران شده و این اقرار در حکم اقرار نسبت به اموال دیگران می‌باشد و در سهم دیان کاهش ایجاد می‌کند.

پاسخ: گزینه «۳» اقرار ورشکسته نسبت به عین، در حالی که حکم ورشکستگی او صادر شده است، پذیرفته نیست، زیرا پیش از آن، حق طلبکاران به عین اموال وی تعلق گرفته است، از این رو چنین اقراری به منزله اقرار به مال دیگران است.

کله مثال ۱۰: در عقد رهن اگر مدتی را ذکر کنند که عقد فقط برای آن مدت باشد این شرط چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط باطل است.
- (۲) شرط و عقد هر دو باطل هستند.
- (۳) عقد باطل می‌شود.
- (۴) چنین شرطی صحیح است و مدت باید ضبط شود.

پاسخ: گزینه «۴» عقد رهن یک عقد دایمی است اما اگر برای آن مدتی تعیین کردند، ضبط کردن آن مدت لازم است.

کلمه مثال ۱۱: در عقد رهن دوام قبض عین مرهونه توسط مرتهن...

- (۱) شرط نیست. (۲) شرط است. (۳) بدون آن عقد محقق نمی‌شود. (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه «۱» چرا که قبض عین مرهونه توسط مرتهن حتی برای یک لحظه برای انعقاد عقد رهن کفایت می‌کند.

کلمه مثال ۱۲: لو رهن ما لایملک ...

- (۱) بطل رهن (۲) وقف علی الاجازة المالك (۳) فلا یصح الرهن (۴) لزوم الرهن

پاسخ: گزینه «۲» در صورتی که شخصی مالی را رهن بدهد که مالک آن نیست صحت عقد رهن متوقف به اجازه مالک است مثل دیگر عقود که به صورت فضولی منعقد می‌شوند.

کلمه مثال ۱۳: و لو تعدّر الرهن هنا أقرض من ثقة عدل غالباً ...

- (۱) اگر امکان رهن دادن آن وجود نداشته باشد آن را قرض می‌دهد.
 (۲) غالباً اگر امکان رهن دادن آن وجود نداشته باشد آن را قرض می‌دهد.
 (۳) اگر امکان رهن دادن مال طفل وجود نداشته باشد آن را به کسی که غالباً مورد اعتماد و عادل است قرض می‌دهد.
 (۴) اگر امکان رهن دادن آن وجود نداشت آن را باید به صورت موثق و عادلانه قرض بدهد.

پاسخ: گزینه «۳» این گزینه نسبت به گزینه یک کامل‌تر است و عنوان می‌کند که اگر امکان رهن دادن مال طفل توسط اما او وجود نداشته باشد آن را به شخصی که مورد اعتماد و عادل است قرض می‌دهد.

کلمه مثال ۱۴: در مورد مال جعاله چه موقعی می‌توان رهن قرار داد؟

- (۱) بعد از انجام عمل توسط عامل (۲) در هر زمانی
 (۳) قبل از انجام عمل توسط عامل (۴) به محض انعقاد عقد جعاله

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به این که در مورد حقی می‌توان رهن داد که آن حق ثابت و مستقر شده باشد در مورد مال جعاله زمانی می‌توان رهن قرار داد که عمل توسط عامل انجام شده باشد.

کلمه مثال ۱۵: شرط وکالت مرتهن در فروش عین مرهونه ضمن عقد رهن چه اثری دارد؟

- (۱) باعث بطلان عقد می‌شود.
 (۲) شرط و عقد هر دو باطل می‌شوند.
 (۳) وکالت لازم می‌شود.
 (۴) در صورت عزل مرتهن توسط راهن، مرتهن می‌تواند بیع مشروط به رهن و وکالت را فسخ کند.

پاسخ: گزینه «۴» فایده قرار دادن شرط عدم عزل مرتهن توسط راهن، این است که در صورت عزل مرتهن وی می‌تواند عقد اصلی را فسخ کند.

کلمه مثال ۱۶: اذا شرط الوکاله فی الرهن لم یملک عزله:

- (۱) چنانچه در وکالت شرط رهن شود رهن قابل فسخ نیست.
 (۲) شرط وکالت در رهن صحیح نیست.
 (۳) اگر در رهن وکیل شدن مرتهن شرط گردد نمی‌توان او را از وکالت عزل کرد.
 (۴) اگر در رهن شرط وکالت شود نمی‌توان مال ارهانه را گرفت.

پاسخ: گزینه «۳» اگر راهن در عقد رهن وکالت مرتهن را شرط کند، حق عزل او را ندارد.

کلمه مثال ۱۷: اگر مال مرهونه احتیاج به صرف هزینه‌ای داشته باشد این هزینه بر عهده‌ی ...

- (۱) راهن است. (۲) راهن و مرتهن با هم است.
 (۳) مرتهن است. (۴) هر کسی که عین مرهونه نزد او است.

پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که عین مرهونه احتیاج به صرف هزینه‌ای داشته باشد پرداخت آن هزینه برعهده راهن است.



کلمه مثال ۱۸: لو انتفع المرتهن بالرهن باذن الراهن علی وجه العوض او بدونه مع الاثم لزمه الاجره:

- (۱) در صورتی که مرتهن با موافقت راهن از رهن استفاده کند، باید عوض آن را بدهد و اگر بدون موافقت او استفاده کند، مرتکب معصیت شده است.
 (۲) در صورتی که مرتهن با موافقت راهن از رهن به عنوان عوض استفاده کند و یا بدون اذن او منتفع شود که این کار گناه است، باید اجرت بپردازد.
 (۳) در صورتی که مرتهن با موافقت راهن از رهن استفاده کند مجاز است اما استفاده از رهن بدون اذن راهن هم گناه است و هم اجرت باید داده شود.
 (۴) در صورتی که مرتهن از طرف راهن ماذون باشد که منافع را واگذار کرده و عوض از منتفع برای او بگیرد جایز است و بدون اذن او این کار معصیت است.
- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که مرتهن با اذن راهن در مقابل عوض از مورد رهن منتفع گردد یا بدون اذن و علی رغم ارتکاب گناه چنین کند باید اجرت مربوط را بدهد.

کلمه مثال ۱۹: در صورتی که شرط شده باشد که با سررسید مدت عین مرهونه برای مرتهن به عنوان مبیع باشد....

- (۱) عقد رهن باطل است.
 (۲) عقد بیع باطل است.
 (۳) عقد رهن و عقد بیع هر دو باطل هستند.
 (۴) چنین شرطی صحیح است.
- پاسخ: گزینه «۳» با توجه به این که عقد رهن مدت‌دار نمی‌شود و عقد بیع معلق نمی‌شود اشتراط چنین شرطی ضمن عقد رهن موجب بطلان عقد رهن و عقد بیع می‌شود.

کلمه مثال ۲۰: کدام نمائات داخل در عین مرهونه می‌شوند؟

- (۱) تمام نمائات (۲) نمائات منفصل (۳) نمائات متصل (۴) هیچ کدام از نمائات
- پاسخ: گزینه «۱» تمام نمائات حاصل در عین مرهونه در طول مدت عقد رهن جزو رهن خواهد بود.

کلمه مثال ۲۱: لو اختلفا فی الرهن و الودیعه حلف و لو اختلفا فی عین الرهن حلف ...

- (۱) الراهن، المرتهن (۲) المرتهن، الراهن (۳) المالک، الراهن (۴) المالک، المرتهن
- پاسخ: گزینه «۳» در صورت اختلاف در مورد رهن و ودیعه بودن مالک قسم می‌خورد و اگر در مورد عین مرهونه اختلاف پیدا کنند رهن قسم می‌خورد.

کلمه مثال ۲۲: ولایت بر سفیهی که سابقه رشد داشته است با چه کسی می‌باشد؟

- (۱) پدر (۲) پدر و جد پدری (۳) حاکم (۴) قیم
- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که شخصی رشید بوده و بعد دچار سفه شود ولایت بر او با حاکم است.

کلمه مثال ۲۳: ولا یُسَلَّمُ عوض الخلع الیه

- (۱) اگر سفیه طلاق خلع بدهد عوض آن را به او نمی‌دهند چون عوض امر مالی بوده و از آن ممنوع است.
 (۲) اگر سفیه طلاق خلع بدهد عوض آن را به او نمی‌دهند چون عوض مهریه بوده و مهریه متعلق به زن است.
 (۳) چنانچه سفیه معامله‌ای انجام دهد عوض یا معوض را به او نمی‌دهند چون ممنوع التصرف است.
 (۴) اگر سفیه معامله‌ای انجام دهد عوض را به او نمی‌دهند چون معامله‌اش است.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر سفیه طلاق خلع بدهد عوض آن را به او نمی‌دهند چون تصرف مالی است که سفیه از آن منع شده است.

کلمه مثال ۲۴: تصرفات بیمار در اموال خود چه حکمی دارد؟

- (۱) تصرفات او در هر حال صحیح است.
 (۲) تصرفات تبرعی مازاد بر ثلث باطل است.
 (۳) تصرفات مازاد بر ثلث او باطل است.
 (۴) تصرفات او در هر حال باطل است.
- پاسخ: گزینه «۲» تصرفات بیمار در صورتی که به صورت تبرعی و مازاد بر ثلث باشند باطل خواهند بود.



کلمه مثال ۲۵: لا يزول الحجر عن السفية إلا بحكم الحاكم لأن زوال السفه يفتقر الى الاجتهاد و قيام الامارات

- (۱) زوال حجر از سفیه تنها با حکم حاکم امکان پذیر است، زیرا زوال سفاهت امری اجتهادی و استنباطی است و به قیام امارات متوقف است.
 - (۲) زوال حجر از سفیه تنها با حکم حاکم امکان پذیر است، زیرا زوال سفاهت امری است که مجتهد از امارات شرعیه استنباط خواهد کرد.
 - (۳) زوال حجر از سفیه تنها با حکم حاکم امکان پذیر است، زیرا زوال سفاهت، نیازمند بررسی و دقت و وجود نشانه‌های این امر است.
 - (۴) زوال حجر از سفیه تنها با حکم حاکم امکان پذیر است، زیرا زوال سفاهت هنگامی است که امارات معتبر شرعی نزد مجتهد قائم گردد.
- پاسخ: گزینه «۱» تشخیص زوال سفاهت، نیاز به بررسی و قیام امارات دارد، چرا که امری پنهانی است از این رو منوط به نظر حاکم است.

کلمه مثال ۲۶: لو عامل السفية العالم بحاله استعداد ماله مع وجوده لبطلان المعاملة فان تلف فلا ضمان

- (۱) اگر کسی با علم و اطلاع به سفاهت کسی با او معامله کند، می‌تواند مال خود را در صورت بقا باز پس گیرد زیرا معامله باطل بوده، اما در صورت تلف، سفیه ضامن نیست.
 - (۲) اگر کسی با اطلاع از عدم استعداد مالی سفیه با وی معامله کند که با وجود چنین وضعی معامله باطل و سفیه در صورت تلف مال ضامن نیست.
 - (۳) اگر سفیه با اطلاع از سفاهت کسی با او معامله کند، باید مال او را باز پس دهد چون وجود سفه موجب بطلان معامله و ضمان آور است.
 - (۴) اگر سفیه با اطلاع از سفاهت خود با کسی معامله کند، به دلیل وجود این وضع معامله باطل است و در صورت تلف مال سفیه ضامن است.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر کسی با علم به سفاهت کسی با او معامله کند، می‌تواند مال خود را در صورت بقا باز پس گیرد، زیرا معامله باطل بوده، اما در صورت تلف، سفیه ضامن نیست.



آزمون فصل چهارم

کله ۱- در صورت دین موجل تبدیل به دین حال می‌شود؟

- (۱) صدور حکم حجر برای مدیون (۲) فوت مدیون (۳) فوت طلبکار (۴) فروش دین

کله ۲- یصح بیع الدین

- (۱) بحال (۲) بموجل (۳) علی الداین (۴) علی الغریم

کله ۳- چرا شرط کردن مدت در عقد قرض موجب لزوم آن نمی‌شود؟

- (۱) عقد قرض، عقد لازم است.
(۲) عقد قرض، عقد جایز است.
(۳) این شرط، شرط نامشروعی است.
(۴) عقد قرض، عقد منجز است.

کله ۴- لایصح قسمة بل الحاصل لهما و منهما.

- (۱) الدین - المنافع (۲) الرهن - المنافع (۳) الدین - التاوی (۴) الرهن - التاوی

کله ۵- کدام مورد در رابطه با رهن صحیح است؟

- (۱) رهن منافع (۲) رهن دین (۳) رهن وقف (۴) رهن عاریه

کله ۶- در صورتی که مالی را برای رهن گذاشتن عاریه بگیرد

- (۱) عاریه با عقد رهن لازم می‌شود.
(۲) عاریه با عقد رهن لازم نمی‌شود.
(۳) معیر می‌تواند به مال خود رجوع کند.
(۴) راهن می‌تواند به آن رجوع کند.

کله ۷- در عقد رهن برای صحت آن عین مرهونه توسط شرط است.

- (۱) اقباض - مرتهن (۲) قبض - راهن (۳) اقباض - راهن (۴) قبض - مرتهن

کله ۸- لایجوز لل التصرف فی الرهن بدون اذن

- (۱) مرتهن - راهن (۲) راهن - مرتهن (۳) معیر - مرتهن (۴) معیر - راهن

کله ۹- از نظر فقهای امامیه کدام مورد از اسباب حجر به شمار نمی‌آید؟

- (۱) جنون (۲) سفه (۳) صغر (۴) بیماری شدید

کله ۱۰- حجر مجنون تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

- (۱) افاقه پیدا کند. (۲) محتمل شود. (۳) بالغ شود. (۴) تا زمانی که حاکم مصلحت بدانند.

فصل پنجم

«ضمان، حواله و کفالت»

تست‌های تألیفی فصل پنجم

کله مثال ۱: علم ضامن نسبت به مضمون له و مضمون عنه چگونه باید باشد؟

- (۱) اجمالی - اجمالی (۲) تفصیلی - تفصیلی (۳) اجمالی - تفصیلی (۴) تفصیلی - اجمالی
- پاسخ: گزینه «۱» در عقد ضمان علم اجمالی ضامن نسبت به مضمون له و مضمون عنه برای انعقاد عقد کفایت می‌کند.

کله مثال ۲: فلو تجدد إیساره بعد الضمان لم یکن له الفسخ.....

- (۱) چرا که شرایط انعقاد عقد کامل بوده است.
 (۲) اعسار ضامن باعث فسخ عقد نمی‌شود.
 (۳) چرا که اعسار ضامن در انعقاد عقد تأثیری ندارد.
 (۴) چرا که در زمان انعقاد شرط تمکن مالی ضامن وجود داشته است.
- پاسخ: گزینه «۴» اعسار ضامن، باعث ایجاد حق فسخ برای مضمون له نمی‌شود.

کله مثال ۳: و إن کان مؤجلاً فلا رجوع علیه إلا بعد حلوله و أدائه مطلقاً.

- (۱) اگر دین اصلی مدت‌دار باشد ضامن مطلقاً حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.
 (۲) اگر دین اصلی مدت‌دار باشد ضامن حق رجوع ندارد مگر بعد از سررسید مدت و پرداخت دین خواه ضمان به صورت حال باشد یا مدت دار.
 (۳) اگر دین اصلی مدت‌دار باشد ضامن مطلقاً پس از سررسید مدت حق رجوع به مضمون عنه را دارد.
 (۴) اگر دین اصلی مدت‌دار باشد ضامن مطلقاً پس از پرداخت دین حق رجوع به مضمون عنه را دارد.
- پاسخ: گزینه «۲» در صورتی که دین اصلی مدت‌دار باشد ضامن بعد از سررسید مدت و پرداخت حق رجوع به مضمون عنه را دارد.

کله مثال ۴: اگر کسی از طرف فروشنده برای مشتری خسارت آن چه که مشتری احداث کرده است را ضمانت کند، چنین ضمانتی چه حکمی دارد؟

- (۱) جایز است. (۲) باطل است. (۳) بنا بر نظر قوی‌تر جایز است. (۴) گزینه ۴ صحیح است.
- پاسخ: گزینه «۳» در این مورد بین فقها اختلاف وجود دارد اما بنابر نظر قوی‌تر چنین ضمانتی جایز است.

کله مثال ۵: و لو ضمن للمشتري عهداً الثمن لزمه فی کل موضع یبطل فیهِ البیع من رأس کالاستحقاق:

- (۱) اگر کسی از جانب مشتری ضمانت کند که از عهده‌ی ثمن برآید، در هر جا که بیع از اصل باطل باشد، ضمان بر او لازم می‌شود مانند مورد کشف استحقاق غیر بر مال.
 (۲) اگر کسی برای مشتری از بایع ضمانت کند که از عهده‌ی ثمن بر آید، ضمان الزام‌آور است در هر جا که بیع از ابتدا باطل باشد مانند مورد کشف مستحق للغیر بودن مبیع.
 (۳) حتی اگر ضمانت عهده‌ی ثمن از مشتری در مقابل بایع بشود، الزام بر مشتری است، در هر موردی که بیع از اصل باطل باشد مانند مورد کشف استحقاق غیر بر مال.
 (۴) چنانچه ضمانت عهده‌ی ثمن در مقابل مشتری باشد، الزام بر مشتری است در هر جا که بیع از ابتدا باطل باشد مانند مورد کشف مستحق للغیر بودن مبیع.
- پاسخ: گزینه «۲» اگر کسی برای مشتری ضمانت کند که از عهده ثمن برآید، ضمان در هر موردی که بیع از اساس باطل می‌شود، لازم خواهد بود، مانند صورت تعلق حق دیگران.

کله مثال ۶: والمال المضمون ما جاز اخذ الرهن علیه ولو ضمن للمشتري عهداً الثمن لزمه فی کل موضع یبطل فیهِ البیع من رأس:

- (۱) در ضمان عقد، مالی که مورد ضمانت قرار می‌گیرد، مالی است که رهن قرار دادن آن نیز جایز باشد و اگر ضمانت عهده ثمن به نفع مشتری شده باشد، ضمان بر ضامن لازم است در هر جا که بیع از اصل باطل باشد.
 (۲) در ضمان عقدی مالی که مورد ضمانت قرار می‌گیرد مالی است که گرفتن رهن برای آن نیز جایز باشد، کسی که به نفع مشتری ضامن عهده ثمن می‌شود، تعهد او الزام‌آور است در هر موردی که بیع از اصل باطل باشد.
 (۳) در مورد تصرف ضمان‌آور مال جایز است که نسبت به آن رهن اخذ شود و اگر کسی برای مشتری ضامن عهده ثمن شود اقدام او الزام‌آور است در هر موردی که بیع از ابتدا باطل باشد.
 (۴) در مورد مالی که بدون وجود قرارداد صحیح در تصرف دیگری است اخذ رهن در مورد آن مال جایز نیست، حتی اگر ضمانت برای مشتری در مورد عهده‌ی ثمن شده باشد این امر در تمام مواردی که بیع از ابتدا باطل می‌شود، جاری است.
- پاسخ: گزینه «۲» مالی که مورد ضمانت قرار می‌گیرد، مالی است که گرفتن رهن برای آن جایز باشد. اگر کسی برای مشتری ضمانت کند که از عهده ثمن برآید، ضمان در هر موردی که بیع از اساس باطل می‌شود، لازم خواهد بود.



📖 مثال ۷: قبول حواله بر شخص ثروتمند توسط محتال چه حکمی دارد؟

- (۱) واجب است.
 (۲) در صورتی که کس دیگری نباشد واجب است.
 (۳) واجب نیست.
 (۴) با توجه به میزان ثروت شخص حکم آن فرق می‌کند.
- ☑ پاسخ: گزینه «۳» ثروتمند بودن محال علیه، باعث وجوب قبول آن برای محتال نمی‌شود.

📖 مثال ۸: اگر بعد از انعقاد عقد حواله معلوم شود که محال علیه در هنگام عقد معسر بوده...؟

- (۱) بطلت الحواله
 (۲) انفسخت الحواله
 (۳) فسخ المحتال
 (۴) فسخ المحیل
- ☑ پاسخ: گزینه «۳» در صورت اثبات معسر بودن محال علیه در هنگام انعقاد عقد حواله، محتال می‌تواند عقد را فسخ کند.

📖 مثال ۹: در صورت اختلاف بین محال علیه و محیل در مورد مدیون بودن محال علیه....

- (۱) با توجه به اصل قول محال علیه مقدم است.
 (۲) با توجه به ظاهر قول محیل مقدم است.
 (۳) با توجه به اصل برائت ذمه قول محال علیه مقدم است.
 (۴) با توجه به اصل برائت ذمه قول محال علیه با قسمی که یاد می‌کند مقدم است.
- ☑ پاسخ: گزینه «۴» چون اصل بر برائت ذمه محال علیه است با قسمی که وی یاد می‌کند قول او مقدم می‌شود.

📖 مثال ۱۰: برای تحقق عقد کفالت، رضایت چه کسانی شرط است؟

- (۱) کفیل و مکفول له
 (۲) کفیل و مکفول
 (۳) مکفول له و مکفول
 (۴) کفیل و مکفول له و مکفول
- ☑ پاسخ: گزینه «۱» برای انعقاد عقد کفالت، فقط رضایت کفیل و مکفول له، شرط است و رضایت مکفول شرط نیست.

📖 مثال ۱۱: و تحصيل الكفالة با طلاق الغريم من المستحق قهراً:

- (۱) حاصل شدن کفالت با آزادی مطلق بدهکار، حتی اگر با اجبار هم باشد جایز است.
 (۲) آزاد کردن بدهکار از دست طلبکار به صورت قهری کفالت تلقی می‌شود.
 (۳) اگر کسی بدهکار را از دست طلبکار با توسل به زور رها سازد این امر در حکم کفالت از اوست.
 (۴) چنانچه بدهکار در مقابل طلبکار متوسل به زور شود، کفالت از او جایز نیست.
- ☑ پاسخ: گزینه «۳» هرگاه شخصی مدیون را به زور از دست داین رها سازد، کفالت محقق می‌شود.

📖 مثال ۱۲: کدام عقد در صورت معلق شدن باطل می‌شود؟

- (۱) کفالت
 (۲) ضمان
 (۳) حواله
 (۴) هر سه مورد
- ☑ پاسخ: گزینه «۴» هر سه عقد کفالت، ضمان و حواله در صورت معلق شدن باطل می‌شوند و تعلیق در آن‌ها صحیح نیست.

آزمون فصل پنجم

کله ۱- این عبارت‌ها به ترتیب تعریف کدام عقود هستند؟

هی التعهد بالمال من المشغول بمثله - هی التعهد بالنفس
 (۱) ضمان - حواله (۲) ضمان - كفالت (۳) كفالت - ضمان (۴) حواله - كفالت

کله ۲- الضمان لازم من طرف فلیس لازم من طرف

(۱) مضمون له - ضامن (۲) ضامن - مضمون له (۳) مضمون له - مضمون عنه (۴) ضامن - مضمون عنه

کله ۳- اعسار ضامن در چه موردی برای مضمون له خیار فسخ ایجاد می‌کند؟

(۱) در هر صورتی
 (۲) در هر صورتی که بعد از انعقاد عقد ضامن معسر شود.
 (۳) در صورتی که قبل از انعقاد عقد ضامن معسر بوده و مضمون له نسبت به آن جاهل بوده باشد.
 (۴) در صورتی که قبل از انعقاد عقد ضامن معسر بوده و مضمون عنه آن را پنهان کرده باشد.

کله ۴- انعقاد عقد ضمان و عقد كفالت به صورت معلق به ترتیب چه حکمی دارد؟

(۱) جایز - جایز (۲) جایز - باطل (۳) باطل - باطل (۴) باطل - جایز

کله ۵- ترامی و دور در عقود ضمان و حواله چه حکمی دارد؟

(۱) صحیح (۲) باطل - صحیح (۳) باطل - باطل (۴) صحیح - باطل

کله ۶- ملائت ضامن

(۱) شرط لزوم عقد ضمان است. (۲) شرط صحت عقد ضمان است. (۳) استدامتاً شرط است. (۴) استمراراً شرط است.

کله ۷- در عقد ضمان، ضامن نسبت به دین و مضمون عنه چه علمی باید داشته باشد؟

(۱) در عقد ضمان علم ضامن به دین و مضمون عنه لازم نیست.
 (۲) در عقد ضمان علم ضامن به دین و مضمون عنه شرط نیست.
 (۳) در عقد ضمان علم تفصیلی ضامن به دین و مضمون عنه شرط است.
 (۴) در عقد ضمان علم اجمالی ضامن به دین و مضمون عنه کفایت می‌کند.

کله ۸- طرفین عقد در عقود ضمان و كفالت به ترتیب عبارتند از

(۱) ضامن و مضمون عنه - كفیل و مكفول
 (۲) ضامن و مضمون له - كفیل و مكفول له
 (۳) مضمون عنه و مضمون له - مكفول و مكفول له
 (۴) ضامن و مضمون له - كفیل و مكفول له

کله ۹- طرفین عقد در حواله عبارتند از

(۱) محیل و محتال (۲) محیل و محال علیه (۳) محیل و محتال و محال علیه (۴) محتال و محال علیه

کله ۱۰- ترامی الحواله و تعلیق الکفالة

(۱) یصح - یصح (۲) یصح - لایصح (۳) لایصح - لایصح (۴) لایصح - یصح



فصل ششم

«صلح و شرکت»

تست‌های تألیفی فصل ششم

کله مثال ۱: عقد صلح

- (۱) لازم است
(۲) اگر به جای عقد لازم باشد لازم است.
(۳) جایز است.
(۴) اگر به جای عقد جایز باشد جایز است.

پاسخ: گزینه «۱» عقد صلح هر چند در مقام عقد جایزی باشد، لازم است.

کله مثال ۲: لو اصطلاح الشریکان علی أخذ أحد هما رأس المال و الباقي للآخر ربح أو خسر ...

- (۱) بطل العقد
(۲) جاز العقد
(۳) صح العقد
(۴) صح عند انقضاء الشركة

پاسخ: گزینه «۴» این صلح در صورت اتمام مدت شرکت صحیح خواهد بود.

کله مثال ۳: عقد صلح بر ...

- (۱) عین و منفعت صحیح است.
(۲) عین صحیح است.
(۳) منفعت صحیح است.
(۴) عین در برابر منفعت صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» انعقاد عقد صلح در مورد عین و منفعت صحیح می‌باشد.

کله مثال ۴: و یصح الصلح علی کل من العین و المنفعة بمثله و جنسه و مخالفه:

- (۱) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن و یا مخالف آن صحیح نیست.
(۲) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر آن و یا جنس آن صحیح است.
(۳) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن و یا مخالف آن صحیح است.
(۴) صلح بر هر یک از عین و منفعت نافذ است و نباید با مخالف یا مثل آن صلح گردد.

پاسخ: گزینه «۳» صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن و یا مخالف آن صحیح است.

کله مثال ۵: و لو ظهر استحقاق العوض المعین بطل الصلح:

- (۱) اگر معلوم شود که عوض معین شده از آن دیگری است صلح نافذ نیست.
(۲) اگر معلوم گردد که عوض معین شده در یک طرف عقد متعلق به شخص ثالث است صلح باطل می‌شود.
(۳) اگر معلوم گردد که عوض معین شده در یک طرف عقد متعلق به دیگری است صلح صحیح است.
(۴) اگر مشخص نشود که عوض تعیین شده در یک طرف عقد از آن دیگری است صلح باطل است.

پاسخ: گزینه «۲» اگر معلوم شود حق غیر بر عوض معین تعلق گرفته است، صلح باطل می‌گردد.

کله مثال ۶: لو تنازع راكب الدابه و قابض لجامها حلف الراكب:

- (۱) اگر دو نفر بر سر چهارپای نزع کنند و یکی از آن‌ها باری بر پشت آن داشته باشد قول صاحب بار مقدم می‌شود.
(۲) اگر کسی که سوار بر چهارپا است با کسی که دهنه‌ی آن را گرفته بر سر آن چهارپا نزع کنند کسی که دهنه‌ی آن را گرفته قسم می‌خورد.
(۳) اگر دو نفر بر سر چهارپایی نزع کنند و یکی از آن‌ها باری بر پشت آن داشته باشد قول صاحب بار مقدم نمی‌شود.
(۴) اگر کسی که سوار بر چهارپا است با کسی که دهنه‌ی آن را گرفته بر سر آن چهارپا نزع کنند کسی که سوار بر آن است قسم می‌خورد.

پاسخ: گزینه «۴» اگر کسی که سوار بر چهارپا است با کسی که دهنه‌ی آن را گرفته بر سر مالکیت چهارپا نزع کنند، سوار سوگند می‌خورد.

کله مثال ۷: کدام شرکت نزد فقهای امامیه معتبر است؟

- (۱) شرکت اعمال
(۲) شرکت عنان
(۳) شرکت مفاوضه
(۴) شرکت وجوه
- پاسخ: گزینه «۲» از بین انواع شرکت‌ها تنها شرکت عنان نزد فقهای امامیه صحیح است.

کله مثال ۸: این عبارت تعریف کدام شرکت است: أن يتعاقدا علی أن یعمل کل منهما بنفسه و یشتراک فی الحاصل.

- (۱) شرکت وجوه
(۲) شرکت عنان
(۳) شرکت اعمال
(۴) شرکت مفاوضه
- پاسخ: گزینه «۳» این عبارت تعریف شرکت اعمال می‌باشد.

کله مثال ۹: اگر در شرکت، عنان شرط شود که بدون توجه به میزان سرمایه شرکا سود شرکت بین آن‌ها تقسیم شود چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط باطل است و به تبع آن شرکت هم باطل می‌شود.
(۲) شرط باطل است.
(۳) شرط صحیح است.
(۴) شرکت باطل می‌شود.
- پاسخ: گزینه «۱» این شرط هم خود باطل است و هم مبطل عقد است.

کله مثال ۱۰: در چه صورتی هر یک از شرکا می‌تواند تقسیم مال مشترک را درخواست کند؟

- (۱) مال مشترک کالا باشد.
(۲) در هر حال می‌تواند درخواست کند.
(۳) مال مشترک وجه نقد باشد.
(۴) در هیچ حالتی نمی‌تواند چنین درخواستی کند.
- پاسخ: گزینه «۲» در شرکت مدنی هر یک از شرکا هر وقت که بخواهد می‌تواند تقسیم مال مشترک را درخواست کند.

کله مثال ۱۱: و لیس لأحد الشركاء التصرف إلاً باذن الجميع:

- (۱) جایز نیست هر یک از شرکا به تنهایی در مال مورد مشارکت تصرف نمایند.
(۲) تصرف شرکا در مال مشارکتی با اذن شرکا جایز است.
(۳) کسی حق ندارد در اموال شرکا تصرف کند جز این که خود آن‌ها بخواهند.
(۴) تصرف یکی از شرکا در اموال مشارکتی صحیح نیست، مگر این که همه بخواهند تصرف نمایند.
- پاسخ: گزینه «۲» هیچ یک از شرکا نمی‌تواند در مال مشترک جز با اذن تمامی شرکا تصرف نماید.

کله مثال ۱۲: و تکره مشارکه الذمی و ابضاعه و ابداعه:

- (۱) شریک شدن با کافر ذمی و سرمایه دادن به او بر وجهی که سود آن فقط برای صاحب مال باشد و ودیعه دادن به او مکروه است.
(۲) شریک شدن با کافر ذمی و کم کردن از سهم او در مشارکت و ودیعه گرفتن از او مکروه است.
(۳) شریک شدن کافر ذمی با مسلمان و تقسیم سود شرکت با او و ودیعه دادن به او مکروه است.
(۴) شریک کردن کافر ذمی و سرمایه دادن به او بر وجهی که سود بین طرفین تقسیم گردد و ودیعه دادن به او مکروه است.
- پاسخ: گزینه «۱» مشارکت با کافر ذمی و دادن سرمایه به او برای آن که با آن کار کند و نیز ودیعه سپردن نزد او مکروه است.



آزمون فصل ششم

کجه ۱- در صلح طلا و نقره قبض در مجلس عقد چه حکمی دارد؟

- (۱) صلح بر طلا و نقره نافذ نیست.
 (۲) در صلح بر طلا و نقره قبض در مجلس شرط است.
 (۳) در صلح بر طلا و نقره قبض در مجلس شرط نیست.
 (۴) در صلح بر طلا و نقره عدم قبض در مجلس لازم است.

کجه ۲- در صورتی که معلوم شود عوض معین شده از آن دیگری است صلح چه حکمی دارد؟

- (۱) اگر معلوم شود که عوض معین شده از آن دیگری است صلح نافذ نیست.
 (۲) اگر معلوم گردد که عوض معین شده در یک طرف عقد متعلق به شخص ثالث است صلح باطل می‌شود.
 (۳) اگر معلوم گردد که عوض معین شده در یک طرف عقد متعلق به دیگری است صلح صحیح است.
 (۴) اگر مشخص نشود که عوض تعیین شده در یک طرف عقد از آن دیگری است صلح باطل است.

کجه ۳- عقد صلح با منحل نمی‌شود؟

- (۱) فسخ (۲) شرط خیار (۳) اقاله (۴) تخلف شرط

کجه ۴- صلح بر هر کدام از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن و مخالف آن چه حکمی دارد؟

- (۱) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن صحیح نیست.
 (۲) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر آن و یا جنس آن صحیح است.
 (۳) صلح بر هر یک از عین و منفعت در برابر مثل آن و یا جنس آن صحیح است.
 (۴) صلح بر هر یک از عین و منفعت نافذ است و نباید با مخالف یا مثل آن صلح گردد.

کجه ۵- لو کان بیدهما درهمن فادعاهما احدهما و ادعی الآخر احدهما فللثانی نصف درهم و للاول الباقي» احدهما به چه منظور به کار رفته است؟

- (۱) در هر دو مورد منظور دو درهم است.
 (۲) در هر دو مورد منظور دو نفر است.
 (۳) منظور در مورد اول «دو درهم» و در مورد دوم «دو شخص» است.
 (۴) عکس گزینه ۳

کجه ۶- در عبارت «و فی الشركة یتساویان فی الربح و الخسران مع تساوی المالین و لو اختلفا، اختلف الربح و لو شرطاً غیرهما و الأظهر البطلان» منظور از

ضمیر «و لو اختلفا» چیست؟

- (۱) سهم هر یک از دو شریک (۲) دو شریک (۳) سود و زیان (۴) هیچ کدام

کجه ۷- کدام نوع تصرف در عقد شرکت ممنوع است؟

- (۱) تصرف حقوقی (۲) تصرف مادی (۳) هم تصرف مادی و هم تصرفی که موجب مسئولیت شود. (۴) مطلق تصرفات

کجه ۸- کدامیک از موارد شرکت نیست؟

- (۱) عقد (۲) مالکیت (۳) امتزاج (۴) ارث

کجه ۹- شریک شدن با کافر ذمی چه حکمی دارد؟

- (۱) شریک شدن با کافر ذمی و ودیعه دادن به او مکروه است.
 (۲) شریک شدن با کافر ذمی و ودیعه گرفتن از او مکروه است.
 (۳) شریک شدن کافر ذمی با مسلمان و تقسیم سود شرکت با او حرام است.
 (۴) شریک کردن کافر ذمی و سرمایه دادن به او مکروه نیست.

کجه ۱۰- در شرکت عنان، شرکا در چه چیزی با یکدیگر مشارکت می‌کنند؟

- (۱) مشارکت در اموال (۲) مشارکت تجاری (۳) مشارکت در حیات مباحات (۴) مشارکت در ارث بردن

فصل هفتم

«مضاربه، ودیعه و عاریه»

تست‌های تألیفی فصل هفتم

کله مثال ۱: شرط کردن مدت در عقد مضاربه چه اثری دارد؟

(۱) باعث لازم شدن عقد در آن مدت می‌شود.

(۲) شرط باطل است.

(۳) شرط و عقد باطل می‌شوند.

(۴) این اثر را دارد که بعد از اتمام مدت عامل دیگر نمی‌تواند در آن مال تصرف کند مگر با اذن جدید.

پاسخ گزینه «۴» شرط کردن مدت در عقد مضاربه آن لازم نمی‌کند، اما این اثر را دارد که بعد از اتمام مدت عامل دیگر نمی‌تواند در مال مورد مضاربه تصرف کند مگر با اذن جدید مالک.

کله مثال ۲: اگر مالک به عامل اذن مطلق داده باشد؟

(۱) عامل هر تصرفی که می‌خواهد انجام می‌دهد.

(۲) عامل تصرفی می‌کند که سودآور باشد.

(۳) عامل تصرفی می‌کند که متعارف باشد.

(۴) هیچ تصرفی نمی‌کند مگر با اذن مالک.

پاسخ: گزینه «۲» در این مورد عامل باید تصرفی را بکند که سود آورتر باشد.

کله مثال ۳: انما تجوز المضاربه ...

(۴) بالذهب

(۳) بالدنانیر

(۲) بالدراهم و الدنانیر

(۱) بالدراهم

پاسخ: گزینه «۲» در عقد مضار به سرمایه حتماً باید وجه نقد باشد، در غیر این صورت عقد مضار به منعقد نمی‌شود.

کله مثال ۴: و لو فسخ المالك فللعامل أجره مثله إلى ذلك الوقت ...

(۱) در صورتی که سود به دست نیامده باشد.

(۲) عامل فقط مستحق اجرت المثل است.

(۳) عامل علاوه بر اجرت المثل مقداری از سود را به تناسب اعمالی که انجام داده می‌برد.

(۴) عامل مستحق اجرت المثل و سهم خود از سود که در عقد مقرر شده بود است.

پاسخ: گزینه «۱» در صورت فسخ عقد مضاربه توسط مالک اگر تا آن موقع سودی حاصل نشده باشد، عامل فقط مستحق اجرت المثل اعمالی است که تا آن وقت انجام داده است.

کله مثال ۵: اگر کسی مال خود را نزد دیگری رها کند؟

(۱) عقد ودیعه محقق می‌شود.

(۲) به علت عدم رضایت عقدی محقق نمی‌شود.

(۴) به علت عدم حصول قبض عقد ودیعه محقق نمی‌شود.

(۳) به علت عدم حصول قبول شرعی عقد ودیعه محقق نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» در این مورد چون قبول شرعی واقع نشده است عقد ودیعه تحقق پیدا نمی‌کند.

کله مثال ۶: قول مستودع در مورد برگرداندن ودیعه به مالکش در صورت باطل شدن عقد ...

(۱) در هر حال پذیرفته نمی‌شود.

(۲) با قسم او پذیرفته می‌شود.

(۴) با اقامه بینه از طرف او پذیرفته می‌شود.

(۳) پذیرفته نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» در این مورد مستودع برای پذیرفتن قولش باید بینه اقامه کند.



کله مثال ۷: و لو قبل المستودع الوديعه وجب عليه الحفظ مادام مستودعاً و كذا بعده الى أن يؤدemy الى المالك أو من في حكمه:

- (۱) مستودع پس از قبول ودیعه، باید آن را حفظ کند مگر در صورتی که مالک یا کسی که در حکم مالک است آن را استرداد کند.
 - (۲) مستودع پس از قبول ودیعه، مادام که عنوان مستودع بر او باشد، باید در حفظ آن بکوشد و یا آن را به مالک و یا در حکم مالک باز پس دهد.
 - (۳) مستودع پس از قبول ودیعه، تا عنوان مستودع دارد و حتی پس از زوال این عنوان باید آن را حفظ کند تا آن که به مالک و یا در حکم مالک باز پس دهد.
 - (۴) مستودع پس از قبول ودیعه مادام که عنوان مستودع دارد باید در حفظ آن بکوشد و پس از زوال این عنوان باید به مالک و یا در حکم مالک باز پس دهد.
- پاسخ: گزینه «۳» کسی که ودیعه‌ای را قبول می‌کند تا زمانی که قبول امانت کرده است و پس از آن نیز تا زمانی که ودیعه را به مالک یا کسی که جانشین اوست برساند، باید از آن نگهداری کند.

کله مثال ۸: اگر کسی مالی را از طرف صغیر یا مجنون به عنوان ودیعه بگیرد....

- (۱) ضامن است.
 - (۲) ضامن است و با دادن مال به صغیر یا مجنون بری می‌شود.
 - (۳) ضامن نیست.
 - (۴) ضامن است و با دادن مال به ولی آن‌ها بری می‌شود.
- پاسخ: گزینه «۴» در عقد ودیعه مودع باید دارای اهلیت کامل باشد بنابراین در این مورد مستودع ضامن است و مال را باید به ولی یا قسیم آن‌ها رد کند تا برائت حاصل نماید.

کله مثال ۹: برگرداندن مال ودیعه پس از مطالبه آن توسط مودع:

- (۱) واجب است حتی اگر مودع کافر باشد.
 - (۲) واجب است در صورتی که مودع مسلمان باشد.
 - (۳) واجب است.
 - (۴) واجب نیست در صورتی که مودع کافر باشد.
- پاسخ: گزینه «۱» در صورت مطالبه مال ودیعه توسط مودع برگرداندن آن به مستودع واجب می‌شود حتی اگر مودع کافر باشد.

کله مثال ۱۰: ان تعذر رد الوديعه الى المالك او وكيله فالحاكم الشرعی عند الضرورة إلى ردها لا بدونه:

- (۱) هرگاه رد ودیعه به مالک یا وکیل دشوار باشد، باید در صورت ضرورت، آن را به حاکم شرع سپرد نه به کسی دیگر.
 - (۲) هرگاه رد ودیعه به مالک یا وکیل دشوار نباشد، باید در صورت ضرورت، آن را به حاکم شرع سپرد اما بدون ضرورت، خیر.
 - (۳) هرگاه رد ودیعه به مالک یا وکیل وی ممکن نباشد، باید در صورت ضرورت، آن را به حاکم شرع سپرد، اما با عدم تعذر یاد شده نمی‌توان آن را به حاکم سپرد.
 - (۴) هرگاه رد ودیعه ضرورت پیدا کند، باید آن را به مالک یا وکیل او و یا حاکم شرع بازگرداند، اما با عدم ضرورت، خیر.
- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که رد ودیعه به مودع یا وکل او امکان‌پذیر نباشد و رد ضرورت داشته باشد، به حکم شرع داده می‌شود.

کله مثال ۱۱: يجب اعاده الوديعه على المودع مع المطالبه في اول وقت الامكان بمعنى رفع يده عنها:

- (۱) بر مستودع واجب است که ودیعه را در صورت مطالبه مودع، در اولین فرصت ممکن به او باز پس دهد به این معنی که از آن رفع ید نماید.
 - (۲) بر مستودع واجب است که ودیعه را در صورت مطالبه مالک در اولین فرصت ممکن به او باز پس بدهد و با این کار، از خود سلب مسئولیت نماید.
 - (۳) بر مودع واجب است که در صورت تقاضای مستودع، مال خود را در اولین فرصت ممکن باز پس گیرد و با این کار، موجب رفع مسئولیت وی نسبت به ودیعه گردد.
 - (۴) بر مودع واجب است که در اولین فرصت ممکن، ودیعه و امانت خود را از مستودع مطالبه کند به این معنی که از نامبرده، دست برداشته و رفع ید نماید.
- پاسخ: گزینه «۱» برگرداندن مال ودیعه به مودع در صورت درخواست مودع، در اولین زمان ممکن واجب است به این معنا که مستودع باید از آن رفع ید نماید.

کله مثال ۱۲: اذا مات المودع سلمها المستودع إلى ...

- (۱) وارثه
 - (۲) وکیل
 - (۳) الحاکم
 - (۴) امین الحاکم
- پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که مودع فوت کند، مستودع مال ودیعه را باید به ورثه او تسلیم کند.

مثال ۱۳: صغیر در چه صورتی می‌تواند مال خود را عاریه بدهد؟

- (۱) با اجازه ولی
(۲) در صورتی که معوض باشد.
(۳) مصلحت او در این کار باشد.
(۴) با اجازه ولی و رعایت غبطه صغیر

پاسخ: گزینه «۱» صغیر در صورتی می‌تواند مال خود را عاریه بدهد که اجازه‌ی ولی خود را داشته باشد.

مثال ۱۴: للمالك الرجوع فيها متى شاء إن شاء الله...

- (۱) في اعارة الارض
(۲) في اعارة البناء
(۳) في اعارة الارض للدفن
(۴) في اعارة الدار
- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که زمینی برای دفن میت به کسی عاریه داده شده باشد و میت در آن دفن شده باشد علی‌رغم این که عقد عاریه از جمله عقود جایز است مالک دیگر نمی‌تواند رجوع کند چرا که نبش قبر حرام است.

مثال ۱۵: مستعیر به خاطر نقص مال عاریه از جهت صرف استعمال ضامن نیست مگر:

- (۱) شرط ضمان شده باشد.
(۲) مال عاریه طلا باشد.
(۳) شرط ضمان شده باشد و یا مال عاریه طلا و نقره باشد.
(۴) مال عاریه طلا و نقره باشد.
- پاسخ: گزینه «۳» مستعیر در عقد عاریه از جهت صرف استعمال ضامن نمی‌شود، مگر این که شرط ضمان شده باشد و یا مال عاریه طلا و نقره باشد.

مثال ۱۶: و اذا استعار أرضاً عَرَسَ او زَرَعَ او بَنَى:

- (۱) اگر زمینی را عاریه بگیرد می‌تواند در آن، درخت بکارد یا زراعت کند و یا ساختمان احداث نماید.
(۲) اگر زمینی را عاریه کند فقط می‌تواند در آن محصولات کشاورزی به عمل آورد.
(۳) هر زمینی را شخص می‌تواند عاریه کند چه این که درخت داشته باشد یا زراعت و یا ساختمان.
(۴) جایز نیست زمینی را که در آن درخت وجود دارد یا زراعت دارد یا دارای ساختمان می‌باشد به عاریه بگیرد.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر شخصی زمینی را عاریه گیرد که صلاحیت برای زراعت و کاشت درخت و ساختمان سازی را عادتاً دارد، در صورتی که عاریه مطلق بوده یا به عموم آن تصریح شده باشد مستعیر می‌تواند در آن زمین زراعت کند یا درخت بکارد و یا ساختمان سازی کند.

مثال ۱۷: و لو شرط سقوط الضمان في الذهب و الفضة ...

- (۱) صح
(۲) بطل
(۳) بطل الشرط
(۴) بطل الشرط و العقد
- پاسخ: گزینه «۱» شرط عدم ضمان در عاریه طلا و نقره صحیح است.

مثال ۱۸: و لا يجوز اعارة المعين المستعاره إلا باذن المالك:

- (۱) عاریه گرفتن شیء عاریه‌ای جایز نیست مگر با اجازه‌ی مالک.
(۲) عاریه دادن شیء عاریه‌ای بدون اذن مالک جایز است.
(۳) عاریه دادن شیء عاریه‌ای جایز نیست جز به اذن مالک.
(۴) عاریه دادن شیء عاریه‌ای به مالک جایز نیست جز در صورت رضایت او.
- پاسخ: گزینه «۳» مستعیر نمی‌تواند مال عاریه گرفته شده را به دیگری عاریه بدهد مگر این که مالک به او اذن داده باشد.

مثال ۱۹: و للمستعير الاستغلال بالشجر و كذا للمعير:

- (۱) مستعیر می‌تواند از سایه درختی که در زمین عاریه‌ای کاشته است بهره‌مند گردد اما معیر نمی‌تواند.
(۲) مستعیر حق ندارد از سایه‌ی درختی که در زمین عاریه‌ای کاشته شده استفاده کند بلکه صرفاً معیر چنین حقی دارد.
(۳) معیر و مستعیر می‌توانند درختی را که در زمین عاریه‌ای وجود دارد بکنند.
(۴) مستعیر و معیر می‌تواند از سایه‌ی درختی که در زمین عاریه‌ای توسط مستعیر کاشته شده استفاده نمایند.
- پاسخ: گزینه «۴» مستعیر می‌تواند از سایه درختی که در زمین عاریه گرفته شده کاشته است بهره‌مند شود و عاریه دهنده نیز می‌تواند از سایه این درخت بهره‌مند شود، اگر چه درخت ملک دیگری است.



آزمون فصل هفتم

کله ۱- از نظر شهید اول قرار دادن شرط لزوم یا مدت در عقد مضاربه چه حکمی دارد؟

- (۱) قرار دادن شرط لزوم صحیح است، اما قرار دادن شرط مدت صحیح نیست.
 (۲) قرار دادن شرط لزوم و مدت در عقد مضاربه صحیح است.
 (۳) قرار دادن شرط لزوم و مدت در عقد مضاربه صحیح نیست.
 (۴) قرار دادن شرط لازم در عقد مضاربه صحیح نیست، اما قرار دادن شرط مدت در آن صحیح است.

کله ۲- در این عبارت «المضاربة أن يدفع مالا إلى غيره ليعمل فيه بحصة معينة» در عبارت «بحصة»، «ب» چه معنایی دارد؟

- (۱) به وسیله (۲) برای (۳) در برابر (۴) به سوی

کله ۳- این عبارت کدام عقد را بیان می‌کند؟

- «هی يدفع مالا إلى غيره ليعمل فيه بحصة معينة من ربحه»
 (۱) مغارسه (۲) مزارعه (۳) مساقات (۴) مضاربه

کله ۴- «هی استنابة فی الحفظ» ماهیت کدام عقد است؟

- (۱) عاریه (۲) وکالت (۳) ودیعه (۴) رهن

کله ۵- اگر شخصی مالی را نزد دیگری بیندازد یا او را مجبور به پذیرفتن آن کند.....

- (۱) ودیعه محسوب می‌شود. (۲) ودیعه ادامه پیدا نمی‌کند. (۳) ودیعه باطل است. (۴) ودیعه محسوب نمی‌شود.

کله ۶- مستودع چه زمانی باید مال مورد ودیعه را به مودع رد کند؟

- (۱) در اولین فرصت بعد از مطالبه کردن حاکم
 (۲) در اولین فرصت بعد از مطالبه کردن مودع
 (۳) هر زمانی که بخواهد بعد از این که مودع آن را مطالبه کند.
 (۴) رد کردن مال مورد ودیعه بر مستودع واجب نیست.

کله ۷- قول مستودع در مورد رد مال مورد ودیعه

- (۱) پذیرفته می‌شود.
 (۲) در صورتی که همراه با بینه باشد قبول می‌شود.
 (۳) پذیرفته نمی‌شود.
 (۴) بدون بینه هم قبول می‌شود.

کله ۸- عاریه دادن مال عاریه گرفته شده چه حکمی دارد؟

- (۱) عاریه دادن آن جایز است.
 (۲) عاریه دادن آن جایز نیست.
 (۳) عاریه دادن آن جایز نیست مگر با اجازه مالک.
 (۴) چون مستعیر مالک منافع آن است می‌تواند آن را عاریه بدهد.

کله ۹- عاریه طبق نظر مشهور فقهای امامیه

- (۱) عقد لازم است. (۲) عقد جایز است. (۳) ایقاع است. (۴) عقد مشروط است.

کله ۱۰- طبق نظر مشهور فقهای امامیه مستعیر در عاریه طلا و نقره در چه صورتی ضامن است؟

- (۱) مرتکب تعدی و تفریط شده باشد.
 (۲) شرط ضمان بر او شده باشد.
 (۳) به دلیل امین بودن در هیچ صورتی ضامن نمی‌شود.
 (۴) ضامن است حتی اگر تعدی و تفریط نکرده باشد و شرط ضمانی هم بر او نشده باشد.

فصل هشتم

«مزارعه و مساقات»

آزمون فصل هشتم

- کله ۱- این عبارت کدام عقد را بیان می‌کند؟ «هی معامله علی الارض بحصة من حاصلها»
- (۱) مضاربه (۲) مغارسه (۳) مساقات (۴) مزارعه
- کله ۲- لو شرط احدهما علی الآخر یضمنه مضافاً الی الحصة
- (۱) لم یصح (۲) صح (۳) بطل الشرط (۴) بطل شرط و العقد
- کله ۳- إذا اطلق المزارعه زرع العامل
- (۱) ماشاء (۲) ما انفع (۳) المعتاد (۴) الاحسن
- کله ۴- لو خالف العامل و زرع الأضر
- (۱) بطل العقد (۲) جاز (۳) تخیر المالك (۴) فللمالك اجرة المثل
- کله ۵- آیا مزارع می‌تواند با دیگری عقد مزارعه ببندد؟
- (۱) خیر و این کار باعث بطلان عقد می‌شود.
 (۲) با اذن مالک می‌تواند این کار را انجام بدهد.
 (۳) می‌تواند این کار را انجام دهد، اما از حصه او کم می‌شود.
 (۴) می‌تواند این کار را انجام دهد چرا که او به موجب عقد مزارعه مالک منافع زمین شده است.
- کله ۶- این عبارت کدام عقد را بیان می‌کند؟ «هی معامله علی الاصول بحصة من ثمرها»
- (۱) مساقات (۲) مزارعه (۳) مغارسه (۴) مضاربه
- کله ۷- عقد مساقات از جانب
- (۱) عامل لازم و از جانب مالک جایز است.
 (۲) طرفین جایز است.
 (۳) طرفین لازم است.
 (۴) مالک لازم و از جانب عامل جایز است.
- کله ۸- در عقد مساقات سهم هریک از طرفین
- (۱) نصف ثمره درختان است.
 (۲) جزء مشاع از ثمره درختان است.
 (۳) ثلث ثمره درختان است.
 (۴) ربع ثمره درختان است.
- کله ۹- در صورت بطلان عقد مساقات
- (۱) هر کدام از طرفین حصه خود را می‌برد.
 (۲) مالک حصه خود را می‌برد و عامل اجرت المثل عمل خود را می‌گیرد.
 (۳) عامل حصه خود را خواهد برد.
 (۴) تمام ثمره متعلق به مالک خواهد بود و عامل اجرت المثل عمل خود را می‌گیرد.
- کله ۱۰- حکم مغارسه چیست؟
- (۱) مغارسه جایز است.
 (۲) مغارسه مطلقاً باطل است.
 (۳) مغارسه در بعضی موارد صحیح است.
 (۴) مانند مساقات است.



فصل نهم

«اجاره و وکالت»

تست‌های تألیفی فصل نهم

📖 **مثال ۱:** الإجارة لازمة من الطرفين و لو تعقبها البيع

(۱) تبطل (۲) تنفسخ (۳) لم تبطل (۴) جاز

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به این که اجاره عقد لازمی است اگر بعد از انعقاد آن، عقد بیع واقع شود موجب بطلان اجاره نمی‌شود.

📖 **مثال ۲:** و عذر المستأجر لا يبطلها كما لو استأجر حانوتاً فسرق متاعه:

(۱) اگر برای مستأجر عذری در استفاده از عین مستأجره حاصل شود موجب صحت اجاره نمی‌گردد.
 (۲) چنان چه برای مستأجر عذری در استفاده از عین مستأجره پیش آید موجب بطلان اجاره نمی‌شود مثلاً مغازه‌ای را اجاره نماید آن گاه جنسش در آنجا به سرقت برود.

(۳) عذری که برای مستأجر در استفاده از عین مستأجره حاصل می‌شود موجب حق فسخ از جانب مستأجر نمی‌شود.

(۴) اگر برای مستأجر در استفاده کردن از دکانی که اجاره کرده مشکلی پیش بیاید موجب فسخ عقد اجاره نمی‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» عذر مستأجر، اجاره را باطل نمی‌کند، مانند این که دکانی را اجاره کند و بعد کالاهایی را که به منظور فروش تهیه کرده بود به سرقت برود.

📖 **مثال ۳:** لو شرط في عقد الإجارة ضمان العين بدون التعدي و التفریط

(۱) فسد العقد (۲) جاز (۳) صح (۴) انفسخ العقد

✅ **پاسخ:** گزینه «۱» در صورتی که در عقد اجاره شرط ضمان بدون تعدی و تفریط برای مستأجر قرار داده شود شرط باطل است و موجب بطلان عقد هم می‌شود.

📖 **مثال ۴:** كلما يصح الانتفاع به مع بقاء عينه تصح اعارته و اجارته:

(۱) اجاره و عاریه در صورتی صحیح است که متعقب به بیع و اجازه‌ی دیگر نباشد چه به صورت منفرد باشد یا مشاع.
 (۲) اجاره و عاریه در صورتی صحیح است که انتفاع از آن متوقف بر زوالش نباشد به شرط این که مشاع نباشند.
 (۳) عکس این عبارت به طور کلی در اجاره صحیح است در عاریه و اجازه‌ی آن به صورت منفرد و مشاع صحیح است.
 (۴) عکس این عبارت به طور کلی در عاریه صحیح است نه در اجاره و اجازه‌ی آن به صورت منفرد و مشاع صحیح است.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» عکس این مطلب در مورد اجاره صحیح است برخلاف عاریه.

📖 **مثال ۵:** لو ظهر في الإجارة عيبٌ فللأجير الفسخُ أو الأرش مع التعيين.

(۱) اگر در عین مستأجره عیبی به وجود آید، مستأجر می‌تواند عقد را فسخ کند یا در صورت تعیین ارش بگیرد.
 (۲) اگر در اجرت عیبی به وجود آید، اجیر می‌تواند در صورتی که اجرت در عقد تعیین شده باشد عقد را فسخ کند یا ارش بگیرد.
 (۳) اگر در اجرت عیبی به وجود آید، اجیر می‌تواند عقد را فسخ کند یا در صورتی که ارش تعیین شده باشد ارش بگیرد.
 (۴) اگر در عین مستأجره عیبی به وجود آید، مستأجر می‌تواند در صورت معین بود آن، عقد را فسخ کند یا ارش بگیرد.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» در صورتی که در اجرت اجیر عیبی ایجاد شود او در صورتی می‌تواند عقد را فسخ کند یا ارش بگیرد که اجرت او در ضمن عقد تعیین شده باشد.

📖 **مثال ۶:** و تملك الاجرة بالعقد و يجب تسليمها بتسليم العين:

(۱) به مجرد عقد، اجرت ملک موجر می‌شود و برای صحت عقد اجاره قدرت بر تسلیم عین شرط است.
 (۲) به مجرد عقد، موجر مالک عین می‌شود و مستأجر مالک منفعت، و قبض عوضین واجب است.
 (۳) به مجرد عقد، اجرت ملک موجر می‌شود و با تسلیم عین مستأجره تسلیم اجرت واجب می‌شود.
 (۴) به مجرد عقد، اجرت ملک مستأجر می‌شود و با تسلیم عین مستأجره تسلیم اجرت واجب می‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» تملك اجرت، با عقد صورت می‌گیرد و به مجرد تسلیم عین مستأجره، تسلیم اجرت واجب می‌شود.

🔗 **مثال ۷:** اگر بعد از قبض عین مستأجره توسط مستأجر کسی آن را غصب کند....

- (۱) اجاره باطل می‌شود.
 (۲) اجاره باطل نمی‌شود و مستأجر به موجد رجوع می‌کند.
 (۳) اجاره باطل می‌شود و مستأجر به موجد رجوع می‌کند.
 (۴) مستأجر می‌تواند عقد را فسخ کند.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» در این مورد اجاره باطل نمی‌شود و مستأجر می‌تواند برای پس گرفتن عین مستأجره به غاصب رجوع کند.

🔗 **مثال ۸:** إذا فرط فی العین المستأجره ضمن قیمتها يوم التفریط:

- (۱) اگر مستأجر در نگهداری از عین مستأجره سهل‌انگاری کند بهای آن در روز تفریط را ضامن است.
 (۲) اگر مستأجر در نگهداری عین افراط نماید قیمت آن را در روز افراط ضامن است.
 (۳) چنانچه مستأجر در نگهداری از عین سهل‌انگاری کند قیمت روز تلف را ضامن است.
 (۴) چنانچه عین مستأجره در اثر کوتاهی مستأجر تلف گردد قیمت روز تلف را ضامن است.

✅ **پاسخ:** گزینه «۱» هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تفریط نماید، ضامن قیمت عین در روز تفریط است.

🔗 **مثال ۹:** من تقبل عملاً فله تقبيله غيره بأقل مما تقبل به لإصالة الجواز:

- (۱) هرگاه کسی نسبت به انجام عملی اجیر شده باشد، می‌تواند به کمتر از آن از دیگری آن عمل را بپذیرد، زیرا اصل جواز این کار است.
 (۲) در صورتی که کسی پذیرفته باشد که عملی را در برابر اجرتی معین انجام دهد، می‌تواند آن کار را در برابر مبلغی کمتر به دیگری واگذارد، زیرا اصل جواز واگذاری آن عمل به دیگری در برابر این اجرت است.
 (۳) اصالة الجواز اقتضا می‌کند که اجیر بتواند مبلغ اجرت را هر چند کمتر از اجرت تعیین شده قبول کند.
 (۴) اجیر می‌تواند کار را به دیگری واگذار کند مشروط بر این که اصولاً این واگذاری شرعاً جایز شناخته شده باشد.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» کسی که انجام کاری را می‌پذیرد، می‌تواند آن را به کمتر از آن چه که پذیرفته است به دیگری بسپارد.

🔗 **مثال ۱۰:** تعلیق تصرف در عقد وکالت....

- (۱) باطل است. (۲) جایز نیست (۳) جایز است (۴) باعث بطلان می‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» تعلیق تصرف در عقد وکالت صحیح است و تأثیری در صحت عقد ندارد.

🔗 **مثال ۱۱:** لا بد في الوكالة من کمال المتعاقدين بالبلوغ والعقل و جواز تصرف الموکل فلا یوکل المحجور علیه فیما لیس له مباشرته

- (۱) در وکیل و موکل شرط است که بالغ بوده و به کمال رسیده باشند و موکل باید جایزالتصرف نیز باشد و در غیر این صورت از مباشرت در اقدام ممنوع و محجور بوده و نمی‌تواند کسی را وکیل کند.
 (۲) در وکالت شرط است که طرفین از جهت بلوغ و عقل کامل باشند و موکل جایزالتصرف نیز باشد به همین جهت محجور نمی‌تواند در موردی وکالت دهد که خود از اقدام بالمباشره در آن ممنوع است.
 (۳) در طرفین عقد وکالت، شرط است که به کمال بلوغ رسیده باشند و موکل باید جایزالتصرف نیز باشد بنابراین نمی‌توان وکالت به کسی داد که از اقدام بالمباشره ممنوع و محجور است.
 (۴) در طرفین عقد وکالت، شرط است که به کمال بلوغ رسیده باشند و وکیل باید جایزالتصرف نیز باشد بنابراین نمی‌توان وکالت را به کسی داد که از اقدام بالمباشره ممنوع باشد.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» شخص محجور نمی‌تواند در کاری که خود مجاز به انجام آن نیست، وکالت دهد.

🔗 **مثال ۱۲:** و يستحب لذوی المروآت التوکیل فی المنازعات

- (۱) مستحب است که افراد در اختلاف‌ها و کشمکش‌ها وکیل بگیرند.
 (۲) مستحب است که افراد ثروتمند در اختلافات و درگیری‌ها وکیل بگیرند.
 (۳) مستحب است که اشخاص با شخصیت در منازعات خود وکیل بگیرند. (۴) مستحب است که افراد عالم در منازعات وکیل بشوند.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» مستحب است که افراد متمسک در اختلافات و کشمکش‌ها وکیل بگیرند.



👉 مثال ۱۳: برای اثبات عقد وکالت شهادت زنان....

(۱) کلاً پذیرفته نمی‌شود. (۲) به تنهایی پذیرفته نمی‌شود. (۳) به انضمام مردان پذیرفته می‌شود (۴) به تنهایی پذیرفته می‌شود.

☑️ پاسخ: گزینه «۱» شهادت زنان عقد وکالت را ثابت نمی‌کند، حتی اگر به انضمام شهادت مردان باشد.

👉 مثال ۱۴: لو اختلفا في أصل الوكالة حلف ... و لو اختلفا في التلف حلف....

(۱) الموكل الوكيل (۲) المنكر، الموكل (۳) الوكيل، الموكل (۴) المنكر، الوكيل

☑️ پاسخ: گزینه «۴» در صورت اختلاف در مورد اصل وکالت منکر قسم می‌خورد و اگر در مورد تلف موضوع وکالت با یکدیگر اختلاف پیدا کنند وکیل

قسم خواهد خورد.

👉 مثال ۱۵: الوكيل في الوديعة لا يجب عليه الشهادة بخلاف الوكيل في قضاء الدين و تسليم المبيع و لولم يشهد ضمن

(۱) کسی که وکیل در قضا دین و تحویل کالای فروخته شده است باید شاهد بگیرد و الاضامن است.

(۲) لازم نیست که در قضا دین و تحویل کالای فروخته شده است شاهد بگیرد.

(۳) کسی که وکیل در قضا دین و تحویل کالای فروخته شده است می‌تواند شاهد بگیرد.

(۴) کسی که وکیل در ودیعه دادن یک عین لازم است بر آن شاهد بگیرد.

☑️ پاسخ: گزینه «۱» کسی که وکیل در قضا دین و تسلیم مبیع است باید شاهد بگیرد در غیر این صورت ضامن است.

آزمون فصل نهم

کله ۱- مستأجر در چه صورتی نمی‌تواند عین مستأجره را اجاره بدهد؟

- (۱) مستأجر به صورت مطلق می‌تواند عین مستأجره را اجاره بدهد.
- (۲) مستأجر به صورت مطلق نمی‌تواند عین مستأجره را اجاره بدهد.
- (۳) مستأجر در صورتی که استیفای منافع توسط او شرط شده باشد نمی‌تواند.
- (۴) مستأجر در صورتی که شرط کند با مستأجر دوم در استیفای منافع شریک باشد نمی‌تواند عین مستأجر را اجاره بدهد.

کله ۲- در کدام مورد اجاره باطل می‌شود؟

- (۱) لو تعقبها البیع
- (۲) بموت الموجر
- (۳) بموت المستاجر
- (۴) در هیچ کدام از این موارد اجاره باطل نمی‌شود.

کله ۳- اگر با لفظ بیع قصد عقد اجاره را کند

- (۱) باطل است.
- (۲) جایز است.
- (۳) عقد بیع صحیح است.
- (۴) عقد اجاره منعقد می‌شود.

کله ۴- در صورتی که در اجرت عیبی ظاهر شود اجیر می‌تواند

- (۱) مطالبه بدل آن را کند در صورتی که اجرت تعیین شده باشد.
- (۲) عقد را فسخ کند یا مطالبه ارش کند در صورتی که اجرت تعیین نشده باشد.
- (۳) عقد را فسخ کند یا مطالبه ارش کند در صورتی که اجرت تعیین شده باشد.
- (۴) در صورت تعذر دادن بدل می‌تواند مطالبه ارش بکند.

کله ۵- لابد من كون المنفعة والاجرة

- (۱) معلومتین
- (۲) عینین
- (۳) عوضین
- (۴) معینین

کله ۶- الوكالة استنابة فی

- (۱) الحفظ
- (۲) الحفظ و التصرف
- (۳) التصرف
- (۴) الانتفاع

کله ۷- لا تبطل الوكالة

- (۱) بالموت الموکل
- (۲) بالارتداد الوکیل
- (۳) بالحجر الموکل
- (۴) بالموت الوکیل

کله ۸- فی الوكالة

- (۱) لا تبطل الوكالة بالموت و الجنون
- (۲) لا تصح الوكالة فيما لا يتعلق غرض الشارع بايقاعه من مباشر بعينه
- (۳) لا يتوکل المسلم للذمي علی المسلم
- (۴) لا یصح تعليق التصرف فیها

کله ۹- این عبارت بیانگر چه چیزی است؟

«تبطل الوكالة بالموت و الجنون و ...»

- (۱) لازم بودن عقد وکالت
- (۲) جایز بودن عقد وکالت
- (۳) عقد وکالت از طرف موکل لازم و از طرف وکیل جایز است.
- (۴) عقد وکالت از طرف وکیل لازم و از طرف موکل جایز است.

کله ۱۰- در عقد وکالت وکیل تجاوز نمی‌کند از

- (۱) عین النقیصة فی ثمن ما وکل فی شرائه
- (۲) ما حدَّ له إلا ان تشهد العادة برخوله
- (۳) ما حدَّ له مطلقاً
- (۴) عین توکیل ما وکل فی نفسه



فصل دهم

« شفعه و جعاله »

تست‌های تألیفی فصل دهم

که مثال ۱: يستحق الاخذ بالشفعه بنفس العقد و ان كان فيه خيار بناءً على انتقال المبيع الى الملك المشتري به

(۱) به نفس عقد، حق شفعه برای شفیع به وجود می‌آید و اگر در آن عقد، خيار فسخ باشد، حق شفعه مبتنی بر آن است که مبیع به ملکیت مشتری استقرار پیدا کند.

(۲) به نفس عقد، حق شفعه برای شفیع به وجود می‌آید، هرچند که در آن عقد خيار فسخ باشد، مبتنی بر این‌که شریک بتواند مبیع را از ملکیت مشتری به خود انتقال دهد.

(۳) به نفس عقد، حق شفعه برای شفیع به وجود می‌آید هرچند که در آن، خيار فسخ وجود داشته باشد و این حکم مبتنی بر آن است که به مالکیت مشتری نسبت به مبیع از زمان عقد قائل باشیم.

(۴) به نفس عقد، حق شفعه برای شفیع به وجود می‌آید هرچند که در عقد، خيار فسخ وجود داشته باشد و این حکم مبتنی بر این است که مبیع با اعمال شفعه از ملکیت مشتری به شفیع انتقال یابد.

پاسخ: گزینه «۳» استحقاق اخذ به شفعه به خود عقد حاصل می‌شود، اگر چه در عقد، خيار وجود داشته باشد، البته در صورتی که مبیع به سبب عقد به مالکیت مشتری درآید.

اگر مشتری یا بایع عقد را فسخ کنند حق شفعه باطل می‌شود.

شفیع نمی‌تواند نسبت به مقداری از مبیع اخذ به شفعه بکند بلکه یا باید نسبت به تمام آن این کار را انجام بدهد یا به طور کلی از آن صرف نظر کند. تا مشتری به واسطه تقسیم شدن معامله زیان نبیند و نیز به دلیل این که حق شفیع، همانند خيار، به مجموع مبیع به عنوان مجموع آن تعلق گرفته است، به طوری که اگر شفیع بگوید: «نسبت به نصف مبیع اخذ به شفعه نمودم» شفعه او باطل می‌شود، زیرا با فوریت در جایی که فوریت را شرط بدانیم، منافات دارد.

شفیع با پرداخت همان ثمنی که عقد بیع بر آن واقع شده است اخذ به شفعه می‌کند و غیر از آن چیزی مانند حق دلالتی و حق الوکاله بر او لازم نمی‌شود. پس اگر ثمن مثلی بود باید مثل آن را پرداخت کند و اگر ثمن قیمی بود باید قیمت آن را در روز عقد بپردازد، زیرا روز عقد زمان استحقاق ثمن است و چون امکان دریافت ثمن موجود نبوده است، قیمت ثمن در همان روز ملاک است.

که مثال ۲: يشترط قدرة الشفيع على الثمن و لو ادعى غيبته الثمن أجّل:

(۴) سبعة أيام

(۳) اربعة أيام

(۲) يومين

(۱) ثلاثة أيام

پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که شفیع ادعا کند به ثمن دسترسی ندارد سه روز به او مهلت داده می‌شود تا آن را حاضر نماید.

که مثال ۳: و يأخذ الشفيع بأثمن الذي وقع عليه العقد أي بمثله لعدم امکان الاخذ بعينه إلا أن يتملكه

(۱) اخذ به شفعه در برابر ثمن، یعنی مثل ثمنی که بیع بر آن واقع شده صورت می‌گیرد، مگر در صورت تملک شفیع نسبت به ثمن که باید عین آن را بپردازد.

(۲) اخذ به شفعه در برابر ثمن، یعنی مثل ثمنی که بیع بر آن واقع شده صورت می‌گیرد، مشروط بر آن که شفیع نتواند عین ثمن را تملک کرده و به مشتری بپردازد.

(۳) اخذ به شفعه در برابر ثمن، یعنی مثل ثمنی که بیع بر آن واقع شده، صورت می‌گیرد، زیرا اخذ به شفعه در برابر عین ثمن ممکن نیست، مگر آن که شفیع مالک آن شده باشد.

(۴) اخذ به شفعه در برابر ثمن، یعنی مثل ثمنی که بیع بر آن واقع شده صورت می‌گیرد، زیرا اخذ به شفعه در صورتی ممکن است که شفیع نتواند عین ثمن را تملک و به مشتری بپردازد.

پاسخ: گزینه «۳» شفیع با پرداخت همان ثمنی که عقد بیع نسبت به آن واقع شده است، اخذ به شفعه می‌نماید؛ مراد از همان ثمن، مثل آن ثمن است، زیرا اخذ به شفعه در برابر عین آن ثمن مکلف نیست مگر آن که مالک آن شده باشد.



📖 مثال ۴: والشفیع يأخذ من المشتري و درکه علیه

- (۱) شفیع حصه فروخته شده را از مشتری می‌گیرد و درک آن بر عهده شفیع است.
- (۲) شفیع ثمن را از مشتری می‌گیرد و خسارت آن بر عهده مشتری است.
- (۳) شفیع حق خود را از مشتری دریافت می‌کند و درک آن بر عهده مشتری است.
- (۴) شفیع حصه مبیعه را به مشتری می‌دهد و درک آن بر عهده بایع است.

✅ پاسخ: گزینه «۳» شفیع حق خود را از خریدار دریافت می‌کند و پرداخت خسارت آن بر عهده خریدار یعنی درک حصه اگر مستحق للغیر درآید به عهده مشتری است.

📖 مثال ۵: در کدام مورد حق شفعه وجود ندارد؟

- (۱) شریک حصه خود را با هبه به دیگری منتقل کرده باشد.
 - (۲) بعد از عقد بیع، عقد فسخ شده باشد.
 - (۳) بعد از بیع عقود دیگری منعقد شده باشد.
 - (۴) بعد از عقد بیع، عقد اقاله شده باشد.
- ✅ پاسخ: گزینه «۱» حق شفعه زمانی ایجاد می‌شود، که شریک حصه خود را به وسیله بیع به دیگری منتقل کرده باشد.

📖 مثال ۶: ولو تداعیا السبق تحالفا و لاشفعه..... .

- (۱) اگر هر دو شریک ادعا کنند که پیش از دیگری خریده‌اند هر دو باید سوگند بخورند و شفعه در بین نیست.
- (۲) اگر شفیع و مشتری ادعای سبقت خود را داشته باشند هر دو سوگند می‌خورند و شفعه هم دیگر وجود ندارد.
- (۳) اگر هر دو شریک ادعا کنند که حق شفعه دارند سوگند می‌خورند و شفعه از بین می‌رود.
- (۴) اگر مشتری و شریک با هم اختلاف داشته باشند سوگند می‌خورند و حق شفعه هم از بین می‌رود.

✅ پاسخ: گزینه «۱» اگر هر دو شریک مدعی شوند که پیش از دیگری سهم خود را خریده‌اند، هر دو قسم می‌خورند و حق شفعه برای هیچ یک ثابت نمی‌شود.

📖 مثال ۷: تثبت الشفعه للمفلس ایضاً لکن لایجب علی الغرماء تمکینه من الثمن..... .

- (۱) حق شفعه برای مفلس نیز هست، لیکن بر غرماء واجب نیست که با اعمال آن موافقت نماید.
 - (۲) حق شفعه برای مفلس نیز هست، لیکن بر طلبکاران او واجب نیست که او را در پرداخت ثمن یاری کنند.
 - (۳) حق شفعه برای مفلس نیز هست، لیکن بر غرماء واجب نیست که او را در اعمال شفعه الزام نمایند.
 - (۴) حق شفعه برای مفلس نیز هست، لیکن بر غرماء واجب نیست که به همان مبلغ ثمن، تمکین نمایند.
- ✅ پاسخ: گزینه «۴» حق شفعه برای مفلس نیز هست، لیکن بر غرماء واجب نیست که به همان مبلغ ثمن تمکین نمایند.

📖 مثال ۸: و لو عین الجماله لواحد و ردّ غیره فهو متبرع بالعمل لاشیء له للمتبرع و لا للمعین لعدم الفعل..... .

- (۱) اگر در جعاله، کار خاصی تعیین شده و سپس رد شده و کار دیگری خواسته شود، انجام کار نخست تبرع تلقی شده و مزدی به آن تعلق نمی‌گیرد، زیرا در حقیقت کار مورد نظر انجام نگرفته است.
- (۲) اگر در جعاله، کار خاصی تعیین شود و عامل کار دیگری انجام دهد، کار او تبرعی تلقی شده و مزدی به آن تعلق نمی‌گیرد، زیرا در حقیقت کار مورد نظر انجام نگرفته است.
- (۳) اگر برای کاری، جعاله با شخص معینی صورت گیرد، اما دیگری آن کار را انجام دهد، متبرع تلقی می‌شود و هیچ یک مزدی نخواهند داشت، زیرا شخص معین کاری انجام نداده است.
- (۴) اگر جعاله با فرد خاصی به عمل آمده باشد و عامل جعاله را رد کند، انجام کار وی تبرعی و مجانی تلقی شده و مزد به آن تعلق نخواهد گرفت، زیرا عمل تبرعی، مزدی نداشته و در واقع کاری صورت نگرفته است.

✅ پاسخ: گزینه «۳» هرگاه جاعل، جعاله را برای شخص معینی مقرر نماید، اما شخص دیگری عمل را انجام دهد، این شخص متبرع محسوب می‌شود و چیزی به او تعلق نمی‌گیرد.



کله مثال ۹: تجوز الجعالة من الاجنبی فیلزمه المال دون المالك إن لم يأمره به ولو جعله من مال المالك بغير اذنه فهو فضولی

- (۱) جعاله‌ای که بیگانه برای کسی بدون دستور قرار داده باشد، عقد جایز است و مالک مستلزم به پرداخت جعل نیست، اما اگر بدون موافقت مالک، جعل به عهده او گذاشته شده باشد، جعاله فضولی خواهد بود.
- (۲) جعاله‌ای که بیگانه برای کسی بدون دستور او قرار داده باشد، در صورتی که مالک، ملتزم به پرداخت جعل شود، صحیح است، اما اگر بدون موافقت مالک، پرداخت جعل را از اموال او تعیین نموده باشد، جعاله، فضولی خواهد بود.
- (۳) جعاله‌ای که بیگانه برای کسی بدون دستور او قرار داده و خود ملتزم به پرداخت جعل شده باشد، جایز است، اما تعیین میزان جعل بدون موافقت قبلی مالک، عملی فضولی خواهد بود.
- (۴) جعاله‌ای که بیگانه برای کسی بدون دستور او قرار داده باشد، جایز بوده و پرداخت جعل به عهده خود او است، اما اگر جعل از اموال مالک تعیین شود بی‌آن که قبلاً موافقت وی تحصیل گردد، جعاله فضولی خواهد بود.
- پاسخ: گزینه «۴» جعاله از طرف شخص ثالث نیز صحیح است، بنابراین مالک چنین دستوری به او نداده باشد، خود او باید عوض را بدهد، نه مالک، و اگر بدون اذن مالک، عوض را از اموال او قرار داده باشد.

کله مثال ۱۰: اگر جاعل عقد جعاله را برای شخص معینی قرار بدهد و دیگری مورد اجاره را انجام بدهد ...

- (۱) مستحق اجرت المسمی است. (۲) مستحق اجرت المثل است.
- (۳) مستحق چیزی نیست. (۴) اگر متبرع باشد مستحق چیزی نیست.
- پاسخ: گزینه «۲» در چنین موردی شخصی که عمل را بدون قصد تبرع انجام داده است مستحق اجرت‌المثل است.

کله مثال ۱۱: لو رجع الجاعل و لم یعلم العامل رجوعه حتی أكمل العمل

- (۱) فله الأجرة المثل (۲) فله الرجوع علی الجاعل (۳) فله کمال الأجرة (۴) فلا شیء للعامل
- پاسخ: گزینه «۳» در این مورد با توجه به عدم اطلاع عامل از رجوع جاعل و انجام مورد جعاله، توسط عامل، وی مستحق تمام اجرتی است که در عقد جعاله تعیین شده بود.

آزمون فصل دهم

کله ۱- (الشقص) به چه معنی است؟

- (۱) زمین (۲) مال مشارکتی (۳) سهم شریک (۴) سهم مشتری

کله ۲- کدام مورد در رابطه با حق شفعه صحیح نیست؟

- (۱) لا تثبت الشفعه فی المقسوم إلّا مع الشركة فی المجاز
(۲) لا یشرط قدره الشفیع علی الثمن
(۳) موضوعها ما لا ینقل كالأرض
(۴) یشرط اسلام الشفیع اذا كان مشتری مسلماً

کله ۳- الشفعة..... الورثة علی نسبة.....

- (۱) تقسم بین - سهامهم (۲) لا تنتقل الی الورثة - سهامهم
(۳) تقسم بین - رؤسهم (۴) لا تنتقل الی الورثة - رؤسهم

کله ۴- در کدام مورد حق شفعه وجود ندارد؟

- (۱) در مغازه کوچک (۲) در اتاق کوچک (۳) در راهروهای تنگ (۴) در جوی‌های باریک

کله ۵- در صورتی که ادعا کند ثمن در دسترس او نمی‌باشد چند روز به او مهلت داده می‌شود؟

- (۱) مشتری - ۳ روز (۲) شفیع - ۳ روز
(۳) مشتری - ۷ روز (۴) شفیع - ۷ روز

کله ۶- صیغة ثمر تهما تحصیل المنفعة بعوض مع عدم الشترط العلم فیها.

- (۱) الاجارة (۲) الوقف (۳) الجعالة (۴) الهبة

کله ۷- جعاله قبل از انجام عمل، از جانب جاعل.....

- (۱) جایز نیست. (۲) لازم است.
(۳) جایز است. (۴) باطل است.

کله ۸- در صورت عدم تعیین مقدار جعل از سوی جاعل.....

- (۱) جعاله باطل است. (۲) اجرت المثل ثابت است.
(۳) اجرتی برای عامل وجود ندارد. (۴) اجرت بعد از انجام عمل تعیین می‌گردد.

کله ۹- کدام حکم در مورد جعاله صحیح است؟

- (۱) لا یتحق العامل الأجرة الا ببذل الجاعل
(۲) كلما لم یعین الجعل فاجرة المثل
(۳) یفتقر الی قبول
(۴) لا یشرط فی الجاعل الکمال و عدم الحجر

کله ۱۰- این عبارت چه چیزی را عنوان می‌کند؟ «ما یصح فسخه لمن جاز من طرفه»

- (۱) جایز بودن عقد از یک طرف (۲) جایز بودن عقد از طرفین
(۳) انفساخ قهری (۴) اقاله



فصل یازدهم

«وصیت»

تست‌های تألیفی فصل یازدهم

کله مثال ۱: و ينتقل حق القبول الى الوارث لو مات الموصی له قبله سواء مات فی حياة الموصی أم بعدها:

- ۱) اگر موصی قبل از قبول موصی له فوت کند حق تنفیذ و قبول وصیت با ورثه اوست، چه فوت وی در زمان حیات موصی له و چه بعد از آن اتفاق افتاده باشد.
 - ۲) اگر موصی قبل از قبول موصی له فوت کند حق تنفیذ و قبول وصیت با ورثه اوست مگر آن که فوت وی در زمان حیات موصی له اتفاق افتاده باشد.
 - ۳) هرگاه موصی له قبل از قبول وصیت فوت کند، حق قبول به ورثه او می‌رسد، چه فوت وی در زمان حیات موصی و چه بعد از آن اتفاق افتاده باشد.
 - ۴) اگر موصی قبل از قبول موصی له فوت کند حق تنفیذ و قبول وصیت با ورثه اوست، هر چند که موصی له نیز قبل از قبول وصیت فوت کرده باشد.
- پاسخ: گزینه «۳» هرگاه موصی له پیش از قبول فوت نماید، حق قبول وصیت به وارث او می‌رسد خواه در زمان حیات موصی فوت کرده باشد یا بعد از آن، از دنیا رفته باشد.

کله مثال ۲: اگر موصی له بعد از وفات موصی وصیت را رد کند در حالی که موصی به را قبض کرده است، وصیت چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- ۱) بعد از قبض موصی به حق رد کردن وصیت را ندارد.
 - ۲) رد وصیت باعث بطلان وصیت می‌شود.
 - ۳) قبض موصی به باعث انعقاد وصیت شده و بعد از فوت موصی می‌تواند آن را رد کند.
 - ۴) وصیت قابل فسخ خواهد بود.
- پاسخ: گزینه «۲» رد کردن وصیت بعد از وفات موصی در هر حال موجب بطلان وصیت می‌شود.

کله مثال ۳: و الظاهر ان قبول الموصی له كاشف عن سبق الملك له بالموت لا ناقل له من حیثه:

- ۱) ظاهراً از قبول موصی له کشف می‌شود که قبل از فوت موصی مالک موصی به شده نه آن که از زمان قبول به ملکیت او درآمده باشد.
 - ۲) ظاهراً از قبول موصی له کشف می‌شود که وی از قبل و به سبب فوت موصی مالک موصی به شده نه آن که از زمان قبول مالک شده باشد.
 - ۳) ظاهراً از قبول موصی له کشف می‌شود که مالکیت وی نسبت به موصی به از زمان وصیت بوده نه آن که از زمان فوت موصی انتقال حاصل شده باشد.
 - ۴) ظاهراً از قبول موصی له کشف می‌شود که مالکیت وی نسبت به موصی به قبل از فوتش حاصل شده به آن که با فوت وی انتقال حاصل شده باشد.
- پاسخ: گزینه «۲» ظاهراً قبول کاشف از تقدم ملکیت برای موصی له به سبب فوت موصی است نه این که ناقل ملکیت از هنگام مرگ باشد.

کله مثال ۴: يشترط فی الموصی له الوجود حالة الوصية و صحة التملك.

- ۱) در موصی له شرط است که در زمان وصیت، موجود بوده و موصی به قابل تملک باشد.
 - ۲) در موصی له شرط است که در زمان وصیت، موجود بوده و اهلیت تملک موصی به را داشته باشد.
 - ۳) وجود موصی به در زمان وصیت، شرط صحت آن بوده و موصی له نیز باید اهلیت تملک آن را داشته باشد.
 - ۴) وجود موصی له و هم موصی به حین الوصیه شرط صحت آن است و هم این که موصی به قابل تملک باشد.
- پاسخ: گزینه «۲» موصی له باید در زمان وصیت موجود باشد و بتواند تملک کند.

کله مثال ۵: لو أوصی للحمل اعتبر

- ۱) وجوده حال الفوت الموصی
 - ۲) صحة التملك
 - ۳) وجوده حال الوصية
 - ۴) وجوده حال الوصية و صحة التملك
- پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که موصی به نفع حمل وصیت کند وجود حمل در زمان وصیت تملک توسط او شرط صحت وصیت است.

کله مثال ۶: لو أجاز الورثة ما زاد على الثلث فأذعوا بعد الإجازة ظن القلة.....

- ۱) لم يُقبل منهم
 - ۲) إن كان الايضاء بجزءٍ شائعٍ لم يُقبل منهم
 - ۳) يُقبل منهم
 - ۴) إن كان الايضاء بعينٍ لم يُقبل منهم
- پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که ورثه وصیت مازاد بر ثلث را اجازه بدهند و بعد از آن ادعا کنند که گمان می‌کردند مقدار آن اندک بوده است ادعای آن‌ها در صورتی که مقدار زاید عین معین باشد پذیرفته نمی‌شود.

کله مثال ۷: اگر موصی، دو نفر را به عنوان وصی قرار بدهد تصرف آن‌ها به چه شکل خواهد بود؟

- ۱) هر کدام جداگانه تصرف می‌کند.
 - ۲) به اتفاق هم تصرف می‌کنند.
 - ۳) به اتفاق هم تصرف می‌کنند مگر این که استقلال آن‌ها شرط شده باشد.
 - ۴) جداگانه تصرف می‌کنند مگر این که اجتماع آن‌ها شرط شده باشد.
- پاسخ: گزینه «۳» در صورت مطلق بودن وصیت، تصرف اوصیا به صورت اجتماعی خواهد بود.

آزمون فصل یازدهم

کله ۱- در کدام مورد وصیت باطل است؟

- (۱) إن رد الموصی له بعد وفاة الموصی و قبل القبول
(۲) إن رد الموصی له فی حياة الموصی و یقبل بعد وفاته
(۳) إن رد الموصی له الوصیة بعد قبوله
(۴) إن مات الموصی قبل قبول الموصی له او قبل رده

کله ۲- وصیة السكران و المجنون

- (۱) باطله
(۲) یجوز الوصیة
(۳) وصیة المجنون باطله اما السكران صحیحة
(۴) الوصیة فی الثلث جایز

کله ۳- لا تبطل الوصیة بعروض الاعماء و الجنون و ان بقیا الی حین الممات»

- (۱) للوصی
(۲) للموصی له
(۳) للموصی
(۴) للقیم

کله ۴- در وصیت زاید بر ثلث چه چیزی شرط است؟

- (۱) اجازه وارث
(۲) اجازه وارث بعد از موت موصی
(۳) اجازه وارث در حال حیات موصی
(۴) بیشتر بودن مقدار ترکه از مقدار دیون متوفی

کله ۵- المعتبر فی مقدار مال الموصی

- (۱) حین الوصیة
(۲) حین الوفاة
(۳) من حین الوصیة الی حین الوفاة
(۴) من حین الوفاة الی حین التقسیم

کله ۶- وصیت به نفع کفار چه حکمی دارد؟

- (۱) وصیت به نفع کافر ذمی صحیح است اما به نفع کافر حربی صحیح نیست.
(۲) در هر حال باطل است.
(۳) در هر حال صحیح است.
(۴) وصیت به نفع کفار در صورتی صحیح است که از خویشاوندان موصی باشند.

کله ۷- الوصی امین فلا ما كان فی یده الامع التعدی او التفريط.

- (۱) یخسر
(۲) یجبر
(۳) یضمن
(۴) هیچکدام

کله ۸- یشترط فی الوصی لِأَنَّ الوصیة استیمان و الفاسق لیس اهلاً له.

- (۱) الکمال
(۲) العدالة
(۳) الاسلام
(۴) البلوغ

کله ۹- صفات وصی

- (۱) در زمان وصیت موصی باید موجود باشند.
(۲) از زمان وصیت تا زمان فوت موصی باید موجود باشند.
(۳) در زمان فوت موصی باید موجود باشند.
(۴) در زمانی که او به وصایت موصی عمل می کند باید موجود باشند.

کله ۱۰- لو اوصی المريض بمنجزة و مؤخره قدمت ...

- (۱) المنجزة من الثلاثة
(۲) المؤخره من الثلث
(۳) المنجزة من صلب المال
(۴) المؤخره من صلب المال



فصل دوازدهم

« نکاح »

تست‌های تألیفی فصل دوازدهم

کله مثال ۱: در نکاح دائم حضور چند شاهد لازم است؟

- (۱) یک شاهد (۲) دو شاهد (۳) هیچ شاهدی (۴) سه شاهد
- پاسخ: گزینه «۳» در عقد نکاح حضور شاهد برای صحت عقد شرط نیست و نکاح بدون حضور شاهد هم صحیح است.

کله مثال ۲: اشتراط الخيار في عقد النكاح و اشتراط الخيار في الصداق.....

- (۱) یجوز، یصح (۲) لایجوز، یصح (۳) لایجوز، لایجوز (۴) یصح، یجوز
- پاسخ: گزینه «۲» شرط خيار در عقد نکاح جایز نیست اما شرط خيار در مهریه صحیح است.

کله مثال ۳: اگر پدر و جد پدری به طور همزمان دختر را به عقد نکاح دو مرد در بیاورند.....

- (۱) عقد جد پدری مقدم می‌شود. (۲) عقد هر دو باطل می‌شود. (۳) عقد پدر مقدم می‌شود. (۴) دختر در انتخاب هر کدام از آنها مخیر است.
- پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که پدر و جد پدری در یک زمان دختر را به عقد نکاح دو مرد در بیاورند، عقدی که جد پدری منعقد کرده است مقدم می‌شود.

کله مثال ۴: در کدام مورد زن بر مرد حرام نمی‌شود:

- (۱) من تزوج امرأة فی عدتها (۲) لو زنت امرأته (۳) المَرنی بها علی الزانی (۴) أم الموطوءة
- پاسخ: گزینه «۲» بر طبق نظری که پذیرفته شده است اگر زوجه مردی مرتکب زنا شود آن زن بر شوهرش حرام نمی‌شود زانی به صورت ابدی، از ازدواج با آن زن حرام می‌شود.

کله مثال ۵: لو عقد المَحرَمُ عالمًا بالتحريم

- (۱) حرمت ابدأ بالعقد (۲) حرمت ابدأ إن دخل بها (۳) لم تحرّم (۴) لم تحرّم و إن دخل بها
- پاسخ: گزینه «۱» اگر مردی در حال احرام با زنی عقد کند و بداند که انجام این کار بر او حرام است آن زن به صرف انعقاد عقد بر او حرام می‌شود.

کله مثال ۶: ولو عضلها فلا بحث فی سقوط ولايته

- (۱) هرگاه ولی دختر مانع ازدواج دختر با هم کفوش شود ولایتش نسبت به دختر ساقط می‌شود. (۲) چنانچه پدر عاجز از اعمال ولایت خود نسبت به دخترش در امر ازدواج گردد ولایتش ساقط می‌شود. (۳) اگر شوهر، منی را در فرج همسرش نریزد دیگر ولایت نسبت به او ندارد. (۴) مانع شدن ولی از ازدواج دختر با هم کفوش ارتباطی به ولایت او ندارد که ساقط گردد.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر ولی مانع ازدواج دختر با هم کفو شود ولایت او ساقط می‌شود.

کله مثال ۷: التمكن من النفقة...

- (۱) شرطاً فی صحة العقد (۲) لیس شرطاً فی وجوب الإجابة (۳) لیس شرطاً فی صحة العقد (۴) شرطاً فی لزوم العقد
- پاسخ: گزینه «۳» تمکن بر پرداخت نفقه توسط مرد شرط صحت عقد نکاح نیست، اما شرط وجوب قبول کردن پیشنهاد ازدواج است.

کله مثال ۸: ولو أخلت بشيء من المدة قاصها...

- (۱) در صورتی که زوجه مدتی از عقد را از بین ببرد شوهر می‌تواند به نسبت آن از مهر کم کند. (۲) در صورتی که زوجه مدتی از عقد را از بین ببرد شوهر می‌تواند بر مدت عقد بیفزاید. (۳) در صورتی که زوجه نتواند وظایف خود را انجام بدهد و مدت از بین برود شوهر می‌تواند از مهر کم کند. (۴) در صورتی که در مدت عقد زن کاری را انجام بدهد می‌تواند تقاضای آن را از مرد مطالبه کند.
- پاسخ: گزینه «۱» با توجه به این که مهر در برابر مدت قرداد، در عقد موقت در صورتی که زن مقداری از آن را از بین ببرد مرد می‌تواند از مقدار مهر به نسبت آن کم کند.



که مثال ۹: ولو تراضيا بعد العقد بفرض المهر جاز و صار لازماً.....

- (۱) اگر پس از عقد زن و شوهر راضی شوند به قرار دادن مهر جایز است و لازم می‌گردد.
 - (۲) اگر پس از عقد زن و شوهر راضی باشند به مهریه‌ای که قرار داده شده جایز و لازم می‌شود.
 - (۳) چنانچه پس از عقد طرفین به فرض بودن مهر رضایت داشته باشند جایز و بلکه لازم است.
 - (۴) اگر زن و شوهر بعد از قرار دادن مهریه راضی به عقد باشند جایز است و لازم می‌گردد.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر زوجین پس از عقد بر مهر معین توافق پیدا کنند، این کار صحیح و پرداخت آن لازم است.

که مثال ۱۰: لو مات أحد الزوجين مع تفويض البضع قبل الدخول

- (۱) فمهر المثل (۲) فلها المتعة (۳) فلا شيء (۴) بطل العقد

- پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که در عقد نکاح مهر تعیین نشده باشد و قبل از تعیین آن و قبل از این که بین زوجین نزدیکی صورت بگیرد یکی از آن‌ها فوت کند، زن مستحق هیچ‌گونه مهری نیست.

که مثال ۱۱: در صورت فسخ نکاح زن

- (۱) مطلقاً مستحق هیچ مهری نیست.
 - (۲) در صورتی که عیب از جانب مرد باشد مستحق مهر است.
 - (۳) در صورتی که عیب از جانب خود زن باشد مستحق مهر نیست.
 - (۴) در تمام موارد مستحق مهر نیست مگر این که علت فسخ نکاح عنن باشد که در این مورد مستحق نصف مهر است.
- پاسخ: گزینه «۴» زن در صورت فسخ نکاح مستحق مهر نیست مگر این که علت فسخ نکاح عنن باشد که در این صورت اگر نزدیکی واقع نشده باشد مستحق نصف مهر است و اگر نزدیکی واقع شده باشد مستحق تمام مهر المسمی خواهد بود.

که مثال ۱۲: نشوز زوجه عبارت است از

- (۱) تمکین نکردن زن از مرد به معنای اخص آن
 - (۲) خروج زن از اطاعت مرد
 - (۳) ترشروبی زن با مرد
 - (۴) تغییر رفتار زن با مرد
- پاسخ: گزینه «۲» نشوز زن به این شکل است که از اطاعت مرد خارج شود یعنی عدم تمکین زن از مرد به معنای عام آن.

که مثال ۱۳: و لایجوز نفی الولد لامکان العضل

- (۱) جایز نیست شوهر به خاطر دور بودن خود از محیط منزل فرزند را نفی کند.
 - (۲) جایز نیست فرزند به دور از محیط خانه تبعید گردد.
 - (۳) جایز نیست که شوهر به دلیل بیرون ریختن منی در خارج فرج زن فرزند را از خود نفی کند.
 - (۴) جایز نیست شوهر فرزند خود را از همسرش دور کند و موجب آزار او گردد.
- پاسخ: گزینه «۳» نمی‌توان به صرف این که شوهر مرتکب عزل شده است، یعنی منی خود را هنگام آمیزش خارج رحم زن ریخته است، نفی ولد کرد.

که مثال ۱۴: یتلحق به الزوج ولد المتعة و لو نفاه ...

- (۱) لم ینتف عنه إلا باللعان (۲) فعل حراماً (۳) حلف الزوج (۴) انتفی بغیر لعان
- پاسخ: گزینه «۴» در عقد نکاح موقت شوهر می‌تواند فرزند متولد شده از این نکاح را بدون این که زوجه را لعان کند از خود نفی کند بر خلاف نکاح دائم که برای نفی فرزند حتماً باید زوجه را لعان کند.

که مثال ۱۵: کدام مورد در نفقه اقارب واجب نیست؟

- (۱) الإطعام (۲) إعفاف واجب النفقة (۳) الكسوة (۴) المسکن

- پاسخ: گزینه «۲» در نفقه اقارب تهیه هزینه‌های ازدواج شخص واجب النفقه بر انفاق کننده واجب نیست.



آزمون فصل دوازدهم

کله ۱- عزل در این عبارت به چه معنی است؟

«و لا يجوز العزل عن المرأة بغير شرط»

- (۱) مانع شدن از ازدواج دختر
(۲) ریختن منی در بیرون از فرج زن
(۳) بد اخلاقی با زن
(۴) دوری نمودن شوهر از زن

کله ۲- و النظر الى وجه امرأة يريدها نکاحها

- (۱) يجوز
(۲) يجب
(۳) يكره
(۴) يحرم

کله ۳- در این عبارت منظور از ابوان چیست؟

«لو زوجها الأبوان برجلين ان سبق احدهما صح عقده»

- (۱) پدر و مادر
(۲) پدر و پدر بزرگ
(۳) پدر و ناپدری
(۴) پدر و بردار

کله ۴- من أوقب غلاماً أو رجلاً حرمت على الموقب ...

- (۱) ام الموطوء
(۲) اخت الموطوء
(۳) ام الموطوء و اخته و بنته
(۴) بنت الموطوء

کله ۵- به کنایه خواستگاری کردن از زنی که در عقد مرد دیگری است چه حکمی دارد؟

- (۱) جایز است.
(۲) مکروه است.
(۳) صحیح است.
(۴) جایز نیست.

کله ۶- من زنی بذات دواماً او متعة حرمت عليه ابداً.

- (۱) ام زوجته
(۲) اخته
(۳) اب
(۴) بعل

کله ۷- يشترط في النكاح المنقطع ذكر فلو اخلى به بطل.

- (۱) المدة
(۲) المهر
(۳) الزوجة
(۴) الزوج

کله ۸- ليس العقم من العيوب الموجبة لا من طرف الرجل و لا من طرف المرأة.

- (۱) للفسخ
(۲) للبطلان
(۳) للاقالة
(۴) للخيار

کله ۹- این عبارت کدام مورد را بیان می‌کند؟

«ان يكون النشوز منهما و يخشى الفرقة»

- (۱) شغار
(۲) طلاق
(۳) شقاق
(۴) لعان

کله ۱۰- این عبارت در رابطه با کدام مورد است؟ «و اسبابها الزوجية و القرابة و الملك»

- (۱) حضانت
(۲) اولاد
(۳) نفقه
(۴) ارث

کله ۱۱- لو حملت المرأة اللتي لا بعل لها

- (۱) اگر حامله شود زنی که با شوهر هم بستر نشده است.
(۲) اگر حامله شود زنی که هنوز نامزد بوده و به خانه شوهر نرفته است.
(۳) اگر حامله شود زنی که شوهر ندارد.
(۴) اگر حامله شود زنی که شوهرش غایب است و حضور ندارد.

کله ۱۲- لا يطرد مع الفسخ تنصيف المهر

- (۱) اگر عقد ازدواج قبل از دخول فسخ شود، مهر نصف می‌شود.
(۲) چنانچه عقد ازدواج قبل از دخول فسخ شود، قاعداً مهر نصف نمی‌شود.
(۳) چنانچه عقد ازدواج قبل از دخول فسخ شود، پس گرفتن مهر منصفانه نیست.
(۴) چنانچه عقد ازدواج بعد از دخول فسخ شود نصف مهر پس گرفته نمی‌شود.



کله ۱۳- لو اعتاضت عن المهر بدونه او ازيد منه ثم طلقها رجع بنصف المسمى لا العوض

- (۱) در صورت معاوضه مهر با مال دیگر، به سبب طلاق قبل از دخول نصف مهر المسمى واجب می‌شود.
- (۲) در صورت معاوضه مهر با مال دیگر، به سبب طلاق قبل از دخول نصف عوض واجب می‌شود.
- (۳) معاوضه مهر به کمتر یا بیشتر از مهر المسمى جایز نیست و با طلاق هر چند بعد از دخول باشد مهر نصف می‌شود.
- (۴) معاوضه مهر به کمتر یا بیشتر از مهر المسمى جایز نیست ولی با طلاق بعد از دخول نصف عوض واجب می‌شود.

کله ۱۴- و تسقط القسمة بالنشوز و السفر

- (۱) قسم میان زنان به سبب نافرمانی و سفر از میان می‌رود.
- (۲) از تقسیم کردن مال مشارکتی در حالت ناسازگاری شرکا و مسافرت آنها خودداری شود.
- (۳) سوگند خوردن زنان به دلیل نافرمانی و در سفر معتبر نیست.
- (۴) نشوز و مسافرت به جهت قسم در بین زنان از بین می‌رود.

کله ۱۵- لو ترکت الزوجة بعض حقوقها استعمالاً حل قبوله

- (۱) منع زوجه از بعض حقوق واجبه برای خدا، حرام اما خلع جایز است.
- (۲) منع زوجه از بعض حقوق واجبه برای دادن فداء مباح است.
- (۳) عضل زوجه از بعض حقوق واجبه برای دادن فداء مباح است.
- (۴) ترک بعض حقوق واجبه توسط زوجه برای دلجویی از شوهر و قبول آن مباح است.

فصل سیزدهم

«طلاق، خلع و مبارات ظهار، ایلاء و لعان»

تست‌های تألیفی فصل سیزدهم

کله مثال ۱: ولو فسّر الطلقة بأزيد من واحدة لغى التفسير

- (۱) اگر زوج بگوید: انت طالق ثلاثاً فقط یک طلاق جاری می‌شود.
 (۲) اگر زوج بگوید: انت طالق ثلاثاً طلاق کلاً فاسد است.
 (۳) چون این طلاق بدعی است حتی یک طلاق هم محقق نمی‌شود.
 (۴) چون این طلاق حرام است حتی یک طلاق هم محقق نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» اگر یک طلاق را با لفظی که بیش از یک طلاق را می‌رساند تفسیر کند چنین تفسیری لغو است و یک طلاق واقع می‌شود.

کله مثال ۲: يطلق الوليُّ عن مع المصلحة

- (۱) المجنون المُطْبَع (۲) المجنون (۳) الصبي (۴) السكران

پاسخ: گزینه «۱» ولی می‌تواند زن مجنون دائمی را در صورتی که این کار به مصلحت او باشد طلاق بدهد.

کله مثال ۳: إن طلق المريض توارث

- (۱) فی العدة الرجعية (۲) ترثه فی البائن (۳) ترثه فی البائن و الرجعی إلى سنة (۴) فی طلاق البائن إلى سنة
 (۱) در صورتی که مرد بیمار در حالت بیماری زن خود را به صورت رجعی طلاق بدهد در مدت عده از یکدیگر ارث خواهند برد و توارث آن‌ها فقط در این حالت است و گزینه‌های ۳ و ۴ در مورد ارث بردن زوجه مطلقه از او بعد از یک سال از تاریخ طلاق هستند نه توارث بین آن‌ها.

کله مثال ۴: زنی که قبل از وقوع نزدیکی شوهرش فوت کند

- (۱) عده ندارد. (۲) سه طهر عده نگه می‌دارد.
 (۳) سه ماه عده نگه می‌دارد. (۴) چهار ماه و ده روز عده نگه می‌دارد.
 (۱) زنی که با او نزدیکی نشده است در صورت جدایی عده ندارد. مگر اینکه شوهرش فوت کند که در این صورت باید عده وفات نگه دارد که مدت آن چهارماه و ده روز است.

کله مثال ۵: لا نفقة

- (۱) للمطلقة الرجعية (۲) للمطلقة فی العدة (۳) للبائن إلا أن تكون حاملاً (۴) للرجعية إلا أن تكون حاملاً

پاسخ: گزینه «۳» مطلقه به شکل بائن در مدت عده حق نفقه ندارد، مگر این که باردار باشد.

کله مثال ۶: و لا یصح بذلُ الفدية من

- (۱) وکیل الزوجة (۲) الزوجة (۳) ممن یضمنه بإذنها (۴) المتبرع بالبدل

پاسخ: گزینه «۴» در مورد صحت دادن عوض طلاق خلع از سوی کسی که متبرع است و اذن از جانب زوجه ندارد دو نظر وجود دارد؛ اما نظر صحیح تر عدم صحت انجام این کار است.

کله مثال ۷: و لابد فی المبارات من الاتباع بالطلاق:

- (۱) باید به دنبال مبارات کردن صیغه طلاق نیز گفته شود.
 (۲) مبارات باید به دنبال صیغه طلاق بیاید.
 (۳) شرایط طلاق مبارات در اجرا صیغه همانند صیغه طلاق است.
 (۴) احکام مبارات به دنبال صیغه طلاق باید باشد.

پاسخ: گزینه «۱» بعد از صیغه مبارات باید صیغه طلاق آورده شود.

کله مثال ۸: إذا تمَّ الخلعُ.....

(۱) فلا رجعة للزوج و الزوجة

(۳) فلا رجعة للزوج مادامت الزوجة في العدة

(۲) للزوجة الرجوعُ في البذل

(۴) فلا رجعة للزوج فإذا رجعت الزوجة في البذل رجَع إن شاء

پاسخ: گزینه «۴» در طلاق خلع مرد حق رجوع ندارد، مگر این که زن در مدت عده به عوض رجوع کند که در این صورت مرد اگر بخواهد می‌تواند به زن رجوع کند.

کله مثال ۹: يجب نفی الولد.....

(۱) إن ظنَّ انتفاءه عنه

(۲) إذا عرف اختلالَ شروط الإلحاق

(۳) إن خالفت صفاتهُ صفاتهُ

(۴) إن سكت حالَ الولادة

پاسخ: گزینه «۲» در صورتی که مرد آگاهی داشته باشد که شرایط الحاق فرزند به او وجود ندارد، نفی فرزند توسط او واجب است.

کله مثال ۱۰: کدام مورد جزو تشریفات انجام مراسم لعان نیست؟

(۱) ایستاده بودن مرد.

(۲) ابتدا مرد شروع کند.

(۳) اجرای مراسم به زبان عربی در هر حال.

(۴) تعیین زن توسط مرد به شکلی که باعث اشتباه با دیگری نشود.

پاسخ: گزینه «۳» اجرای مراسم به زبان عربی در صورتی واجب است که امکان آن را داشته باشند و در غیر این صورت اجرای آن به زبان عربی لازم نیست و قاضی در صورتی که زبان آن‌ها را نداند باید از دو مترجم عادل استفاده کند.

کله مثال ۱۱: کدام مورد از جمله احکام مترتب بر لعان نیست؟

(۱) لازم بودن آوردن بینه توسط مرد

(۲) از بین رفتن فراش

(۳) ایجاد حرمت ابدی بین زن و مرد

(۴) سقوط حد از زن و مرد

پاسخ: گزینه «۱» با اجرای لعان دیگر نیازی به آوردن بینه توسط مرد برای اثبات ادعایش در مورد زناى زن وجود ندارد.

آزمون فصل سیزدهم

کله ۱- در عبارت «لو طلقت ذات الاقراء قبل بلوغ سن البأس» معنای الاقراء چیست؟

- (۱) حیض (۲) پاکي از حیض (۳) بزرگسال (۴) هیچ کدام

کله ۲- این عبارت چه چیزی را بیان می‌کند؟

«و هی الصیغه و المطلق و المطلقة و الاشهاد»

- (۱) ارکان الطلاق (۲) اقسام الطلاق (۳) الطلاق (۴) ایقاع الطلاق

کله ۳- و هی التي لا یحصل بها الحیض المعتاد و هی فی سن الحیض.

- (۱) ذات الشهور (۲) ذات الاقراء (۳) مستقیمه الحیض (۴) النساء و البائسات

کله ۴- ذات الشهور به چه معنایی است؟

- (۱) زنی که عادتاً حیض می‌شود.
(۲) زنی که در سن حیض است و حیض نمی‌شود.
(۳) زنی که مستقیم الحیض است.
(۴) زنی که به سن یائسگی رسیده است.

کله ۵- و هو طلاق بعوض مقصود لازم لجهة الزوج.

- (۱) مبارات (۲) خلع (۳) لعان (۴) فسخ

کله ۶- در صورتی که مشخص شود عوضی که زوجه در طلاق خلع داده است متعلق به دیگری است، طلاق خلع باطل نمی‌شود به خاطر

- (۱) لإصالة الصحة (۲) لأنَّ المعاضة هنا لیست حقیقة
(۳) لأنَّ المقصود الاصلي فيه العوض (۴) لإصالة الصحة و المعاضة هنا لیست حقیقة

کله ۷- زوجه در چه صورتی می‌تواند درمطلقه ساختن خودش از جانب زوج وکیل شود؟

- (۱) با اجازه دادگاه (۲) به شرط وکالت بلاعزل (۳) این کار جایز نیست. (۴) مطلقاً جایز است.

کله ۸- کل ما یصح ان یکون مهرا من المال صح ان یکون فی الخلع

- (۱) مهراً (۲) فدیة (۳) عوض (۴) عوض المعین

کله ۹- لعان باعث کدام مورد نمی‌شود؟

- (۱) پایان زوجیت (۲) حرمت ابدی (۳) سقوط حد قذف و حد زنا (۴) نفی ولد از هر دو طرف

کله ۱۰- اگر مردی زن خود را متهم به زنا کند و بخواهد حد قذف را از خود ساقط کند باید

- (۱) فرزند را نفی کند و بینه بیاورد.
(۲) بینه داشته باشد.
(۳) همسرش را لعان کند.
(۴) فرزند را از هر دو نفرشان نفی کند.

فصل چهاردهم

« اقرار و غصب »

تست‌های تألیفی فصل چهاردهم

کله مثال ۱: تعلیق اقرار توسط مقرر:

- (۱) جایز است.
 (۳) باطل است.
 پاسخ: گزینه «۳» اقرار مقرر، به صورت معلق در هر حال باطل است و چنین اقراری هیچ اثری ندارد.

کله مثال ۲: يشترط في اقرار بالنسب عدم المنازع فلو تنازعا فيه

- (۱) يشترط فيه التصديق المقررة (۲) بطل الاقرار (۳) أقرع بينهما (۴) اعتبرت البينة
 پاسخ: گزینه «۴» یکی از شرایط اقرار به نسبت نبودن منازع در آن است و در صورت وجود منازع باید بینه اقامه گردد.

کله مثال ۳: اذا كان المال المدعى به مشتركا بين جماعة

- (۱) هنگامی که مال مدعی مشترک با جماعتی باشد.
 (۳) هنگامی که مال مدعی به سبب آن جماعتی شرکت تأسیس نمایند.
 (۲) هنگامی که مال مورد ادعا مشترک باشد میان جماعتی
 (۴) هنگامی که مال مورد ادعا مشترک جماعتی آمیخته باشد.
 پاسخ: گزینه «۲» هنگامی که مال مورد ادعا میان جماعتی مشترک باشد.

کله مثال ۴: و آلا یدی المتعاقبة علی المغصوب أیدی ضمان

- (۱) اشخاص غاصب همه ضامن هستند، در صورتی که عالم به حکم غصب باشند.
 (۲) اشخاص غاصب همه ضامن هستند، در صورتی که عالم به موضوع غصب باشند.
 (۳) اشخاص غاصب همه ضامن هستند، در صورتی که عالم به حکم و موضوع غصب باشند.
 (۴) اشخاص غاصب همه ضامن هستند، چه عالم به غصب باشند و چه جاهل یا بعضی عالم و بعضی جاهل.
 پاسخ: گزینه «۴» تمام کسانی که بعد از هم دیگر بر مال غصبی تسلط پیدا می‌کنند در مقابل مالک آن ضامن هستند خواه همه آن‌ها علم به غصب داشته باشند یا همگی جاهل بوده یا بعضی عالم و بعضی جاهل باشند.

کله مثال ۵: لو سكن معه قهراً

- (۱) فهو غاصب للنصف (۲) فهو ضامن للنصف (۳) فهو غاصب (۴) فهو ضامن
 پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که کسی به زور با دیگری در خانه‌اش به صورت مشترک زندگی کند غاصب نصف خانه محسوب خواهد شد.

کله مثال ۶: فوائد المغصوب مملوكة للمغصوب منه و ان تجددت بعد الغصب و هی کلها مضمونة علی الغاصب

- (۱) تنها فواید و عایدات قبل از غصب عین مغصوبه مال مالک است.
 (۲) تنها فواید و عایدات بعد از غصب عین مغصوبه مال مالک است.
 (۳) فواید و عایدات قبل از غصب و بعد از آن مال غاصب و اصل عین مغصوبه مال مالک است.
 (۴) کلیه فواید و عایدات چه قبل از غصب و یا بعد از مال مالک است.
 پاسخ: گزینه «۴» کلیه منافع و عایدات چه قبل و چه بعد از غصب به مالک تعلق دارد.



آزمون فصل چهاردهم

کله ۱- موضوع اقرار کدام مورد یا موارد است؟

- (۱) مال (۲) حق و نسب (۳) نسب (۴) مال و حق و نسب

کله ۲- در اقرار به لازم است مقله مقرر را تصدیق کند؟

- (۱) اقرار به مال (۲) اقرار به حق
(۳) اقرار به رابطه فرزندی (۴) اقرار به رابطه خویشاوندی غیر از پدری و فرزندی

کله ۳- در صورت تعارض دو اقرار

- (۱) قرعه کشی می‌شود. (۲) شهادت شهود معتبر است. (۳) اقرار قبلی نافذ است. (۴) اقرار بعدی نافذ است.

کله ۴- اقرار عبارت است از

- (۱) اخبار به حقی بر علیه دیگری (۲) اخبار به حقی برای غیر بر ضرر خود
(۳) اخبار به حقی برای خود (۴) اخبار به حقی برای خود به ضرر غیر

کله ۵- اگر مسلمان خوک متعلق به کافری را تلف کند چه حکمی دارد؟

- (۱) ضامن عین آن است. (۲) ضامن قیمت آن است. (۳) ضامن مثل آن است. (۴) ضامن نیست.

کله ۶- لو غضب شاة فاطعها المالك جاهلاً

- (۱) ضمنها المالك (۲) ضمنها الغاصب
(۳) ضمنها الغاصب لضعف المباشر بالغرور (۴) ضمنها الغاصب لضعف المالك بالجهل

کله ۷- «الأردی» در این عبارت به چه معنی است؟ «لو خلط المغصوب بالأجود او الأردی»

- (۱) مال دیگری (۲) مال خود (۳) مال مرغوب (۴) مال بد

کله ۸- يجب علی الغاصب مع رد العين بدل ما كانت لها من المنفعة فی تلك المدة إن كانت لها منفعة سواد إستوفائها كالدار والدابة ام لا

و جعلها معطلة»

- (۱) آجر - آجرها (۲) باعها - آجرها (۳) سکنها - رکیها (۴) آجرها - رکیها

کله ۹- در صورت اجتماع مباشر و سبب در تلف مال چه کسی ضامن است؟

- (۱) مباشر چون اقوی است. (۲) سبب چون مباشر را فریب داده است.
(۳) مباشر و سبب چرا که مساوی با هم هستند. (۴) مباشر چرا که ضمان او مطابق با اصل است.

کله ۱۰- استیلاء یا ثبات الید علی مال الغير عدواناً.

- (۱) قاعده تسلط (۲) ضمان ید (۳) اقدام غیر مجاز (۴) غضب

فصل پانزدهم

«لقطه و احياء موات»

آزمون فصل پانزدهم

- ۱- حیوان گم شده نامیده می‌شود؟
 (۱) لقطه (۲) لقیط (۳) ضالة (۴) بعیر
- ۲- لو وجدت شاة فی العمران احتبسها
 (۱) ثلاثة ایام (۲) یومین (۳) یوم (۴) اربعة ایام
- ۳- کسی که مال را پیدا می‌کند باید چه نوع اهلیتی داشته باشد؟
 (۱) اهلیت او شرط نیست. (۲) اهلیت تمتع (۳) اهلیت کسب و کار (۴) اهلیت قانونی
- ۴- اگر مال پیدا شده باشد بدون نیاز به تعریف، پیداکننده، مالک آن می‌شود؟
 (۱) بیش از یک درهم باشد. (۲) بیش از یک دینار باشد. (۳) کمتر از یک دینار باشد. (۴) کمتر از یک درهم باشد.
- ۵- یجب تعریفها
 (۱) حولاً (۲) حولین (۳) شهرأ (۴) شهرین
- ۶- لا تدفع اللقطه ...
 (۱) آلا بالاوصاف (۲) آلا بالاوصاف الخفیه (۳) آلا بالبینه (۴) آلا بالتعریف
- ۷- عبارت زیر کدام مورد را بیان می‌کند؟ «و هو ما لا ینتفع به لقطه»
 (۱) لقطه (۲) ضالة (۳) زمین موات (۴) ملتقط
- ۸- «المفتوحة عنوة» به چه معنی می‌باشد؟
 (۱) زمین آباد (۲) زمین بایر (۳) زمین کفار (۴) زمینی که با قهر و غلبه تصرف شده
- ۹- شروط الاحیاء
 (۱) خمسة (۲) سبعة (۳) ستة (۴) اربعة
- ۱۰- حریم بئر الناضح ذراعاً.
 (۱) ستون (۲) ثلاثون (۳) خمسون (۴) اربعون



فصل شانزدهم

«ارث»

تست‌های تألیفی فصل شانزدهم

کله مثال ۱: یرث الدیه کل مناسب و مناسب، یعنی:

- (۱) دیه مقتول را هر خویشاوند نسبی مگر زوج و زوجه به ارث می‌برد.
- (۲) دیه مقتول را هر خویشاوند نسبی و سببی به ارث می‌برد.
- (۳) خویشان نسبی و سببی از ارث دیه محرومند دیه به عاقله می‌رسد.
- (۴) خویشان نسبی و سببی از ارث دیه محرومند و دیه به عاقله داده نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» دیه مقتول مانند دیگر اموال او به خویشاوندان سببی و نسبی او می‌رسد.

کله مثال ۲: اگر مردی بعد از اینکه زن خود را لعان کرد و فرزند متولد شده از او را نفی کرد خود را تکذیب کند:

- (۱) زن سابق و فرزند از او ارث خواهند برد، اما او از آن‌ها ارث نخواهد برد.
- (۲) هم مرد از زن و فرزند خود ارث می‌برد هم آن‌ها از او ارث می‌برند.
- (۳) مرد از فرزند خود ارث می‌برد و فرزند از او و خویشاوندان پدری خود ارث خواهند برد.
- (۴) فقط فرزند از مرد ارث خواهد برد و مرد و خویشاوندان پدری از او ارث نخواهند برد.

پاسخ: گزینه «۴» اگر مردی بعد از لعان خود را تکذیب کند فقط فرزند از او ارث خواهد برد و عکس آن تحقق پیدا نخواهد کرد، چرا که شارع حکم به انقطاع نسب داده و نسب قطع شده مجدداً برقرار نمی‌گردد، ارث بردن فرزند لعان شده از پدر به موجب دلیل خاص است.

کله مثال ۳: و إذا أسلم الکافر علی میراثٍ شارکة فی کل التركة

- (۱) قَبْلَ قِسْمَتِهِ (۲) بَعْدَ قِسْمَتِهِ (۳) حِينَ قِسْمَتِهِ (۴) لَا يَرِثُ الْكَافِرُ

پاسخ: گزینه «۱» اگر کافر قبل از تقسیم ترکه اسلام آورد در کل ترکه شریک می‌شود.

کله مثال ۴: لا عول فی الفرائض بل یدخل النقص...

- (۱) علی الأب و الأم (۲) علی البنات و البنات و الأب و الأخت و الأخوات للأبوين أو للأب
(۳) علی الأب و البنات و البنات و الأخت و الأخوات للأم (۴) علی البنات و البنات و الأخت و الأخوات

پاسخ: گزینه «۲» چرا که در فرائض نقص و کاستی وجود ندارد، بلکه نقص بر پدر و دختر و دختران و خواهر و خواهران ابوینی یا پدری وارد می‌شود.

کله مثال ۵: یشترط فی المحبوان لا یكون سفیهاً و لا فاسد الرأی:

- (۱) شرط است در کسی که حبوه به او داده می‌شود سفیه و دارای عقیده باطل نباشد.
- (۲) شرط است در کسی که حبوه به او داده می‌شود عاقل و بالغ باشد.
- (۳) شرط است در کسی که حبوه به او داده می‌شود رشید و شیعه دوازده امامی باشد.
- (۴) شرط است در مالی که به عنوان حبوه داده می‌شود فاسد شدنی و سهمی نباشد.

پاسخ: گزینه «۱» حبوه در صورتی به پسر بزرگ داده می‌شود که سفیه و دارای عقیده باطل نباشد.

کله مثال ۶: الجد و ان علی یقاسم الأخوة، یعنی:

- (۱) جد هر چند بالا باشد با خواهر و برادر متوفی ارث می‌برد.
(۲) خواهر و برادر متوفی هر چند بالا باشند، حاجب جد واقع نمی‌شوند.
(۳) جد هر چقدر که بالا رود حاجب خواهر و برادر متوفی واقع می‌شوند.
(۴) جد اعلی سهمش از سهم برادران و خواهران کم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» جد متوفی هر قدر بالا رود و خواهران و برادران متوفی، ترکه را میان خود تقسیم می‌کنند.



کلمه مثال ۷: در صورت اجتماع کلاله‌ی ابوینی و ابی و امی سهم کلاله‌ی ابی از ترکه به چه مقدار است؟

- (۱) $\frac{1}{6}$ ترکه (۲) باقی ترکه (۳) سهمی ندارد. (۴) $\frac{1}{3}$ ترکه

پاسخ: گزینه «۳» چرا که به خاطر وجود کلاله‌ی ابوینی، کلاله‌ی ابی ارث نمی‌برد؛ کلاله‌ی ابی وقتی ارث می‌برد که کلاله‌ی ابوینی وجود نداشته باشند و جانشین آن‌ها شده و سهم آن‌ها را می‌برد.

کلمه مثال ۸: لو اجتماع الأعمام و الأخوال فللأخوال.....

- (۱) الثلث و إن كان واحداً (۲) السدس إن كان واحداً (۳) النصف و إن كان واحداً (۴) النصف

پاسخ: گزینه «۱» چرا که در صورت اجتماع اعمام و اخوال سهم اخوال ثلث ترکه است، حتی اگر فقط یک نفر باشد.

کلمه مثال ۹: تمنع الزوجة غیر ذات الوالد من الارض عیناً و قيمة و من الآلات و الابنية عیناً لا قيمة:

- (۱) زن، از ارث زمین چه از نظر عین و چه از نظر قیمت محروم است، اما از آلات بنا و ساختمان از نظر قیمت ارث می‌برند از عین آن‌ها.
 (۲) زنی که از شوهرش فرزند نداشته باشد از ارث زمین چه از خود زمین چه از قیمت آن محروم است و از ارث خود آلات و ابنیه محروم است نه از قیمت آن‌ها.
 (۳) زن از ارث زمین مطلقاً محروم است و از آلات و ابنیه عیناً ارث نمی‌برد، لیکن از قیمت آن‌ها ارث می‌برد.
 (۴) زنی که از شوهرش فرزند دارد از ارث زمین مطلقاً محروم است و از ارث عین آلات و بناها محروم است نه از قیمت آن‌ها.

پاسخ: گزینه «۲» زنی که فرزند ندارد از عین زمین و بهای آن و نیز از عین ابزارها و بناها ارث نمی‌برد، اما از بهای ابزار و بناها ارث می‌برد.

کلمه مثال ۱۰: الطلاق الرجعی

- (۱) يمنع من الارث (۲) لا يمنع من الارث (۳) يمنع من الارث الا فی المرض (۴) يمنع من الارث کالبائن

پاسخ: گزینه «۲» طلاق رجعی مانع ارث بردن زوجین از یکدیگر در مدت عدّه طلاق نمی‌شود، بنابراین اگر یکی از زوجین در مدت عدّه طلاق رجعی فوت کند دیگری از او ارث خواهد برد برخلاف طلاق بائن.



آزمون فصل شانزدهم

کله ۱- یمنع القتل الارث

- (۱) اذا كان عمداً ظملاً (۲) اذا كان شبه خطأ (۳) اذا كان خطأ (۴) ان لم يكن المقتول ولد القاتل

کله ۲- يرث القصاص من يرث عدا الزوج و الزوجة.

- (۱) العقار (۲) الدية (۳) المال (۴) حق القذف

کله ۳- اگر سهام ورثه بیش از ترکه میت باشد به آن گفته می‌شود.

- (۱) تعصیب (۲) عول (۳) حجب (۴) مانع

کله ۴- اگر شخص فوت کند و ما ترک او شش میلیون تومان بوده و دو دختر و یک مادر از وی باقی بماند با توجه به مسأله زیر سهم نهایی مادر از ما ترک چه مقدار است؟

«و لو كان بنتان فصاعداً مع الابوين فلا رد و مع احد الأبوين یرد السدس اخماساً»

- (۱) یک میلیون تومان (۲) دو میلیون تومان
(۳) یک میلیون و دویست هزار تومان (۴) پانصد هزار تومان

کله ۵- با توجه به این مسأله «و لو كان الابوين زوج او زوجة» فله نصيبه الاعلى و للام ثلث الاصل و الباقي للأب»

اگر مردی بمیرد و وارث وی زوجه و والدین باشند و ماترک او دو میلیون تومان باشد، سهم زوجه چقدر است؟

- (۱) یک میلیون تومان (۲) پانصد هزار تومان (۳) دویست و پنجاه هزار تومان (۴) چهارصد هزار تومان

کله ۶- در عبارت «تقوم کلاله الأب مقام کلاله الابوين عند عدمهم» منظور از «کلاله اب» چیست؟

- (۱) عموها (۲) تمام سهم پدر (۳) بستگان پدری (۴) خواهران و برادران پدری

کله ۷- عبارت زیر را با توجه به گزینه‌ها تکمیل نمایید.

«يشترط في التوارث بالزوجية أن يكون العقد ...»

- (۱) صحیحاً (۲) منقطعاً (۳) نافذاً (۴) دائماً

کله ۸- زوج و زوجه همراه با کدام طبقه از وارثان نسبی ارث می‌برند؟

- (۱) طبقه اول (۲) طبقه دوم (۳) طبقه سوم (۴) با تمام طبقات ارث می‌برند.

کله ۹- از ولد الزنا ارث نمی‌برد؟

- (۱) فرزند (۲) زوجه (۳) والدین (۴) امام

کله ۱۰- ديه جنين به عنوان ارث به می‌رسد؟

- (۱) پدر (۲) مادر (۳) والدین (۴) بیت‌المال

فصل هفدهم

«حدود»

تست‌های تألیفی فصل هفدهم

کله مثال ۱: علّت حکم عبارت زیر کدام است؟ «فَلَوْ تَزَوَّجَ الْأُمُّ أَوْ الْمُحْصَنَةُ ظَانًّا أَلْحَلَ فَلَا حَتَّى»

- (۱) قاعده لا ضرر (۲) قاعده درء (۳) قاعده التعزیر لکل عمل المحرم (۴) اصل برائت
- پاسخ: گزینه «۲» به استناد قاعده درء (تدرء الحدود بالبشهادات) مجازات اجرا نمی‌شود.

کله مثال ۲: و لا یقدح تقادم الزنا فی صحة الشهادة:

- (۱) مرور زمان در شهادت بر زنا به صحت آن ضرر نمی‌رساند. (۲) تقدم شهادت بر زنا اشکالی ندارد. (۳) مرور زمان در زنا به صحت شهادت ضرر نمی‌رساند. (۴) گذشت زمان در زنا به اثبات آن توسط شهود خدشه وارد نمی‌آورد.
- پاسخ: گزینه «۳» گذشت زمان طولانی ضرری بر صحت شهادت وارد نمی‌کند.

کله مثال ۳: یشرط اجتماع شهود الزنا حال اقامتها دفعة و لو اقام بعضهم فی غیبة الباقي حدوا و لم یرتقب الاتمام:

- (۱) شرط است که شهود زنا در هنگام ادا یکجا حضور داشته و بلافاصله شهادت می‌دهند، حال اگر بعضی در غیاب باقی شهادت دهند، حد بر ایشان جاری می‌شود بدون آن که منتظر تکمیل شهادت بمانند. (۲) حضور کلیه شهود زنا در هنگام شهادت لازم است و اگر در غیاب متهم، شهادت داده شود، حد بر ایشان جاری می‌شود، بدون آن که منتظر حضور متهم بمانند. (۳) حضور کلیه شهود زنا در هنگام شهادت لازم است و اگر برخی از ایشان در غیاب باقی ادای شهادت کنند، حد زنا بر متهم جاری نمی‌شود و منتظر حضور باقی نمی‌مانند. (۴) حضور کلیه شهود زنا در هنگام شهادت لازم است و اگر برخی از ایشان در غیاب متهم شهادت دهند، حد بر ایشان جاری می‌شود و بدون آن که به انتظار حضور متهم باقی بمانند.
- پاسخ: گزینه «۱» اگر برخی از گواهان در غیاب بقیه گواهان شهادت دهند بر آن‌ها حد جاری می‌شود و مهلت داده نمی‌شود سایر گواهان بیایند.

کله مثال ۴: توبه در چه صورت باعث اسقاط حد زنا می‌شود؟

- (۱) قبل از قیام بینه (۲) بعد از قیام بینه (۳) حین قیام بینه (۴) توبه تأثیری در اسقاط حد ندارد
- پاسخ: گزینه «۱»

کله مثال ۵: و یسقط حد الزنا بدعوی الجهالة بالتحريم او الشبهة مع امکانهما فی حقه:

- (۱) دعوی جهالت نسبت به حرمت عمل یا دعوی آمیزش به شبهه از سوی متهم در صورتی موجب سقوط حد بر او می‌گردد که بتواند احتمال این دو مورد را اثبات نماید. (۲) حد زنا ساقط می‌شود آن گاه که متهم مدعی شود که از حرمت عمل خبر نداشته و یا آمیزش او به شبهه بوده است در صورتی که کشف حقیقت، امکان نداشته باشد. (۳) دعوی جهالت نسبت به حرمت عمل و یا دعوی آمیزش به شبهه از سوی متهم موجب سقوط حد بر او می‌گردد، در صورتی که احتمال این دو را در مورد وی بتوان داد. (۴) اگر برای متهم امکان داشته باشد که ادعا کند به حکم حرمت جاهل بوده و یا آمیزش وی ممکن است به شبهه باشد، حد زنا در حق او ساقط می‌گردد.
- پاسخ: گزینه «۳» دعوی جهالت نسبت به حرمت عمل و یا دعوی آمیزش به شبهه از سوی متهم موجب سقوط حد بر او می‌گردد، در صورتی که احتمال این دو را در مورد وی بتوان داد.

کله مثال ۶: قیل لا یرجم من لله فی قبله حد:

- (۱) چنان چه کسی به رجم محکوم شود حد جلد اجرا نمی‌شود. (۲) قبل از اجرای حد رجم جلد باید اجرا شود. (۳) کسی که حدی از حدود الهی بر ذمه اوست متصدی رجم نمی‌شود. (۴) کسی که قبلاً حد جلد درباره‌اش اجرا شده رجم نمی‌شود.
- پاسخ: گزینه «۳» کسی که حد الهی برگردن دارد، نباید اقدام به سنگسار کردن کند.

کلمه مثال ۷: بختنص التفریب بمن املاک و لم یدخل:

- (۱) اگر زانی با زانیه هم بستر نشود فقط تبعید می‌شود.
 (۲) تبعید مختص کسی است که هنگام ارتکاب زنا دارای همسر بوده اما با او نزدیکی نکرده باشد.
 (۳) تبعید مختص زناکاری است که زانیه را در اختیار بگیرد اما با او جماع نکند.
 (۴) تشهید مختص کسی است که هنگام ارتکاب زنا دارای همسر بوده اما با او نزدیکی نکرده باشد.

پاسخ: گزینه «۲» تبعید اختصاص به مردی دارد که ازدواج اما دخول نکرده است.

کلمه مثال ۸: من اقر بعد و لم یبینه ضرب حتی ینهی عن نفسه او یبلغ المنة:

- (۱) اگر کسی اقرار به حدی کند و نوع آن را بیان نکند تازیانه زده می‌شود تا آن که خودش بگوید بس است یا آن که تازیانه به صد ضربه برسد.
 (۲) اگر کسی اقرار به حدی کند و نوع آن را بیان نکند آن قدر تازیانه زده می‌شود تا نوع حد را بیان کند مگر آن که تازیانه به صد ضربه برسد.
 (۳) اگر کسی اقرار به حدی کند و نوع آن را بیان نکند آن قدر تازیانه زده می‌شود تا از هشتاد ضربه کمتر و از صد ضربه بیشتر نشود.
 (۴) اگر کسی اقرار به حدی کند و نوع آن را بیان نکند تا یکصد ضربه شلاق تعزیر می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» اگر کسی اقرار به حدی کند اما نوع آن را نگوید آن قدر تازیانه زده می‌شود تا خودش بگوید بس است یا آن که تعداد به صد تازیانه برسد.

کلمه مثال ۹: لو أقام بعضهم الشهادة فی غیبة الباقي

- (۱) يُرْتَقَب الإِتْمَامُ
 (۲) لم يُرْتَقَب الإِتْمَامُ
 (۳) خُدُو اللفریة فإِن جاء الآخرون و شهدوا لم یخُدو
 (۴) حدّوا و لم یُرتَقَب الإِتْمَامُ

پاسخ: گزینه «۴» چرا که اگر عده‌ای از شهود حاضر شوند و قبل از کامل شدن تعداد شهود شهادت دهند، حد قذف بر آن‌ها اجرا خواهد شد و منتظر تکمیل تعداد آن‌ها نمی‌شوند.

کلمه مثال ۱۰: اگر مردی مرتکب تفخیز شود و آن را تکرار کند در مرتبه چندم کشته می‌شود؟

- (۱) دوم (۲) سوم (۳) چهارم (۴) سوم ولی احوط چهارم است.

پاسخ: گزینه «۴» اگر کسی مرتکب تفخیز شود و بعد از اجرای حد آن را تکرار کند در مرتبه سوم کشته می‌شود، اما احوط آن است که در مرتبه چهارم کشته می‌شود و به همین خاطر گزینه ۴ صحیح و تکامل‌تر است.

کلمه مثال ۱۱: و لو وطیء زوجته فساحت بکراً فحملت فالولد للرجال و یحدان منظور از حد خوردن چه کسانی است؟

- (۱) زوجه و دختر باکره (۲) زن و مرد (۳) زن و شوهر (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه «۱» حد مساحقه بر زن و دختر باکره اجرا می‌شود.

کلمه مثال ۱۲: لو وطیء زوجته فساحت بکراً فحملت البکر فالولد للرجل ...

- (۱) مرد باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد و حدی بر دختر باکره نیست، اما زن حد می‌خورد.
 (۲) زن باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد و هر دوی آن‌ها حد می‌خورند.
 (۳) مرد باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد چون که فرزند ملحق به او می‌باشد و هیچ‌کدام حد نمی‌خورند.
 (۴) زن باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد و فقط دختر حد می‌خورد.

پاسخ: گزینه «۲» در این مورد زن باید مهرالمثل دختر باکره را بپردازد و هر دوی آن‌ها به خاطر انجام مساحقه حد می‌خورند.



کلمه مثال ۱۳: لا كفالة في حد بان يكفل لمن ثبت عليه الحد الى وقت متأخر من وقت متأخر عن وقت ثبوته و لا تأخير فيه بل يستوفى متى يثبت:

- (۱) در مورد حد، كفالت پذیرفته نیست یعنی از محکوم به حد نمی‌توان تا زمانی متأخر از وقت ثبوت حد كفالت نمود، زیرا تأخیر در اعمال آن مجاز نبوده بلکه باید مجازات یاد شده همزمان با ثبوت آن به اجرا درآید.
- (۲) در مورد حد، كفالت پذیرفته نیست یعنی با كفالت نمی‌توان صدور حکم حد را به تأخیر انداخت، زیرا اصدار حکم علیه مجرم نباید به تأخیر افتد بلکه پس از ثبوت جرم، فوراً باید محکوم گردد.
- (۳) در مورد حد، كفالت پذیرفته نیست یعنی محکوم به حد نمی‌تواند تا زمانی متأخر از وقت مجازات خود، کفیل کسی شود، زیرا تأخیر در حد مجاز نبوده بلکه باید پس از ثبوت آن فوراً به اجرا درآید.
- (۴) در مورد حد، كفالت پذیرفته نیست یعنی اگر کسی محکوم به مجازات فوری شود، نمی‌توان با كفالت مجازات او را به عقب انداخت، زیرا تأخیر در آن مجاز نبوده و واجب است، محکوم را فوراً برای استیفای مجازات حاضر نمود.

پاسخ: گزینه «۴» در حد، كفالت پذیرفته نمی‌شود و اجرای حد به تأخیر نمی‌افتد.

کلمه مثال ۱۴: و التعريض يوجب التعزير لا الحد:

- (۱) برای ثبوت حد قذف، لفظ باید صریح باشد.
- (۲) در معرض تهمت قرار دادن موجب تعزیر است.
- (۳) در معرض تهمت قراردادن موجب حد است.
- (۴) کنایه زدن موجب حد قذف خواهد بود.

پاسخ: گزینه «۲» کنایه زدن موجب تعزیر گوینده می‌شود و حد ثابت نمی‌شود.

کلمه مثال ۱۵: لو تقاذف المحصنان بما يوجب الحد عذرا:

- (۱) اگر دو نفر شخصی را قذف کنند هر دو تعزیر می‌شوند.
- (۲) اگر دو مرد محصن یکدیگر را قذف کنند به آن چه که در آن حد لازم است هر دو تعزیر می‌شوند.
- (۳) اگر دو محصن مورد قذف کسی واقع گردند که موجب حد است آن فرد تعزیر می‌شود.
- (۴) اگر دو نفر شخصی را قذف کنند که قبلاً حد خورده است آن دو تعزیر می‌شوند.

پاسخ: گزینه «۲» اگر دو نفر محصن یک دیگر را قذف کنند تعزیر می‌شوند.

کلمه مثال ۱۶: اذا تقاذف اثنان سقط الحد و عذرا:

- (۱) اگر دو نفر هم‌دیگر را قذف کنند هم حد و هم تعزیر می‌شوند.
- (۲) اگر دو نفر هم‌دیگر را قذف کنند حد ساقط است و تعزیر می‌شوند.
- (۳) اگر دو نفر هم‌دیگر را قذف کنند هیچ کدام مجازات نمی‌شوند.
- (۴) هیچ کدام

پاسخ: گزینه «۲» اگر دو نفر هم‌دیگر را قذف کنند، حد ساقط است و تعزیر می‌شوند.

کلمه مثال ۱۷: لو تقاذف المَحْصَنان...

- (۱) هر دوی آن‌ها حد قذف می‌خورند.
- (۲) هیچ‌کدام از آن‌ها حد قذف نمی‌خورند.
- (۳) هر دوی آن‌ها تعزیر می‌شوند.
- (۴) مجازاتی نخواهند داشت.

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که دو فرد محصن یکدیگر را قذف کنند، حد قذف بر آن‌ها جاری نمی‌شود، بلکه هر دوی آن‌ها تعزیر می‌شوند.

کلمه مثال ۱۸: شيئاً من المحرمات المجمع عليها كالميتة و الدم و لحم الخنزير عزر:

- (۱) کسی که چند مورد حرام را با هم مرتکب گردد در حالی که اعتقاد به حلال بودن آن‌ها نداشته باشد تعزیر می‌شود.
- (۲) کسی که یکی از محرّماتی را مرتکب شود که اجماع بر حرام بودن آن‌ها وجود دارد مثل مردار، خون و گوشت خوک در حالی که حلال بداند تعزیر می‌شود.
- (۳) کسی که یکی از محرّمات را که اجماع بر حرمت آن‌ها است بخورد مثل مردار، خون و گوشت خوک در حالی که حلال بداند تعزیر می‌شود.
- (۴) اگر کسی چند مورد حرام را که اجماع بر حرام بودن آن‌ها وجود دارد مرتکب گردد با عدم علم به حرام بودن آن‌ها تعزیر می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» هر کس بدون اعتقاد به حلال بودن امور حرام، مرتکب یکی از آن‌ها شود تعزیر می‌شود.

مسئله ۱۹: کسی که غیر از خمر، مسکرات دیگر را حلال بدانند

- (۱) مرتد است و کشته می‌شود.
 (۲) مرتد نیست و کشته نمی‌شود.
 (۳) حد زده می‌شود.
 (۴) مرتد است ولی توبه داده می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» چرا که فقط کسی که خمر را حلال بدانند مرتد محسوب می‌شود و کشته خواهد شد.

مسئله ۲۰: یقطع الضیف و الاجیر مع الاحراز:

- (۱) با قطع احراز، اجیر و میهمان مصالحه می‌کنند.
 (۲) برای تصرف میهمان و اجیر علاوه بر قطع باید رضایت مالک نیز احراز شود.
 (۳) دست میهمان و اجیر در صورت احراز سرقت قطع می‌شود.
 (۴) دست میهمان و اجیر در صورت سرقت از حرز قطع می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» حد قطع بر میهمان و اجیری که مال میزبان و مستأجر را سرقت کند، جاری می‌شود، مشروط بر این که مال به خاطر آن دو در حرز نگهداری شده باشد.

مسئله ۲۱: الجیب و الکم الباطنان حرز:

- (۱) جیب مطلقاً حرز محسوب نمی‌شود.
 (۲) جیب داخل و خارج حرز است برای پول و مانند آن.
 (۳) طرار اگر به قدر نصاب مال را از جیب‌های داخلی بیرون آورد، هتک حرمت حرز کرده است.
 (۴) دزد اگر به قدر نصاب مال را از جیب بیرونی و درونی بیرون آورد هتک حرمت حرز کرده است.

پاسخ: گزینه «۳» چون جیب مخفی پنهان لباس محرز محسوب می‌شود.

مسئله ۲۲: یکفی فی الغرم للمال المسروق الاقرار به مرة:

- (۱) اگر مال مسروق کمتر از نصاب باشد، یک بار اقرار برای ضمان کافی است.
 (۲) در ثبوت قطع ید اقرار به سرقت و لو یک بار کافی است.
 (۳) سارق ضامن عین مسروقه است هر چند یک بار اقرار به آن کند.
 (۴) مسروق منه و لو یک بار اقرار به سرقت می‌تواند اجرای حد را تقاضا کند.

پاسخ: گزینه «۳» یک بار اقرار به سرقت برای مدیون شدن نسبت به مال سرقت شده کافی است.

مسئله ۲۳: و یکفی فی الغرم للمال المسروق الاقرار به مرة:

- (۱) در اجرای حد یک بار اقرار کفایت می‌کند.
 (۲) در لزوم پرداخت غرامت یک بار اقرار کافی نیست.
 (۳) در لزوم پرداخت غرامت یک بار اقرار کفایت می‌کند.
 (۴) در پرداخت جزای نقدی به مالک یک بار اقرار کافی است.

پاسخ: گزینه «۳» در لزوم پرداخت غرامت، یک بار اقرار کفایت می‌کند.

مسئله ۲۴: لا قطع إلا بمرافعة الغريم:

- (۱) در جرم سرقت در هر مورد دست دزد قطع می‌شود.
 (۲) دست دزد قطع نمی‌شود، مگر به طرح دعوی از جانب بدهکار.
 (۳) سرقت از جرایم قابل گذشت است.
 (۴) تحقق علم یقینی قاضی، منوط به شکایت مال باخته است.

پاسخ: گزینه «۲» حد قطع، در صورتی نسبت به سارق اجرا می‌شود که صاحب مال علیه سارق طرح دعوا کند.

کوه مثال ۲۵: و لو شهدا علیه بسرقة ثم شهدا عليه بأخرى قبل القطع، فالأقرب عدم تعدد القطع:

- (۱) هرگاه دو شاهد به سرقت کسی شهادت داده و قبل از اجرای قطع به سرقت شخص دیگری شهادت دهند، اقرب عدم تعدد قطع بر ایشان است.
- (۲) هرگاه دو شاهد به سرقت کسی شهادت داده و قبل از قطع به یقین، به سرقت شخص دیگری شهادت دهند، اقرب عدم اجرای قطع بر آن دو سارق است.
- (۳) هرگاه دو شاهد به سرقت کسی شهادت داده و قبل از اجرای حد به سرقت دیگر او شهادت دهند، اقرب عدم تعدد قطع بر سارق است.
- (۴) هرگاه دو شاهد به سرقت کسی شهادت داده و قبل از پیدایش قطع، به سرقت دیگر او شهادت دهند، اقرب عدم اجرای مجازات است.

پاسخ: گزینه «۳» هرگاه دو شاهد به سرقت شخص شهادت دهند و قبل از اجرای حد به سرقت دیگری از همان شخص شهادت دهند فقط یک حد جاری می‌شود.

کوه مثال ۲۶: لو تكررت السرقة و لم يرافع بينها فالقطع واحد لأنه حد فنداخل اسبابه لو اجتمع كالزنا و شرب الخمر:

- (۱) در صورت ارتکاب مکرر جرم سرقت اگر در بین آن‌ها به مراجع قضایی مراجعه نشده باشد حد قطع ید یک بار بر سارق اجرا می‌شود، زیرا مجازات سرقت از نوع حد است و در صورت تعدد، اسباب آن، در هم مداخله می‌کنند همان گونه که اگر با سرقت، جرم دیگری مانند زنا و یا شرب خمر هم ارتکاب یافته باشد، یک مجازات خواهد داشت.
- (۲) هرگاه کسی مکرراً مرتکب سرقت شود اما در بین آن‌ها رسیدگی قضایی به عمل نیامده باشد تنها یک بار حد قطع ید در مورد او اعمال خواهد شد زیرا مجازات سرقت از نوع حد است و اسباب مکرر آن در هم تداخل می‌کنند همان گونه که در تکرار زنا و یا شرب خمر نیز به همین منوال عمل می‌گردد.
- (۳) در صورت تکرار ارتکاب سرقت، مراجع قضایی مرتکب را به یک بار حد قطع ید محکوم خواهند کرد زیرا در جرایم موجب حد تعدد جرایم در هم تداخل می‌کنند هم چنان که ارتکاب سرقت و زنا و شرب خمر موجب اعمال یک حد بر مرتکب خواهد گردید.
- (۴) سرقت مکرر شخص اگر در مراجع قضایی مورد ترافع واقع نشود، مرتکب به یک بار حد قطع ید محکوم می‌گردد زیرا مجازات سرقت از نوع حد است و اسباب مختلف و جرایم متعدد در هم تداخل می‌کنند همان گونه که ارتکاب زنا و شرب خمر با هم بیش از یک مجازات نخواهد داشت.

پاسخ: گزینه «۱»

کوه مثال ۲۷: در کدام مورد دست سارق قطع می‌شود؟

- (۱) لو ادعى السارقُ الهبةَ أو الإذن له
- (۲) لو رجع عن الإقرار بالسرقة اختیاراً بعد الإقرار مرتین
- (۳) سرقة الثمر على شجرة
- (۴) ردّ المکره السرقة بعینها

پاسخ: گزینه «۲» چرا که در این مورد رجوع سارق بعد از اقرار تأثیری در سقوط حد ندارد و دست سارق قطع خواهد شد، در صورتی که تمامی شرایط موجود باشند اما در گزینه‌های دیگر حد قطع دست وجود ندارد یا ساقط می‌شود.

کوه مثال ۲۸: لو قتل المحارب، تعیین قتله و لم یکتف بغيره من الحدود:

- (۱) در صورتی که محارب، مرتکب قتل نفس شده باشد، باید اعدام شود و حدود دیگر بر او اجرا نمی‌گردد.
- (۲) در صورتی که محارب، مرتکب قتل نفس شده باشد و به حدود دیگر و ضرب و جرح اکتفا نکند، باید اعدام گردد.
- (۳) در صورتی که محارب، مرتکب قتل نفس شده باشد، در مجازات او به غیر از اعدام اکتفا نخواهد شد.
- (۴) در صورتی که مهاجم، مرتکب قتل نفس شده باشد، قتل او متعین و براساس دفاع مشروع، کشتن او مجاز است.

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که محارب مرتکب قتل نفس شده باشد، در مجازات او به غیر از اعدام اکتفا نخواهد شد.

کوه مثال ۲۹: توبه محارب در چه صورت پذیرفته می‌شود؟

- (۱) قبل القدرة علیه
- (۲) حين القدرة علیه
- (۳) قبل و بعد القدرة علیه
- (۴) فی جميع احوال

پاسخ: گزینه «۱» توبه در صورتی که قبل از دستیابی نظام به محارب باشد مورد قبول قرار می‌گیرد.

کله مثال ۳۰: در صورتی که محارب توبه نماید حد ... از اسقاط می‌شود؟

- (۱) قتل و قطع
(۲) قطع ونفی بلد
(۳) قتل، قطع و نفی بلد إلا حق لآدمی
(۴) قتل و صلب

پاسخ: گزینه «۳» در صورت توبه فقط حق الناس ساقط نمی‌شود.

کله مثال ۳۱: توبه المحارب بعد الظفر لا اثر لها فی اسقاط حد أو عُرْم:

- (۱) اگر محارب توبه کند حد از او ساقط می‌گردد.
(۲) اگر محارب پس از قدرت یافتن بر او توبه کند حد ساقط می‌شود.
(۳) اگر پس از دستیابی به محارب وی، توبه کند، توبه‌اش اثری در برداشتن حد یا غرامت ندارد.
(۴) اگر پس از دستیابی به محارب، وی توبه کند، حد از او ساقط می‌گردد.

پاسخ: گزینه «۳» اگر محارب، پس از دستیابی به وی توبه کند، توبه‌اش اثری در سقوط حد یا غرامت ندارد.

کله مثال ۳۲: لو تاب المحارب قبل القدرة علیه سقط الحد من القتل و القطع و النفی دون حق الآدمی:

- (۱) هرگاه محارب قبل از آن که قدرت بر محاربه یابد، دستگیر شود و توبه کند، مجازات قتل و قطع و تبعید از او ساقط می‌شود، اما حق الناس قطع نمی‌شود.
(۲) هرگاه محارب قبل از دستگیری توبه کند، حد اعدام و قطع و تبعید از او ساقط می‌شود اما حق الناس بر ذمه‌اش باقی خواهد ماند.
(۳) هرگاه محارب قبل از آن که بر طرف مقابل قدرت یابد، توبه کند، حد قتل و قطع و تبعید از او ساقط می‌شود مگر آن که حق الناس بر ذمه‌اش باشد.
(۴) هرگاه محارب قبل از اعمال قدرت، دستگیر شده و توبه کند، حد قتل و قطع و نفی بلد از او ساقط می‌شود، زیرا حق انسانی او باید رعایت شود.

پاسخ: گزینه «۱»

هرگاه محارب پیش از آن که دستیابی به او حاصل شود (مرحله قبل از شناسایی و دستگیری شدن) توبه کند حد قتل، قطع و تبعید برداشته می‌شود، اما حق الناس هم چون حق قصاص نفس یا جراحت و حقوق مالی از بین نمی‌رود و توبه او پس از دستگیری وی، در اسقاط حد یا خسارت یا قصاص نفس یا عضو یا جراحت اثری ندارد.

کله مثال ۳۳: لو طلب اللصّ النفس و جب علی المطلوب دفعه ان امکن:

- (۱) اگر دزد همراه با قهر و غلبه، درصدد قتل کسی باشد، آن کس می‌تواند در صورت امکان از خود دفاع کند.
(۲) اگر دزد همراه با قهر و غلبه، درصدد ربودن کسی باشد، بر آن کس مطلوب است که اگر امکان داشته باشد او را دفع کند.
(۳) اگر دزد مهاجم در صدد قتل کسی باشد، بر آن کس واجب است در صورت امکان، او را از خود دفع کند.
(۴) اگر دزد مهاجم از کسی مالی طلب کند، بر صاحب مال واجب است حتی الامکان در برابر او دفاع کند.

پاسخ: گزینه «۱» زیرا حفظ جان آدمی واجب است.

کله مثال ۳۴: کدام یک محارب محسوب می‌شود؟

- (۱) الصّ
(۲) المختلس
(۳) المستلب
(۴) الطلیع

پاسخ: گزینه «۱» چرا که سارق مسلح محارب محسوب می‌شود و حد محاربه در مورد او اجرا می‌شود، اما در سایر گزینه‌ها آن اشخاص محارب محسوب نمی‌شوند.

کله مثال ۳۵: مرتد ملی توبه داده می‌شود، مدت توبه برای او چند روز است؟

- (۱) پنج روز
(۲) سه روز
(۳) یک روز
(۴) چهار روز

پاسخ: گزینه «۲» مرتد ملی برخلاف مرتد فطری توبه داده می‌شود و در صورت توبه کردن، توبه‌ی او قبول می‌شود و کشته نمی‌شود. مدت توبه برای او سه روز است.



کله مثال ۳۶: لوقته فی منزله فادعی القاتل إرادة المقتول نفسه أوماله....

(۱) فعلیه البینه (۲) دمُ المقتول هدر (۳) وجب القود (۴) ضمن دیته

پاسخ: گزینه «۱» اگر شخصی را داخل خانه‌ی خود بکشد و ادعا کند که او قصد جان یا مال او را کرده بود باید در این مورد بینة اقامه کند.

کله مثال ۳۷: و دم المدفوع هدر حیث يتوقف الدفاع علی قتله و کذا ما یتلف من ماله اذا لم یمكن بدونه:

(۱) اگر دفاع از مهاجم متوقف به قتل او و یا اتلاف مالی از او باشد، خون او هدر بوده و تلف اموالش ضمان آور نیست.

(۲) خون مهاجمی که در اثر دفاع ریخته می‌شود، هدر است و هم چنین اموالی از او که تلف شود، ضمان آور نیست.

(۳) اگر خون مهاجم در ضمن دفاع ریخته شود، ارزشی ندارد و اگر بدون اتلاف اموال او دفاع ممکن نباشد، آن هم ضمان آور نیست.

(۴) خون مهاجم در ضمن دفاع هنگامی هدر است که در صدد قتل کسی باشد و اموالی هم که در این صورت از روی تلف شود، ضمان ندارد.

پاسخ: گزینه «۱» برای دفاع اگر چاره‌ای جز کشتن نباشد، خون مهاجم هدر است و اگر دفاع بدون تلف کردن مال او ممکن نباشد، مال او نیز هدر است.



آزمون فصل هفدهم

کله ۱- الزنا هو إبلاچ البالغ العاقل فی فرج امرأة.....

- (۱) محرمه (۲) مسلمة (۳) حرة (۴) بالغة

کله ۲- مرجع ضمیر «یحدان» در این عبارت کدام گزینه است؟

«و لو وطأ زوجته فساحت بکراً فحملت فالولد للرجل و یحدان»

- (۱) زوجه و دختر باکره (۲) زن و مرد (۳) زن و شوهر (۴) هیچ کدام

کله ۳-..... الجمع بین فاعلی الفاحشة من الزنا و اللواط و السحق

- (۱) الاحصان (۲) القذف (۳) السحق (۴) القيادة

کله ۴-..... الرمی بالزنا و او اللواط.

- (۱) القذف (۲) السحق (۳) القيادة (۴) الاحصان

کله ۵- الحد فی القذف ثمانون.....

- (۱) جلدة (۲) ضربة (۳) سوطاً (۴) مرة

کله ۶- یثبت شرب المسکر بالاقرار.....

- (۱) مره (۲) مرتین (۳) اربع مرات (۴) ثلاث مرات

کله ۷- در ترجمه عبارت «لا یسقط الحد باعتراض الجنون» کدام گزینه صحیح است. حد با ساقط نمی‌شود.

- (۱) اعتراض دیوانه (۲) با عروض جنون به متهم (۳) با عروض جنون بر شاکی (۴) هیچ کدام

کله ۸- در این عبارت مرجع ضمیر الیه کدام است؟

«لو اخرج السارق المال من حرزه ثم اعده الیه»

- (۱) حرز (۲) مال (۳) سارق (۴) مسروق منه

کله ۹-..... تجرید السلاح برأ و بحرأ لیلاً او نهارأ لإخافة الناس فی مصر و غیره

- (۱) السرقة (۲) المحاربة (۳) المقاتلة (۴) الدفاع

کله ۱۰-..... هو الذی يأخذ المال جهراً و یهرب

- (۱) سارق (۲) مستلب (۳) مختلس (۴) محارب

فصل هجدهم

«قصاص»

تست‌های تألیفی فصل هجدهم

کله مثال ۱: فلا قود بقتل المرتد و لا بقتل غیر المكافیء:

- (۱) اگر مرتد مسلمانی را بکشد قصاص نخواهد شد.
- (۲) اگر مردی مرتد را بکشد یا کسی که همتای او نیست او را بکشد دیه واجب است.
- (۳) اگر عبد مولای خود را بکشد قصاص نمی‌شود.
- (۴) اگر مرتد یا کسی را که همتا و برابر با او نیست بکشد قصاص نخواهد شد.

پاسخ: گزینه «۴» در قتل «مکافئه» شرط است، بنابراین قاتل شخص مرتد و شخص غیر برابر کشته نمی‌شود.

کله مثال ۲: و العمد يحصل بقصد البالغ العاقل الی القتل بما یقتل غالباً:

- (۱) از نظر شهید اول ملاک قصد قتل نیست بلکه کشنده بودن وسیله به طور غالب است.
- (۲) از نظر شهید اول ملاک قتل عمد، قصد قتل است و لو این که وسیله غالباً کشنده نباشد.
- (۳) از نظر شهید اول ملاک قتل عمد، قصد قتل داشته است و آلت هم به طور معمول کشنده باشد.
- (۴) از نظر شهید اول ملاک قتل عمد این است که وسیله کشنده باشد و لو اینکه قصد قتل نداشته باشد.

پاسخ: گزینه «۳» قتل عمد با قصد کشتن و فعلی که غالباً کشنده است واقع می‌شود.

کله مثال ۳: لو اکرهه علی القتل فالقصاص علی المباشرون الامر:

- (۱) مباشر و آمر هر دو قصاص می‌شوند.
- (۲) مباشر قصاص می‌شود و آمر قصاص نمی‌شود.
- (۳) هیچ‌کدام قصاص نمی‌شود.
- (۴) آمر قصاص می‌شود و مباشر قصاص نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» در اکرهه به قتل مباشر، قصاص می‌شود و آمر به حبس ابد محکوم می‌گردد.

کله مثال ۴: لو اکرهه علی القتل فالقصاص.....

- (۱) علی الامر دون المباشرون
- (۲) علی المباشرون دون الامر
- (۳) علی المباشرون و یحبسون الامر حتی یموتون
- (۴) علی الامر و یحبسون المباشرون

پاسخ: گزینه «۳» در صورت اکرهه دیگری به قتل شخصی، مباشر قتل قصاص می‌شود و آمر حبس ابد می‌شود.

کله مثال ۵: با توجه به این عبارت «لا یجنی الجانی علی اکثر من نفسه»:

- (۱) اگر زنی مردی را بکشد به قصاص نفس و پرداخت نصف دیه کامله محکوم می‌شود.
- (۲) اگر دو نفر یک نفر را بکشند هر کدام به قصاص نفس محکوم می‌شوند.
- (۳) اگر زنی مردی را بکشد فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود نه بیشتر.
- (۴) اگر مردی دو نفر را بکشد به قصاص نفس و پرداخت دیه کامله محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» زن در برابر قتل مرد بدون پرداخت چیزی از دیه قصاص می‌شود.

کله مثال ۶: لا یقتل مسلم بکافر حربياً کان ام ذمیاً و لکن یعزر بقتل الذمی:

- (۱) مسلمان در برابر کافر حربی کشته نمی‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.
- (۲) مسلمان در برابر کافر حربی و ذمی کشته نمی‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.
- (۳) مسلمان در برابر کافر ذمی کشته می‌شود و در برابر حربی تعزیر می‌شود.
- (۴) مسلمان در برابر کافر حربی کشته می‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» به دلیل وجود شرط مکافئه، مسلمان به خاطر قتل غیرمسلمان قصاص نمی‌شود.

کلمه مثال ۷: لا یقتل الصبی ببالغ بل تثبت الدیة علی عاقلته و یقتل البالغ بالصبی...

- (۱) کودک به خاطر قتل فرد بالغ قصاص نمی‌شود، اما باید دیه او را بپردازد.
- (۲) کودک به خاطر قتل فرد بالغ قصاص می‌شود و فرد بالغ نیز به خاطر قتل کودک قصاص می‌شود.
- (۳) کودک به خاطر قتل فرد بالغ قصاص نمی‌شود، اما عاقله او باید دیه فرد مقتول را بپردازد.
- (۴) کودک و فرد بالغ به خاطر قتل یکدیگر قصاص نمی‌شوند و عاقله هر کدام باید دیه مقتول را بپردازد.
- پاسخ: گزینه «۳» کودک در صورتی که مرتکب قتل شود، قتل او در حکم خطای محض خواهد بود؛ بنابراین قصاص نمی‌شود و عاقله‌ی او باید دیه‌ی مقتول را بپردازد.

کلمه مثال ۸: و اما القسامه فتثبت مع اللوث و مع عدمه یحلف المنکر:

- (۱) قسامه ثابت می‌شود چه لوث باشد یا نباشد و منکر باید قسم بخورد.
- (۲) قسامه در صورت لوث ثابت می‌شود و در صورت عدم لوث منکر باید قسم بخورد.
- (۳) قسامه ثابت می‌شود در مواردی که لوث نباشد و در موارد لوث منکر باید قسم بخورد.
- (۴) قسامه ثابت می‌شود در موارد لوث و منکر باید قسم بخورد.
- پاسخ: گزینه «۲» قسامه در صورتی که لوث باشد ثابت می‌شود و اگر لوث نباشد منکر یک قسم می‌خورد.

کلمه مثال ۹: لو لم یکن المدعی قسامة احلف المنکر و قومه:

- (۱) اگر مدعی از قسم نکول کند حاکم منکر و خویشان او را قسم می‌دهد.
- (۲) اگر مدعی و منکر هیچ کدام بنیة نداشته باشند، حاکم منکر و خویشان او را قسم می‌دهد.
- (۳) اگر مدعی قسامه نداشته باشد، حاکم به تقاضای مدعی منکر و خویشان او را قسم می‌دهد.
- (۴) اگر مدعی بنیة نداشته باشد، حاکم منکر و خویشان او را قسم می‌دهد.
- پاسخ: گزینه «۳» اگر مدعی فاقد قسامه باشد یا از قسم خوردن امتناع کند، منکر و خویشاوندان او توسط قاضی قسم داده می‌شوند.

کلمه مثال ۱۰: لو اقر واحد بقتله عمدا و آخر بقتله خطاء تخیر الولی:

- (۱) قصاص و دیه از هر دو ساقط می‌شود و دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.
- (۲) ولیّ دم در تصدیق هر یک از آن دو که بخواهد مختار است و دیگری را نمی‌تواند مجازات کند.
- (۳) ولیّ دم کسی را که به قتل عمد اقرار کرده قصاص می‌کند و از دیگری دیه می‌گیرد.
- (۴) ولیّ دم مخیر است که هر دو را قصاص و فاضل دیه آن دو را پرداخت کند یا از هر دو دیه بگیرد.
- پاسخ: گزینه «۲» ولیّ دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی‌تواند عمل نماید و نمی‌تواند مجازات هر دو را مطالبه کند.

کلمه مثال ۱۱: لا ینبئ القصاص فی...

- (۱) الحارصة (۲) الموضحة (۳) السمحاق (۴) المنقلة
- پاسخ: گزینه «۴» در تمام جراحتهای ذکر شده قصاص انجام می‌شود جز در مورد جراحت منقله، به این علت که رعایت تساوی ممکن نیست.

کلمه مثال ۱۲: و یرث القصاص وارث المال الا الزوجین:

- (۱) وارثین مال حق قصاص را به ارث نمی‌برند مگر همسر.
- (۲) وارثین مال حق قصاص را به ارث می‌برند مگر همسر.
- (۳) هیچ کس حق قصاص را به ارث نمی‌برد.
- (۴) تنها پدر و خویشاوندان و زوجین حق قصاص را به ارث می‌برند.
- پاسخ: گزینه «۲» وراثی که مال را به ارث می‌برند، حق قصاص را نیز به ارث می‌برند به جز زن و شوهر.

کلمه مثال ۱۳: للحاضر الاستیفاء و یضمن حصه الباقین من الدیة:

- (۱) کسی که حاضر به اجرای حق خود است، مسئول پرداخت حصه اشخاص دیگر از دیه است.
 (۲) وارث حاضر می‌تواند به قصاص مبادرت ورزد در این صورت سهم باقی وراث را ضمانت خواهد کرد.
 (۳) کسی که حاضر به استیفاء قصاص است، ضامن سهم سایر اشخاص از دیه می‌باشد.
 (۴) هرگاه یکی از وراث حاضر باشد، می‌تواند مبادرت به قصاص نماید، در این صورت سهم باقی وراث را از دیه ضامن خواهد بود.
- پاسخ: گزینه «۴» هرگاه یکی از وراث حاضر باشد می‌تواند مبادرت به قصاص نماید، در این صورت سهم باقی وراث را از دیه ضامن خواهد بود.

کلمه مثال ۱۴: ولو كان الولی صغیرا و له اب اوجد لم یکن الاستیفاء الی بلوغه:

- (۱) اگر ولی دم صغیر باشد پدر یا جد پدری او نمی‌تواند تا هنگام بلوغ او قصاص را استیفاء کند.
 (۲) اگر ولی دم صغیر باشد پدر و یا جد پدری او نمی‌تواند قصاص را استیفاء کند مگر بعد از بلوغ او.
 (۳) ولی قهری نمی‌تواند با رعایت غبطه صغیر قبل از بلوغ او قصاص را استیفاء کند.
 (۴) ولی قهری می‌تواند بدون رعایت مصلح صغیر قبل از بلوغ قصاص را جاری کند.
- پاسخ: گزینه «۱» در صورتی که ولی دم صغیر باشد و پدر یا جد پدری داشته باشد ولی صغیر نمی‌تواند قصاص کند تا اینکه طفل به سن بلوغ برسد.

کلمه مثال ۱۵: اگر بعضی از اولیای دم با قاتل در مورد گرفتن دیه صلح کردند...

- (۱) حق قصاص دیگر اولیای دم ساقط نمی‌شود و آن‌ها پس از دادن سهم دیگر اولیای دم از دیه می‌توانند قاتل را قصاص کنند.
 (۲) حق قصاص دیگران ساقط نمی‌شود و آن‌ها بدون دادن سهم دیگر اولیای دم از دیه می‌توانند قاتل را قصاص کنند.
 (۳) دیگر اولیای دم حق قصاص قاتل را ندارند و فقط می‌توانند سهم خود از دیه را دریافت کنند.
 (۴) اولیای دم دیگر باید از نظر دیگر اولیای دم که اکثریت می‌باشند تبعیت کنند.
- پاسخ: گزینه «۱» چرا که در قتل عمدی مجازات ابتدایی قاتل قصاص است، برای همین اولیای دمی که مطالبه‌ی قصاص کنند مقدم بر سایر اولیای دم می‌باشند.

کلمه مثال ۱۶: و یؤخر قصاص الطرف الی اعتدال النهار:

- (۱) قصاص عضو را به زمانی که هوا روشن است به تأخیر می‌اندازند.
 (۲) قصاص عضو را به زمانی که هوا گرم است به تأخیر می‌اندازند.
 (۳) قصاص عضو تا به زمانی که هوا معتدل است به تأخیر می‌اندازند.
 (۴) قصاص عضو را در انتهای روز انجام می‌دهند.
- پاسخ: گزینه «۳» قصاص عضو را تا زمانی که هوا معتدل است به تأخیر می‌اندازند.

آزمون فصل هجدهم

کله ۱- «لو اشترک فی قتله جماعة قتلوا به جميعاً ان شاء الولي» این عبارت بیان می‌کند که

- (۱) ولی دم هیچ کدام را نمی‌تواند بکشد.
 (۲) هر کدام را که بخواهد می‌تواند بکشد.
 (۳) همه را می‌تواند بکشد.
 (۴) همه را نمی‌تواند بکشد.

کله ۲- این عبارت چه چیزی را بیان می‌کند؟

«لو أكرهه على القتل و القصاص على المباشر دون الأمر»

- (۱) مباشر و آمر هر دو قصاص می‌شوند.
 (۲) مباشر قصاص می‌شود و آمر قصاص نمی‌شود.
 (۳) هیچ کدام قصاص نمی‌شود.
 (۴) آمر قصاص می‌شود و مباشر قصاص نمی‌شود.

کله ۳- این عبارت چه چیزی را بیان می‌کند؟

«لا يقتل الوالد و ان علا بابنه»

- (۱) پدر در برابر فرزند کشته نمی‌شود و در برابر جد پدری کشته می‌شود.
 (۲) پدر و جد پدری در برابر فرزند کشته نمی‌شوند.
 (۳) پدر و جد و جده پدری در برابر فرزند کشته نمی‌شوند.
 (۴) هیچ کدام

کله ۴- روی السكونی ان النبی (ص) كان يحبس في تهمة الدم

- (۱) سبعة ايام
 (۲) ستة ايام
 (۳) خمسة ايام
 (۴) عشرة ايام

کله ۵- لو تعارضت الامارات الظنية اللوث.

- (۱) ثبت
 (۲) بطل
 (۳) جهل
 (۴) عرف

کله ۶- با توجه به گزینه‌های زیر مرجع ضمایر «به» و «لزمه» را در عبارت «بعد حلول الحول يطالب الدية ممن تعلقت به و لو مات بعد حلوله لم يسقط ما

لزمه» معین نمایند.

- (۱) الحول
 (۲) الدیه
 (۳) ممن
 (۴) حلول

کله ۷- معنای کلمه الکالة در عبارت «لا يجوز الاستيفاء في النفس و الطرف بالآلة الکالة» کدام است؟

- (۱) تیز
 (۲) کند
 (۳) سنگین
 (۴) سبک

کله ۸- ترجمه دقیق این عبارت کدام گزینه است؟

«لا يقتل مسلم بكافر حربياً كان أم ذمياً و لكن يعزر بقتل الذمی»

- (۱) مسلمان در برابر کافر حربی کشته نمی‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.
 (۲) مسلمان در برابر کافر حربی و ذمی کشته نمی‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.
 (۳) مسلمان در برابر کافر ذمی کشته می‌شود و در برابر حربی تعزیر می‌شود.
 (۴) مسلمان در برابر کافر حربی کشته می‌شود و در برابر ذمی تعزیر می‌شود.

کله ۹- فی القصاص النفس و موجهه ازهاق النفس المعصومة

- (۱) المحرمة
 (۲) العاقلة
 (۳) المكافئة
 (۴) المبالغة

کله ۱۰- از ادله اثبات قتل نیست.

- (۱) اقرار
 (۲) بینه
 (۳) ظن غالب
 (۴) قسامه

فصل نوزدهم

«دیات»

تست های تألیفی فصل نوزدهم

کلمه مثال ۱: لو ابرأة المعالج من الجنایة قبل وقوعها فالاقرب الصحة لمسیس الحاجة الی مثل ذلك اذ لاغنی من العلاج:

(۱) هرگاه طبیب از جنایتی که محتملاً بر مریض وارد خواهد شد تبری کرده و از خود سلب مسئولیت کند صحیح است، زیرا نیاز به معالجه چنین اقتضاء می‌کند.

(۲) هرگاه مریض طبیب معالج را از تبعات جنایتی که محتملاً بر او وارد خواهد شد ابرا کند صحیح است، زیرا نیاز به معالجه چنین اقتضا می‌کند.

(۳) هرگاه طبیب لازم بداند که برای معالجه مریض اقدامی که منجر به جنایت شود به عمل آورد، مجاز و بری الذمه است، زیرا نیاز به معالجه چنین اقتضا می‌کند.

(۴) تبری طبیب و سلب مسئولیت از خود در صورتی که قبل از وقوع جنایت بر مریض باشد صحیح است زیرا نیاز به معالجه چنین اقتضا می‌کند.

پاسخ: گزینه «۲» هرگاه معالجه شونده پیش از وقوع جنایت، پزشک را از مسئولیت ناشی از جنایت بری نماید، نظر درست‌تر صحیح بودن این عمل است، زیرا گریزی از این کار نیست.

کلمه مثال ۲: لو وقف المصدوم فی موضع لیس له الوقوف ضمن الصادم:

(۱) مصدوم ضامن جنایت وارده بر صادم است، چون تلف مستند به تعدی اوست.

(۲) مصدوم نصف دیه جنایت وارده بر صادم را می‌پردازد، چون تلف مستند به هر دو است.

(۳) صادم ضامن جنایت وارده بر مصدوم است چون تلف مستند به فعل اوست.

(۴) صادم ضامن جنایت وارده بر مصدوم است و بالعکس چون تلف مستند به هر دو است.

پاسخ: گزینه «۱» مصدوم ضامن جنایت وارده بر صادم است، چون تلف مستند به تعدی اوست.

کلمه مثال ۳: «یضمن معلم السباحة الصغیر فی ماله بخلاف البالغ الرشید» بیان می‌کند که:

(۱) مربی‌گری شنا تعهد به نتیجه است.

(۲) مربی‌گری شنا تعهد به وسیله است.

(۳) مربی‌گری شنا در مورد محجورین مسئول حفظ جان متعلم خود است.

پاسخ: گزینه «۳» مربی‌گری شنا در مورد محجورین مسئول حفظ جان متعلم خود است.

کلمه مثال ۴: لو انقلبت الظئر فقتلت الولد...

(۱) ضمنته فی مالها

(۲) ضمنته فی مالها إن كان للحاجة

(۳) ضمنته فی مالها إن كان للفخر

(۴) فهو علی عاقلتها

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که دایه برای کسب افتخار به طفل شیر می‌داده است اگر در هنگام خواب بر او بغلتد و او را بکشد دایه‌ی او را باید از مال خودش بپردازد و اگر از روی احتیاج این کار را می‌کرد دایه‌ی طفل بر عهده‌ی عاقله دایه خواهد بود.

کلمه مثال ۵: فی خسف العین العوراء ثلث دیتها صحیحة:

(۱) در ناقص کردن چشم غیر سالم یک سوم دیه چشم سالم است.

(۲) در ناقص کردن چشم غیر سالم یک سوم دیه کامل است که دیه چشم سالم است.

(۳) در نابینا کردن فرد یک چشم یک سوم دیه چشم کامل است.

(۴) در ناقص کردن چشم بیمار یک سوم دیه کامل است.

پاسخ: گزینه «۱»



کله مثال ۶: در کدام مورد ارش پرداخت می‌شود؟

- (۱) کندن موی سر مرد به شکلی که دیگر نروید.
- (۲) کندن موی ریش مرد.
- (۳) کندن موی سر زن در صورتی که دوباره بروید.
- (۴) کندن موی سر مرد در صورتی که دوباره بروید.

پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که موی سر مرد طوری کنده شود که دوباره بروید دیده ندارد و جانی باید ارش بپردازد.

کله مثال ۷: فی ابطال الشم من المنخرین معاً الدينة:

- (۱) در خصوص از بین بردن حس بویایی به طور کامل دیده کامل است.
- (۲) در ایجاد نقص نسبت به حس شامه دیده کامل است.
- (۳) در از بین بردن یک طرف بینی که منجر به نابودی نیمی از حس بویایی شود دیده کامل است.
- (۴) از بین بردن نوک دماغ شخص دیده کامل است.

پاسخ: گزینه «۱» اگر حس بویایی به طور کامل از بین برود، جانی باید دیده کامل بپردازد.

کله مثال ۸: از بین بردن کدام حس ارش دارد؟

- (۱) بویایی
- (۲) شنوایی
- (۳) بینایی
- (۴) شنوایی در صورت برگشت

پاسخ: گزینه «۴» از بین بردن حس شنوایی دیده دارد، اما در صورتی که حس شنوایی برگردد جانی باید ارش بپردازد.

کله مثال ۹: دیده جنین پسر و دختر تا چه زمانی برابر است؟

- (۱) تا زمانی که به صورت علقه است.
- (۲) تا زمانی که به صورت مضعه است.
- (۳) تا قبل از این که روح در آن دمیده شده باشد.
- (۴) تا وقتی که استخوان بندی جنین کامل نشده باشد.

پاسخ: گزینه «۳» دیده جنین پسر و دختر تا قبل از این که روح در آن دمیده شود برابر می‌باشد و بعد از دمیده شدن روح در آن، دیده جنین پسر دیده کامله و دیده جنین دختر نصف دیده کامله خواهد بود.

کله مثال ۱۰: عاقله الذمی نفسه و مع عجزه الامام:

- (۱) عاقله کافر ذمی، خویشان کافر هستند و در صورت اعسارشان امام عاقله اوست.
- (۲) عاقله کافر ذمی، عصبه او هستند خواه مسلمان و خواه کافر در صورت عجز عصبه امام دیده را پرداخت می‌کند.
- (۳) عاقله کافر ذمی، عصبه او هستند و در صورت عجز آنان، امام دیده را پرداخت می‌کند.
- (۴) کافر ذمی خودش عاقله خودش است و در صورت اعسارشان امام عاقله اوست.

پاسخ: گزینه «۴»

کله مثال ۱۱: معنی الحكومة و الارش فیما لاتقدر لدیته واحد:

- (۱) حکومت و ارش در چیزی که فاقد دیده مقدر است به یک معنی است.
- (۲) اگر عضوی واحد باشد دیده کامل دارد نه ارش و حکومت.
- (۳) اگر عضوی دیده مقدر داشته باشد حاکم به همان مقدار حکم می‌کند نه به ارش.
- (۴) اگر عضوی در بدن واحد باشد اما دیده مقدر نداشته باشد حاکم مخیر بین حکومت و ارش است.

پاسخ: گزینه «۱» حکومت و ارش در چیزی که فاقد دیده مقدر است به یک معنی است.

آزمون فصل نوزدهم

کله ۱- إنما تثبت الدية بالإصالة في الخطأ.....

(۱) و العمد (۲) المحض (۳) شبهة (۴) دون العمد و شبهة

کله ۲- معنای کلمه الجفان در عبارت زیر چیست؟

(۱) ابروها (۲) پلک‌های چشم (۳) حدقه چشم (۴) مژه‌ها

کله ۳- و ارتكب القتل في الشهر الحرام فعليه الدية من أي الأجناس كان تغليظاً.

(۱) زیادة (۲) نصف (۳) ثلث (۴) ربع

کله ۴- تستأدى دية في سنة واحده.

(۱) النفس (۲) الخطأ (۳) شبیه العمد (۴) العمد

کله ۵- کدام گزینه در رابطه با جراحت منقله صحیح است؟

(۱) تفتق الخریطة - نصف الدية
(۲) تبلغ إلى أم الرأس - ثلاثون بعبيراً
(۳) تهشم العظم - نصف الدية
(۴) تحوج إلى نقل العظم - خمسة عشر بعبیر

کله ۶- شجاج جراحت مربوط به است.

(۱) سر و صورت (۲) صورت (۳) سر (۴) سر و کتف

کله ۷- و هو تصیر مسلك البول و الحيض واحداً.

(۱) رتق (۲) عقل (۳) افشاء (۴) عنن

کله ۸- «لو قطع إذنه فأزال سمعه فهما جنايتان»

با لحاظ گزینه‌های زیر مرجع ضمیر تثنيه را معین نمایید.

(۱) قطع أذن - ازالة سمع (۲) أذن - سمع (۳) قطع اذن - سمع (۴) أذن - ازالة سمع

کله ۹- زخمی که در سر ایجاد می‌شود و بسیار در گوشت فرو می‌رود نامیده می‌شود.

(۱) دامیه (۲) باضعه (۳) حارصه (۴) موضحه

کله ۱۰- در چه موردی ديه جنين صد دينار است؟

(۱) جنين تام الخلفه قبل از دمیده شدن روح
(۲) جنینی که روح در او دمیده شده
(۳) جنين موجود در شکم
(۴) جنینی که به صورت خون بسته شده است.



فصل بیستم

«جهاد»

آزمون فصل بیستم

۱- «يجب الجهاد واجبا..... و قد يتعين اذا.....»

- (۱) عینیا. امر به الامام او نایب العام
(۲) کفاییا. امر به الامام
(۳) کفاییا. اذا یخشی الناس من هجوم العدو
(۴) عینیا. اذا امر به الفقیه الجامع الشرايط

۲- با توجه به عبارت «انما يجب الجهاد بشرط الامام او نایب الخاص و يجب حينئذ بغير اذن الامام او نایب»، در کدام شرایط جهاد نیاز به اذن امام ندارد؟

- (۱) هجوم عدو و یخشی منه علی بیضه الاسلام
(۲) اذا كان الجهاد مقابل البغاه
(۳) اذا اذن الفقیه الجامع الشرايط
(۴) اذا كان الجهاد دفاعیا

۳- در کدام مورد سلامت و عدم فقر و بینایی از شرایط وجوب جهاد به شمار نمی‌آید؟

- (۱) اگر جهاد دفاعی باشد.
(۲) اگر جهاد به امر نایب خاص امام باشد.
(۳) به سبب کمی شمار مسلمین جهاد واجب عینی باشد.
(۴) تعداد شمار کفار و مشرکان زیادتر از مسلمین باشد.

۴- با توجه به «لوالدین منع الولد عن الجهاد..... مع.....»، والدین در چه صورتی می‌توانند فرزند خود را از جهاد منع نمایند؟

- (۱) جهاد ابتدایی باشد و به واسطه امر امام به فرد خاص، عینی نشده باشد.
(۲) جهاد دفاعی باشد و والدین کافر نباشند.
(۳) جهاد دفاعی باشد و مسلمانان در ضعف نباشند.
(۴) جهاد ابتدایی باشد و مسلمانان در ضعف نباشند.

۵- «والدین یمنع المدیون الموسر القادر علی الوفاء - مع الحلول حال الخروج إلى الجهاد فلو كان معسرا أو كان الدین مؤجلا و إن حل قبل رجوعه عادة لم یکن له المنع مع احتمال له فی الأخير». با توجه به متن در چه صورتی طلبکار حق منع بدهکار از جهاد را دارد؟

- (۱) بدهکار معسر بوده، در حال خروج زمان پرداخت بدهی سررسیده است.
(۲) بدهکار موسر بوده، در حال خروج مهلت پرداخت بدهی سررسیده است.
(۳) بدهکار معسر بوده، دین به صورت موجل نباشد.
(۴) بدهکار معسر بوده، قبل از فرا رسیدن اجل دین به شهر باز نمی‌گردد.

۶- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) لو نذر الرباط او صرف المال الی اهلها لا یجب الوفاء به اذا كان الامام غائبا
(۲) لو نذر الرباط او صرف المال الی اهلها یجب الوفاء به و ان كان الامام غائبا
(۳) لو نذر الرباط او صرف المال الی اهلها لا یجب الوفاء به الا اذا كان الرباط بامر الامام او نایب
(۴) لو نذر الرباط او صرف المال الی اهلها یجب الوفاء به اذا كان الرباط اکثر من ثلاثة الايام

۷- «يجب قتال الحربی بعد الدعاء الی الاسلام و امتناعه من قبوله حتی یسلم او یقتل» با توجه به متن کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کافر حربی در صورت پذیرش شرایط ذمه، کشته نخواهد شد.
(۲) کافر حربی در صورت تسلیم کشته نخواهد شد.
(۳) کافر حربی در صورت امتناع از پذیرش اسلام، کشته خواهد شد.
(۴) کافر حربی در صورت کتابی شدن کشته نخواهد شد.

۸- شرط عدم قتل کافر کتابی چیست؟

- (۱) اسلام آوردن
(۲) اسلام آوردن و یا التزام به شرایط ذمه
(۳) تسلیم شدن و ترک مقاتله
(۴) بستن قرارداد مهاندنه

کدام یک از موارد جزء مکروهات جهاد است؟

- ۱) ارسال الماء و النار ۲) هدم الحصون و المنجنيق ۳) قتل الصبيان و المجانين ۴) قتل الشيوخ و الكبار

کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) لایجوز قتل الترس ممن لایقتل ۲) یجوز قتل الترس ممن لایتقل الا اذا کان تترسوا بالمسلمين
۳) یجوز قتل الترس و ان کان من المسلمین مع التعذر ۴) یجوز قتل الترس الا اذا کان من النساء و الصبيان

در صورتی که مسلمانی را که به عنوان سپر انسانی قرار داده‌اند بکشند، کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) قصاص و دیه دارد. ۲) تنها دیه دارد. ۳) دیه و کفاره دارد. ۴) تنها کفاره دارد.

کدام گزینه در مورد امان دادن صحیح است؟

- ۱) شرطه ان یکون قبل الاسر حتی اذا وقع من الامام
۲) شرطه ان یکون من الامام او من نائبه الخاص
۳) شرطه ان یکون قبل الاسر اذا وقع من الاحاد و یجوز بعده من الامام
۴) شرطه ان یکون من فیه مصلحه المسلمین

« تملك النساء و الاطفال بالسبی و ان کان الحرب قائمة الذکور البالغون یقتلون حتما ان اخذوا و الحرب قائمة الا ان یسلموا»

با توجه به عبارت فوق کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) تملك اطفال و زنان فقط در صورتی است که به اسارت درآمدن ایشان بعد از پایان جنگ باشد.
۲) در صورتی که اطفال و زنان قبل از پایان جنگ به اسارت درآیند، تملیک خواهند شد و افراد ذکور بالغ الزاماً کشته خواهند شد.
۳) افراد ذکور بالغ چنانچه قبل از پایان جنگ اسلام آورده و اسیر شوند، در صورت مسلمان شدن کشته نخواهند شد.
۴) اطفال و نساء در صورت مسلمان شدن کشته نخواهند شد.

« ان اخذوا بعد ان وضعت الحرب و اوزارها»

- ۱) یقتلون حتما الا ان اسلموا ۲) یتخیر الامام بین القتل و المن و الفداء
۳) لم یقتلوا و یتخیر الامام بین المن و الفداء لانفسهم ۴) لم یقتلوا و یتعین علیهم الجزیه و العقد الذمه

عبارت « العطاء الذی لایبلغ سهم من یعطاه لو کان مستحقا للسهم» تعریف چیست؟

- ۱) جعائل ۲) رضخ ۳) خمس ۴) نفل

کدام یک از افراد زیر از سهم غنیمت بهره‌مند نخواهند بود؟

- ۱) المخذل و الطفل الذکور الذی من اولاد المقاتلین ۲) المرجف و المولود بعد الحیازه و قبل القسمة
۳) الفارس و الراجل ۴) لذی الافراس لو قاتلوا فی السفن

در مورد باغیان کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) فذو الفئه یجهز علی جریحهم و یتبع مدبرهم و یقتل اسیرهم
۲) تسبی النساء الذوفئه منهم و ذراریهم و تملك اموالهم بخلاف غیرذوفئه منهم
۳) عدم القسمة اموال البغاه مطلقا
۴) لا تسبی نساء الفریقین و لاذراریهم

الامر بالمعروف واجب النهی عن المنکر و انه واجب....

- ۱) واجب کفایی بخلاف - عینی ۲) واجب عقلی بخلاف - نقلی
۳) واجب کفایی نظیر - کفایی ۴) واجب عینی بخلاف - کفایی



کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) يجب الامر بالمندوب و انه من مصادیق الامر بالمعروف
- ۲) يستحب الامر بالمندوب و انه من مصادیق الامر بالمعروف
- ۳) يستحب النهی عن المكروه و الامر بالمندوب و لا یدخلان فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر
- ۴) الامر بالمستحب یدخل فی الامر بالمعروف بخلاف النهی عن المكروه و انه لیس من النهی عن المنکر

کدام گزینه از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد؟

- ۱) امنیت مالی و جانی و آبرویی از ضرر برای آمر و برای مؤمنان
- ۲) علم آمر و ناهی به معروف و منکر شرعی
- ۳) عدم ظن به بی‌تأثیر بودن نهی از منکر
- ۴) تکرار و اصرار بر معصیت

..... الانکار بالقلب علی کل حال و انه؟

- ۱) يستحب. من مقتضی الایمان
- ۲) يجب. من مراتب النهی عن المنکر
- ۳) يجب. یدخل فی قسمی الامر و النهی
- ۴) يجب. لا یدخل فی قسمی الامر و النهی

..... للفقهاء حال الغیبة اقامة الحدود مع الامن الضرر و علی الناس الترافع علیهم

- ۱) لا یجوز الا اذا كان الفقیه منصوب من الامام. لایجوز
- ۲) یجوز. یجوز
- ۳) يجب. يجب
- ۴) یجوز. يجب

در چه صورتی زوج حق دارد بر زوجه اقامه حد نماید؟

- ۱) ازدواج میان آنها دائمی بوده باشد و علم به عمل از طریق مشاهده یا اقرار حاصل شده باشد.
- ۲) علم به عمل از طریق مشاهده یا گواهی بی‌بینه عادل حاصل شده باشد.
- ۳) علم به عمل از طریق گواهی بی‌بینه عادل باشد و زن بعد از ازدواج مدخول بها باشد.
- ۴) علم به عمل از طریق مشاهده و یا اقرار با شرایط صحیح باشد.

اگر حاکم جائز کسی را مضطر به اقامه حد یا قصاص به ظلم نماید.....؟

- ۱) جاز لمكان الضرورة حتى فی الجرح و القتل
- ۲) لایجوز . لانه لاتقیه فیہ
- ۳) جاز مطلقا
- ۴) جاز فی لمكان الضرورة الا القتل



فصل اول: « قضاوت و شهادت »

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»

فصل دوم: « وقف و عطایا »

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۴»

فصل سوم: « کتاب متاجر »

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۱»

فصل چهارم: « دین، رهن و حجر »

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل پنجم: « ضمان، حواله و كفالت »

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۲»

فصل ششم: « صلح و شرکت »

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۱»

فصل هفتم: « مضاربه، ودیعه و عاریه »

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۴»

فصل هشتم: « مزارعه و مساقات »

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»

فصل نهم: « اجاره و وکالت »

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۲»

فصل دهم: « شفعه و جعاله »

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۱»

فصل یازدهم: « وصیت »

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۱»

فصل دوازدهم: « نکاح »

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۱»	۱۵- گزینه «۴»

فصل سیزدهم: « طلاق، خلع و مبارات و لعان »

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل چهاردهم: « اقرار و غصب »

«۱- گزینه «۴»	«۲- گزینه «۴»	«۳- گزینه «۲»	«۴- گزینه «۲»	«۵- گزینه «۲»
«۶- گزینه «۳»	«۷- گزینه «۴»	«۸- گزینه «۳»	«۹- گزینه «۱»	«۱۰- گزینه «۴»

فصل پانزدهم: « لقطه و احیاء موات »

«۱- گزینه «۳»	«۲- گزینه «۱»	«۳- گزینه «۳»	«۴- گزینه «۴»	«۵- گزینه «۱»
«۶- گزینه «۳»	«۷- گزینه «۳»	«۸- گزینه «۴»	«۹- گزینه «۳»	«۱۰- گزینه «۱»

فصل شانزدهم: « ارث »

«۱- گزینه «۱»	«۲- گزینه «۳»	«۳- گزینه «۱»	«۴- گزینه «۳»	«۵- گزینه «۲»
«۶- گزینه «۴»	«۷- گزینه «۴»	«۸- گزینه «۴»	«۹- گزینه «۳»	«۱۰- گزینه «۳»

فصل هفدهم: « حدود »

«۱- گزینه «۱»	«۲- گزینه «۱»	«۳- گزینه «۴»	«۴- گزینه «۱»	«۵- گزینه «۱»
«۶- گزینه «۲»	«۷- گزینه «۲»	«۸- گزینه «۴»	«۹- گزینه «۲»	«۱۰- گزینه «۲»

فصل هجدهم: « قصاص »

«۱- گزینه «۳»	«۲- گزینه «۲»	«۳- گزینه «۲»	«۴- گزینه «۲»	«۵- گزینه «۲»
«۶- گزینه «۳»	«۷- گزینه «۲»	«۸- گزینه «۲»	«۹- گزینه «۳»	«۱۰- گزینه «۳»

فصل نوزدهم: « دیات »

«۱- گزینه «۳»	«۲- گزینه «۲»	«۳- گزینه «۳»	«۴- گزینه «۴»	«۵- گزینه «۴»
«۶- گزینه «۱»	«۷- گزینه «۳»	«۸- گزینه «۱»	«۹- گزینه «۲»	«۱۰- گزینه «۱»

فصل بیستم: « جهاد »

«۱- گزینه «۲»	«۲- گزینه «۱»	«۳- گزینه «۱»	«۴- گزینه «۱»	«۵- گزینه «۲»
«۶- گزینه «۲»	«۷- گزینه «۳»	«۸- گزینه «۲»	«۹- گزینه «۱»	«۱۰- گزینه «۳»
«۱۱- گزینه «۴»	«۱۲- گزینه «۳»	«۱۳- گزینه «۳»	«۱۴- گزینه «۳»	«۱۵- گزینه «۲»
«۱۶- گزینه «۲»	«۱۷- گزینه «۲»	«۱۸- گزینه «۳»	«۱۹- گزینه «۳»	«۲۰- گزینه «۳»
«۲۱- گزینه «۴»	«۲۲- گزینه «۴»	«۲۳- گزینه «۴»	«۲۴- گزینه «۴»	

پاسخنامه آزمون‌های خودسنجی

« متون فقه »

آزمون (۱)

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۴»	۱۴- گزینه «۴»	۱۵- گزینه «۱»

آزمون (۲)

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۳»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۲»

آزمون (۳)

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۱»

آزمون (۴)

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۴»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۱»

آزمون (۵)

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۴»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۳»

آزمون (۶)

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۳»
۱۱- گزینه «۲»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۳»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۴»